

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان: نظام نامه جامع مسجد

نویسندگان: محمد حسین شاه آبادی، محمد جواد نوروزی اقبالی
حمید درویشی شاه کلایی، حمیدرضا قنبریان گوارشکی، بشیر خالقی پور
محسن احمدی، مهدیه احمدی، مجید یوسفی، شعیب یاری
ناشر: پژوهشکده شهید صدر، مرکز مطالعات راهبردی ژرفا
طراحی جلد و صفحه‌آرایی: استودیو هنری رأیت
نوبت چاپ: زمستان ۱۴۰۰

نشانی: بزرگراه رسالت شرق، خ رشید، خ نوکار، ک صادقی ۱۱۳، پ ۱۱۲

«کلیه حقوق، اعم از چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و اقتباس از این اثر
برای پژوهشکده شهید صدر، مرکز مطالعات راهبردی ژرفا محفوظ است.»





تجربه‌نگاری مساجد (فرهنگی - تربیتی)

پژوهشکده شهید صدر، مرکز مطالعات راهبردی ژرفا
زمستان ۱۴۰۰



۷.....	پیشگفتار
۱۱.....	مقدمه
۱۵.....	تجربه نگاری مسجد قدس اصفهان
۱۶.....	اصول فکری
۱۶.....	اهداف کلان و واسطه‌ای و راهبردهای مجموعه
۱۸.....	یافته‌ها در راستای تحقیق
۱۸.....	وضعیت موجود
۱۹.....	تجربه نگاری مسجد صفای تهران
۱۹.....	تاریخچه شکل‌گیری
۲۰.....	دوره گذار
۲۵.....	هدف مجموعه
۲۶.....	تجربه نگاری مسجد موسی بن جعفر اهواز
۲۶.....	اهداف تشکل
۲۷.....	مسجد امام حسین علیه السلام جهرم
۲۷.....	مقدمه
۲۸.....	معرفی فرمانده پایگاه
۲۸.....	اصول کار
۲۹.....	قانون جاذبه
۳۳.....	فعالیت‌ها
۳۶.....	زمینه شکل‌گیری
۳۹.....	کسب درآمد
۳۹.....	اعضای گروه
۴۰.....	بخش‌های مؤسسه
۴۰.....	تأمین تجهیزات
۴۱.....	وضعیت مالی
۴۱.....	تأمین مالی

۴۱	گردش مالی مسجد
۴۲	مسجد چهارده معصوم علیه السلام قم
۴۲	مقدمه
۴۳	نهادهای فعال در مسجد
۴۴	معرفی امام جماعت مسجد
۴۴	کانون فرهنگی مسجد چهارده معصوم علیه السلام
۴۵	تاریخچه شکل گیری
۴۵	برنامه های کانون
۴۷	پرونده تربیتی
۴۸	مترجمان بین المللی
۴۸	مبنای سیر تربیتی
۴۸	مربیان نخیه
۴۹	برنامه خانوادگی
۴۹	اولویت برنامه های مسجد
۵۰	کادر سازی با مسئولیت سپاری
۵۱	مبانی تربیتی
۵۱	کارهای ذیل این چهار مبنا
۵۲	بازی نبرد ماندگار
۵۴	مباحث مالی
۵۴	جمع بندی
۵۵	تجربه نگاری مدرسه مسجد محور صنعتگران
۵۵	معرفی اجمالی
۵۶	تاریخچه شکل گیری کار تربیتی در مسجد صنعتگران
۶۱	اصول ناظر بر کار تربیتی در مسجد
۷۶	شیوه خود سازی مربیان
۷۸	شیوهی آموزش مربیان
۸۲	هیئت
۸۵	سیره شهدا
۹۸	آسیب شناسی فعالیت های تربیتی در مسجد
۱۰۱	نقد طرح

پیشگفتار

در نگاه تمدنی به اسلام، دو نهاد انسان ساز و جامعه ساز وجود دارد که کمال جامعه را به ارمغان می آورد. این دو عبارتند از خانواده و مسجد. اگرچه انقلاب اسلامی با استفاده از این دو سرمایه توانست به پیروزی برسد و کلمه حق را در حد توان حاکم سازد، ولی به خاطر عواملی چون سیطره تمدن پوشالی غرب و وجود غرب پرستان داخلی نتوانست به آن تمدن آرمانی برسد و وظیفه خود را نسبت به این دو نهاد مقدس یعنی خانواده و مسجد به نحو احسن انجام دهد.

نتیجه این کوتاهی آن شده است که اگرچه در آغاز انقلاب، جوانان و نوجوان روز و شب خود را در مسجد می گذراندند و در مسجد تربیت می شدند و از مسجد به

جبهه‌های نبرد علیه استکبار جهانی عزیمت می‌کردند، اما در دهه‌های بعد رفته رفته این قدرت کم شد، به طوری که در دهه ۷۰ تفکر لیبرال گسترش یافت و رقبای کاذبی برای مسجد ساخته شد. در دهه ۸۰ مسجد با نوعی رهاشدگی مواجه شد و در نتیجه، فعالیت‌های فرهنگی عموماً به شکست انجامید تا این که در دهه ۹۰ و مخصوصاً در سال‌های آخر منتهی به کرونا، عزم جدیدی برای بازگشت به مسجد پدید آمد و دوباره تحرکات مناسبی برای رسیدن به جامعه مسجدمحور ایجاد شد.

با این وجود هنوز هم مساجد خالی از جوانان و نوجوانان نسل جدید هستند و شاید همان‌ها که سی سال پیش مسجدی بوده‌اند، الان در کهولت سن اعضای اصلی مسجد شده‌اند. این نکته، صرفاً یک آمار جمعیتی نیست بلکه زنگ خطری برای تربیت نسل آینده و فرهنگ برساخته از آن در دهه‌های آینده است. جوانانی که در فرهنگسراها و سینماها و پارک‌ها تربیت می‌شوند مسلمان نسبت کمتری با آرمان‌های انقلاب اسلامی برقرار می‌کنند و فایده‌مندی کمتری دارند.

بنابراین به نظر می‌رسد که همه آحاد جامعه و در رأس آن‌ها نهادها و مسئولین کشور باید بازنگری جدی در وظایف و ماموریت‌های خود بکنند و یکی از مهم‌ترین ماموریت‌هایشان را ساماندهی به وضعیت مسجد قرار دهند تا ان شاء الله بازگشتی دوباره به مسجد توسط نسل نو اتفاق بیفتد.

این پژوهش بر اساس نظریه «امام و امت» که به تفصیل توضیح داده شده، سعی کرده نقش مسجد را در مرحله چهارم تمدن نوین اسلامی یعنی «جامعه‌سازی» و «جامعه‌پردازی» تعریف کند و سپس با بررسی وضعیت موجود مسجد و تحلیل راهبردها و سیاست‌ها، به سرمایه انسانی، ساختار و سازه مسجد بپردازد و در نهایت کارکردهای آن را بر مبنای دو کارکرد اصلی «هدایت» و «تقویت اخوت» تشریح نماید. در این راستا به تاریخ نگاری مسجد در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی پرداخته و با تجربه‌نگاری مساجد موفق سراسر کشور توانسته آینده مسجد را بررسی کند.

از جمله دستاوردهای ارزشمند این نظام‌نامه آن است که نظام شاخص ارزشمندی را تدوین کرده تا به وسیله آن بتوان به مسجد مطلوب رسید و یا حداقل بتوان فاصله

مساجد امروز تا مسجد مطلوب را اندازه گرفت. دستاورد بالاتر، ایده‌های تحولی است که با مشورت نخبگانی هیات اندیشه‌ورز و تحلیل نظام مسائل حاصل شده و گام‌های بعدی را مشخص کرده است. بنابراین پژوهش حاضر مقدمه‌ای است برای عملیاتی کردن ایده‌های تحولی که به موجب آن‌ها جهشی در وضعیت مساجد و جایگاه آن‌ها پدید می‌آید و به یاری خدا مسجد محور جامعه‌سازی در محله خواهد شد. البته در کنار این نتیجه ارزشمند؛ مقالات، کتاب‌ها، کرسی‌های نظریه‌پردازی، دوره‌های آموزشی و خدمات مستشاری نیز ارائه خواهد شد تا اهداف علمی و عملی این مطالعه محقق شود، ان شاءالله.

بر خود لازم می‌دانم که از گروه مرکزی مسجد در پژوهشکده شهید صدر و مرکز مطالعات راهبردی ژرفا یعنی برادران حمید درویشی، محمد جواد نوروزی اقبالی، بشیر خالقی پور و حمیدرضا قنبریان گوارشکی تشکر ویژه به جای آورم. هم چنین برادران و خواهرانی بالغ بر ۲۰ نفر در انجام پژوهش‌های جزئی‌تر ما را یاری کردند که به رسم ادب نام چند تن از آنان را به رشته تحریر در می‌آورم: برادران محسن احمدی، مصطفی کوچکزایی، صادق سبحانی، طه رمضانی، محسن حقیقی، محمدحسین بخشی‌زاده، حمید توانا، یوسف یوسفی، علیرضا شریف، محمد عباسی، محمد جواد ابری و سرکار خانم مهدیه احمدی.

از خدای متعال می‌خواهم به لطف خودش و آبروی پیامبر اعظم و خاندان پاکش، همه ما را خادم خانه‌اش قرار دهد و این تلاش‌ها را در میدان عمل منشأ اثر قرار دهد که اگر غیر از این باشد، جز خسران فایده‌ای نخواهد داشت.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

محمد حسین شاه آبادی

اندیشکده مسجد

پژوهشکده شهید صدر- مرکز مطالعات راهبردی ژرفا

مقدمه

انقلاب اسلامی درصدد تحقق حاکمیت اسلام و ایجاد تمدن اسلامی در سراسر کره ارض است. در این مسیر، تأسی به سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بیش از هر امر دیگری ضروری و لازم است؛ زیرا ایشان نه تنها در سیره اخلاقی و شخصی، بلکه در سیره و طرح سیاسی و اجتماعی و تاریخی نیز اسوه مطلق اند. یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های طرح حکومتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، محوریت مسجد در حل و فصل همه امور و مناسبات جامعه اسلامی است.

«اولین مسئله، اهمّیت خود مسجد است و این ابتکاری که اسلام در آغاز ولادت خود برگزید و محلّ تجمّع مردم را بر محور ذکر و دعا و توجّه به خدای متعال قرار داد.

اجتماعات مردم به طور طبیعی دارای تأثیراتی است. خب، یک عده‌ای دُور هم جمع می‌شوند، می‌گویند، می‌شنوند، تصمیم می‌گیرند، ارتباطات فکری برقرار می‌کنند، داده‌ها و گرفته‌های فکری بین خودشان دارند؛ این در کجا اتفاق بیفتد؟ مثلاً در باشگاه‌های اشرافی و اعیانی برای کارهای مختلف اتفاق بیفتد که در غرب معمول است، یا در قهوه‌خانه‌ها تشکیل بشود؛ [یا مثل] روم باستان که در حمام‌ها آن وقت یک چنین اجتماعاتی تشکیل می‌شد و دُور هم مردم جمع می‌شدند و رفتن حمام بهانه بود برای اینکه بگویند و بشنوند؛ یا در جایی تشکیل بشود که محور آن اقامه‌ی صلات است؛ این خیلی فرق می‌کند. وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن وقت یک معنای دیگری پیدا می‌کند، یک جهت دیگری پیدا می‌کند، دل‌ها را به سمت دیگری می‌کشاند؛ این ابتکار اسلام بود.

مسجد پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛ شیوه‌ی کار را باید در مسجد آموخت که چه کار کنیم.

مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست». (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱)

با توجه به این نکات، تعداد زیادی از مساجد سطح کشور، در راستای کارکردهای متنوع مسجد، شروع به حرکت کرده‌اند. این مساجد، در سطوح و لایه‌های مختلف، خود را به سنگر و هسته مقاومت و فعالیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی تبدیل کرده و با نیروسازی برای انقلاب اسلامی، به انواع خدمات به جامعه می‌پردازند.

با توجه به اینکه خوشبختانه، روز به روز، بر تعداد این مساجد افزوده می‌شود، اندیشکده مسجد پژوهشکده شهید صدر، در حد توان خود، به بررسی روند موفقیت برخی از آن‌ها پرداخته است که در این کتاب، به معرفی آن‌ها خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که مساجد معرفی شده در کتاب حاضر، در دو سطح روستایی و شهری مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در مساجد شهری هم سعی بر حفظ تنوع در موقعیت جغرافیایی و کارکردهای مسجد مطلوب انقلاب اسلامی شده است. در همین راستا، در

این نوشتار، به معرفی چهار مسجد روستایی و چهار مسجد شهری می‌پردازیم. مساجد روستایی که در شهرستان‌های خراسان رضوی تمرکز یافته‌اند؛ اما مساجد شهری در چهار نقطه مختلف کشور، مشهد، قم، تهران و جهرم پراکنده هستند. امید می‌رود که این اقدام، گامی مؤثر در جهت معرفی الگوهای موفق فعالیت اجتماعی، با محوریت مساجد باشد و موجب اشاعه فرهنگ مسجدمحوری در فعالیتهای فرهنگی- اجتماعی گردد.

تجربه نگاری مسجد قدس اصفهان^۱

پایگاه بسیج مسجد قدس اصفهان، از سال ۶۴ فعالیت‌های تربیتی خود را آغاز نموده و تا کنون به‌عنوان یکی از مراکز موفق تربیتی در شهر اصفهان، تحت عنوان "کانون فرهنگی قدس" به برپایی حدود ۴۰ حلقه تربیتی در طی دوران حیات خود نائل شده است.

این پایگاه بسیج، از نظر جغرافیایی در منطقه مرقه‌نشین اصفهان و در یک بافت اجتماعی نه‌چندان مذهبی قرار دارد.

۱. برگرفته از گزارش مسجدمحوری فعالیت‌های فرهنگی، شهرداری مشهد، سید رضا حسینی زاده مظلومی

اصول فکری

ریشه‌ای‌ترین اصول فکری این مجموعه که آن‌ها را مبانی می‌نامیم به شرح ذیل‌اند:

۱. تربیت باید بر مبنای اسلام ناب محمدی و اندیشه‌های امام خمینی رحمة الله علیه انجام گیرد.

۲. تربیت در قالب تشکیلات و فعالیت تشکیلاتی مؤثرتر است؛ لذا با این سازوکار باید به‌سراغ تربیت رفت.

۳. یک نهاد تربیتی باید مستقل بوده و بر آزادی اندیشه و خرد جمعی متکی باشد.

۴. در تربیت، باید افراد را حول محور خداوند جمع کرد، نه حول محور خود (خدامحوری به‌جای خودمحوری)؛ لذا رویه مرید و مرادی در یک تشکیلات تربیتی به‌شدت نفی می‌گردد.

۵. فهم زمان و درک نیازها و پرسش‌های انسان معاصر و تسهیل در پاسخگویی مناسب به آن‌ها لازمه امر تربیت می‌باشد.

۶. سه رکن اساسی در تشکیلات تربیتی، "اخلاص، وحدت و تبعیت" است.

در توضیح مبنای اخیر ذکر این نکته ضروری است که در این مرکز، تجربه و سابقه در فعالیت‌های تربیتی حرف اول را می‌زند؛ لذا همه افراد، موظف به پیروی و تبعیت از افراد با سابقه و اصطلاحاً بزرگ‌ترهای مجموعه‌اند. این مسئله به معنای تبعیت کورکورانه و نفی نوآوری و داشتن آزادی عمل برای افراد نیست، بلکه بدین معناست که در فرایند تربیت دیگران، گلوگاه‌ها و نقاط حساسی وجود دارد که تنها از طریق تجربه و مواجهه قبلی با این شرایط می‌توان پاسخی درخور برای آن یافت؛ لذا رأی افراد باتجربه در این موارد فصل‌الخطاب است.

اهداف کلان و واسطه‌ای و راهبردهای مجموعه

هدف کلان در نظام تربیتی این مجموعه، "پرورش یک مسلمان تمام بعدی" است. برای رسیدن به این هدف کلان، اهداف واسطه‌ای در سه حیطه ذیل تعریف شده‌اند:

۱. رشد فکری

۲. رشد روحی

۳. عمل صالح

به منظور تحقق این اهداف، راهبردهای ذیل مد نظر قرار دارند:

۱. کوشش‌های فرهنگی در جهت تحقق آموزه‌های دینی برای دستیابی به الگوی مطلوب زندگی متحول انسانی با تأکید بر رشد فکری، روحی-معنوی و عمل صالح.
۲. دستیابی به الگوها و راهکارهای سامان‌بخشی نظام فرهنگی و برنامه‌ریزی توسعه انسانی-اجتماعی بر پایه تعالیم دینی در مجموعه کانون، به عنوان مقیاس کوچکی از جامعه اسلامی و به منظور پشتیبانی تئوریک از نظام جمهوری اسلامی.
۳. تبلیغ، گسترش و تعمیق فرهنگ دینی و تأکید بر آرمان‌ها و ارزش‌های معنوی، به‌ویژه در میان نسل جوان و نوجوان، با تکیه بر فعالیت‌های تربیتی و بهره‌گیری از آموزه‌های متعالی قرآن و عترت، همچنین منویات ولایت فقیه.
۴. فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت و فعالیت جوانان در امور فرهنگی، علمی، اجتماعی و هنری و کشف و پرورش استعدادهای موجود.

چارت سازمانی کانون به شرح ذیل است:



یافته‌ها در راستای تحقیق

مجموعه فوق را عده‌ای از اعضای پایگاه بسیج مسجد در دهه ۶۰ پایه گذاری کردند. جناب آقای نقش فرمانده پایگاه بسیج و مسئول این مجموعه تربیتی است که عضو هیات امنای مسجد است. با توجه به اطلاعات بدست آمده، مدل شروع فعالیت این مجموعه در مسجد از قابلیت تعمیم برخوردار نبوده و جزء موارد استثناء محسوب می‌شود. مدلی را که این مجموعه برای راه اندازی یک فعالیت فرهنگی (تربیتی) در مسجد استفاده نموده مدلی نیست که برای موسسات و تشکل‌های که تازه می‌خواهند برای پیگیری فعالیت‌های خود به مسجد وارد شوند قابل استفاده و کپی برداری باشد.

وضعیت موجود

برای رسیدن به وضعیتی که مسجد محور و جهت دهنده به فعالیت‌ها فرهنگی اجتماعی در سطح محله باشد، فاصله زیاد است و باید در بخش‌های مختلف مربوط به مسجد اصلاحات زیادی رخ دهد تا مسجد به جایگاه اصلی خود در نقش آفرینی فعال در مرحله دست یابد.

جای بسی تأسف است که اکثر مساجد در بیشتر اوقات روز تعطیل هستند، یعنی مکانی بزرگ و دارای امکانات جانبی تعطیل است. بیش از ۷۰ درصد ظرفیت مساجد بدون استفاده مانده است و این یک اسراف بزرگ فرهنگی است. (حاج علی اکبری، ۱۳۹۰)

آیا تجهیزات مساجد برای ورود به عرصه‌های تازه کافی است، خاطرنشان کرد: نهضتی برای ساخت مساجد باید در کشور و به خصوص تهران به وجود آید، چرا که فقیرترین شهر کشور از نظر تعداد مساجد است. (حاج علی اکبری، ۱۳۹۰)

مثال جریان کرسی‌های آزاداندیشی در مسجد چه نقشی دارند و چرا چنین کرسی‌هایی در مساجد برگزار نمی‌شود.

تجربه نگاری مسجد صفای تهران^۱

تاریخچه شکل گیری

• دوره مقدماتی

مسجد صفا از مساجد قدیمی شهر تهران می باشد که در منطقه نظام آباد واقع شده است و اکنون به یکی از مساجد فعال تهران تبدیل شده است.

در سالهای اولیه انقلاب، قبل از پیشنهاد کنونی مسجد صفا که پدر حاج آقا علوی هستند، حاج آقا صدر امامت مسجد را به عهده داشت. البته ایشان برای فعالیت های فرهنگی در مسجد مشکلی ایجاد نمی کرد ولی برخی از اعضاء هیأت امناء که با نگاه سنتی و هیأتی به مسجد نگاه می کردند و موجب درگیری هایی با اعضاء فعال و جوان مسجد در آن سالها شده بودند.

از سال ۱۳۵۹ فعالیت های مختصری مانند ورزش صبحگاهی توسط جوانان انقلابی محله نظام آباد در مسجد صفای تهران آغاز شد و در سال ۱۳۶۲ بسیج این مسجد رسماً تشکیل گردید. محوریت این کار با دو نفر از فرزندان امام جماعت جدید مسجد (حاج آقا علوی) به همراه آقایان شاری و خوانین زاده بود.

برای جذب جوانان محل به پایگاه بسیج مسجد در آن زمان، کاغذهای اضافی بانک ها را می گرفتند و در پشت آن با کلیشه می نوشتند: «بسیج مسجد صفا عضو می پذیرد». با توجه به فضای انقلابی آن زمان که مصادف با زمان جنگ نیز بود مورد استقبال نسبی جوانان قرار می گرفت و ثبت نام صورت می گرفت.

سال ۶۳ آقای خوانین زاده که در آن زمان بیست ساله بودند مسئولیت بسیج را یکسال به عهده می گیرند و اواخر سال ۶۵ نیز به علت نبود نیرو مجدداً مسؤول بسیج می شوند. در آن سالها سطح کار مسجد رو به افول بود و در سال ۶۶ بصورت بسیارضعیفی پیش می رفت تا اینکه حاج آقا علوی که ۱۹ سن داشتند و به تازگی طلبه شده

۱. برگرفته از گزارش مسجد محوری فعالیت های فرهنگی، شهرداری مشهد، سید رضا حسینی زاده مظلومی

بودند وارد مسجد شدند. در آن زمان چهار نفر اصلی مسجد عبارت بودند از حاج آقا علوی، آقای شاری ۱۷ ساله اول دبیرستان، آقای کریمی ۱۷ ساله اول دبیرستان و آقای خوانین زاده ۲۳ ساله دیپلم. (آقایان شاری و کریمی مدرسه را رها نموده و به جبهه رفته بودند.)

دوره گذار

چنانکه گفته شد از سال ۶۶ به همت چهار نفر از بزرگان مسجد کار تربیتی مسجد رسماً شروع شد. اینان در آن زمان به جبهه می‌رفتند به این صورت که دو نفر از آنان در منطقه بود و دو نفر دیگر در مسجد فعالیت می‌نمود و پس از مدتی جای آنان عوض می‌شد. وقتی حاج آقا علوی دچار مجروحیت و موج گرفتگی شدند مجبور شدند در مسجد بمانند و کار فرهنگی مستمر را آغاز کردند. اولین کار رسمی این تیم برگزاری کلاس تقویتی شیمی برای دانش آموزان تجدیدی این درس در مسجد بود. در واقع پس از قبول آتش بس و پایان یافتن جنگ تحمیلی حاج آقا در مسجد، به تدریس شیمی برای دانش آموزان تجدیدی پرداختند. این دانش آموزان که تعدادشان ده نفر بود اولین گروهی بودند که به عنوان مربی مسجد صفا وارد شدند و «صفا» نام گرفتند. البته در طول زمان حدود ۵ نفر از آنان به تدریج رفتند ولی حدود ۵ نفر هنوز جزء فعالان مسجد می‌باشند. کلاس‌های تربیتی مسجد صفا در دوره اول یا کلاس‌های معارف اسلامی با بیان حاج آقا علوی آغاز شد و هنوز ادامه دارد.

اولین اردوی شهر مسجد در نوروز سال ۱۳۶۷ با حضور گروه صفا برگزار شد. این اردو ۱۹ نفر شرکت کننده داشت و از آن پس نیز تاکنون هر ساله برگزار می‌شود. البته جمعیت شرکت کنندگان در این اردو به تدریج بیشتر شده تا جایی که اردوی پیش از نوروز ۱۳۸۹ با حضور حدود ۶۰۰ نفر برگزار شد.

از آبان ماه سال ۶۶ تصمیم گرفتند برنامه قرائت زیارت عاشورا را در قالب هیأت هفتگی در روز جمعه برگزار نمایند که به دلیل اینکه فضای مسجد برای برگزاری مراسمی با حضور ۱۵-۱۶ نفر بسیار بزرگ بود و از طرفی غیر از آقای خوانین زاده بقیه مجرد بودند این هیأت هر هفته در منزل ایشان برگزار می‌شد.

با رشد جمعیت شرکت کنندگان در هیأت در سال ۱۳۷۳ یک طبقه دیگر روی خانه آقای خوانین زاده توسط اعضاء مسجد ساخته شد تا پاسخگوی برگزاری مراسم باشد و به تدریج در منازل دیگر نیز بصورت سیار برگزار می‌شد. جمعیت کمتر از ۲۰ نفر آن روز امروز حدود ۲۰۰ نفر شده است و به دلیل کمبود مکان این هیأت در مسجد برگزار می‌شود.

یکی از جلسات مهم و دائمی مجموعه که در همان اوایل تأسیس، کار خود را آغاز کرد جلسات شب جمعه حاج آقای علوی بود که با پرسش و پاسخ شروع شد. این جلسات امروزه تبدیل به کلاس شده و با سخنرانی حاج آقا اداره می‌شود و موضوعات متنوع دارد. به عنوان مثال سالی که توسط مقام معظم رهبری سال امام خمینی نام گذاری شده بود موضوع سخنرانی ایشان شرح کتاب چهل حدیث حضرت امام بود، سال امیرالمؤمنین نهج البلاغه و سال امام حسین شرح زیارت عاشورا بیان شد.

حدود دو یا سه سال بعد از تشکیل گروه صفا، گروه دوم به طریق دیگری جذب شدند که البته جذب موفق نبود. برای جذب این دوره خود حاج آقا اقدام نکردند و این مرحله بطور کامل انجام نگرفت بلکه بصورت پراکنده بوجود آمد و به همین دلیل پس از مدتی از هم پاشید.

• رویارویی با مشکلات

حدود سال ۱۳۷۱ گروه صفا ۳ توسط حاج آقا علوی که در آن زمان یک طلبه ۲۲ ساله بودند جذب شدند. جذب این گروه از طریق تدریس درس شیمی به وسیله ایشان در دبیرستان باهنر صورت گرفت. بیان درس شیمی با لباس روحانیت در ابتدا موانعی را از سوی مدرسه برای ایشان به وجود آورد که به تدریج و به دلیل استقبال خوب دانش آموزان از کلاس منتفی شد. به این ترتیب حدود ۷۰ نفر از مدرسه جذب شدند و به مسجد راه پیدا کردند. پس از آن نیز به دلیل برخی حساسیت‌ها و اختلافات، حاج آقا از مدرسه خارج شدند و کار را در مسجد ادامه دادند. مربی مستقیم این گروه خود حاج آقا بودند و امروز حدود ۳۰-۲۰ نفر هنوز در مسجد فعالیت می‌کنند. در همان سالهای ۷۳-۷۲ حساسیت‌هایی در محله نظام آباد که از جهت فرهنگی در سطح چندان بالایی قرار

ندارد پیش آمد و به دلیل عدم اعتبار زیاد مسجد در آن دوره، خانواده‌ها نسبت به این روش اعتراض‌هایی داشتند که چرا فرزندان آنها در مسجد می‌مانند و... اینها سبب شد که در گروه صفا ۳ میزان ریزش خیلی زیاد باشد. از دیگر عوامل ریزش زیاد گروه صفا ۳ درگیری مدیر مدرسه با حاج آقا بود. البته این اختلاف در سطح آموزش و پرورش پیگیری شد و معلوم شد که حق با حاج آقا علوی است ولی به هر حال خانواده‌ها تحت تأثیر مدرسه بودند و ریزش شدید آن دوره را دامن زدند. این در حالی بود که تعدادی در مسجد ماندند و ایستادگی نمودند بعضاً با خانواده‌های خود اختلاف پیدا کرده بودند و حقیقتاً برای ادامه مسیر تربیتی خود مقاومت نمودند هر چند پس از مدتی برای خانواده‌ها حقیقت آشکار شد.

حدود سه یا چهار سال تربیت صفا ۳ تحت نظارت مستقیم حاج آقا به طول انجامید. در این بین برخی از متربیان مسجد از صفا ۱ تا صفا ۳ شروع به معرفی برادران و آشنایان خود کردند که موجب پدید آمدن صفا ۴ شد و البته این دوره نیز موفقیت چندانی کسب نکرد. بطوری که از مجموع ۱۵ نفری که کار را شروع کردند امروزه بیش از ۲ یا ۳ نفر باقی نیستند.

به تدریج متربیان این دوره‌ها وارد مدارس شدند و در قالب مربی تربیتی مدارس شروع به جذب مربی نمودند و صفا ۵ بدین ترتیب تشکیل شد. تربیت گروه صفا ۵ به عهده گروه صفا ۳ بود که خود آنان بصورت مستقیم تحت تربیت حاج آقا قرار داشتند. جذب صفا ۵ در سال ۷۷ اتفاق افتاد که از مدارس راهنمایی صورت گرفت. تعداد صفا ۵ حدود ۴۰-۵۰ نفر بود و از جهت محلی نیز منحصر به منطقه نظام آباد نبود. تعدادی از آنان از مدرسه پاکزاد که اطراف مصلی تهران در خیابان خرمشهر بود جذب شدند. از این تعداد حدود ۲۰ نفر فعال باقی مانده است.

بعد از گذشت دو سال از جذب صفا ۵ گروه ششم راه افتاد که آن هم طیف وسیعی را در بر می‌گرفت. پس از چند سال به دلیل ریزشی که اتفاق افتاد، این دو گروه با هم تلفیق شدند و گروه صفا ۵ و ۶ را تشکیل دادند. این باعث شد که در میان این گروه اختلاف سنی نسبتاً زیادی وجود داشته باشد.

• مسافرت خارج از کشور

یکی دیگر از تحولاتی که در تاریخ مسجد صفا اتفاق افتاد برگزاری اردوهای خارج از کشور بود. اولین اردو از این سری سفرها، مسافرت به کشور سوریه بود که با شرکت گروه صفا ۳ آغاز شد. حاج آقا علوی به این گروه قول داده بود که اگر موفق به کسب لیسانس شوند آنان را به صورت رایگان به کشور سوریه می‌برد. پس از این اتفاق بصورت قرض از هر یک از اعضا مبلغ ۲۰ هزار تومان جمع آوری کردند و با آن پول یک مینی بوس خریدند. با همان ماشین اردو را برگزار کردند و مقداری هم کالا به کشور آوردند و از محل فروش آن کالاها و این مینی بوس هزینه شرکت کنندگان عودت داده شد. از آن پس این اردو به صورت سالانه برگزار گردید و بصورت منظم همه گروهها پس از پایان یافتن سال سوم دبیرستان به سوریه می‌روند.

• تأسیس واحد خواهران

یکی از دلایلی که گروههای صفا ۱ و صفا ۲ به صورت کامل نتوانست به کار خود ادامه دهد رسیدن به سن ازدواج بود و اعضا نمی‌توانستند پس از ازدواج به طور کامل در مجموعه حاضر باشند. به همین دلیل اندیشه تأسیس واحد خواهران با هدف حفظ متربیان در دوران پس از ازدواج و رشد معنوی دختران شکل گرفت. در آن زمان حاج آقا علوی در دانشکده پرستاری تدریس داشتند. دانشجویان این کلاس عبارت بودند از یک پسر و پنجاه و نه دختر! استقبال زیاد دانشجویان از این کلاس سبب فراهم شدن شرایط جهت جذب آنان به مسجد و تشکیل هسته اولیه واحد خواهران بود. همزمان ایشان کتاب رساله لقاء الله را در خوابگاه کوی دانشگاه نیز تدریس می‌کردند و برخی از آنان نیز جذب مسجد می‌شدند. در مجموع با حدود ۶ نفر از این دانشجویان دختر واحد خواهران مسجد تأسیس شد. این تعداد به تدریج با اعضاء همین مجموعه ازدواج کردند. برای اول کار برخی از اعضاء واحد برادران نیز، خواهران خود را به این تعداد اضافه کردند.

حاج آقا در دوره اول وقت گسترده‌ای برای تربیت آنان گذاشت تا جایی که حلقه اولیه واحد خواهران نسبت به همه اصول مجموعه توجیه شدند. این مسأله باعث شد که در دوره‌های بعدی مشکلات اساسی فراوانی برای ادامه کار خواهران در مجموعه

ایجاد نشود. البته این بدان معنا نیست که تطورات بخش خواهران مجموعه هیچ‌گونه پیچیدگی نداشته‌است. در بخشی که به واحد خواهران اختصاص دارد سیری اجمالی از تاریخچه این قسمت را اشاره خواهیم کرد.

• دوره تثبیت و تأسیس مدرسه

سال ۱۳۸۱ گروه صفا ۳ گروه بعدی را راه اندازی کرد که همان صفا ۷ بود. از آن پس مجموعه به این قابلیت رسیده بود که هر ساله جذب داشته باشند و همین کار دنبال شد. نکته قابل ذکر این است که وقتی گفته می‌شود سال ۱۳۸۱ گروه صفا ۷ راه اندازی شد به این معناست که سه سال قبل در مدرسه راهنمایی مرحله جذب صورت گرفته بود و از این سال این گروه دبیرستانی شده و رسماً عضو برنامه تربیتی مسجد شدند. گروه‌های مختلفی که در سالهای اولیه جذب مسجد می‌شدند هر کدام دو یا سه سال با گروه دیگر فاصله داشتند تا اینکه در سال ۱۳۸۲ دبیرستان اندیشه صفا تأسیس شد و لذا از صفا ۷ به بعد هر ساله جذب صورت گرفت و هر گروهی با گروه دیگر یک سال اختلاف دارند.

در همان سال گروه صفا ۳ که عضویت در شورای مجموعه را کسب کرده بودند، تصمیم گرفتند مدرسه‌ای را راه اندازی کنند و لذا از سال ۱۳۸۲ دبیرستان اندیشه صفا (غیرانتفاعی) تأسیس شد. با این کار همه گروه صفا ۷ به این مدرسه راه یافتند و اعضاء کادر مسجد نیز در آن جا به عنوان کادر مدرسه مشغول شدند.

صفا ۸ نیز در همان سال جذب شدند و از آن پس تاکنون هر ساله گروه جدیدی که در راهنمایی توسط مربیان پرورشی مدارس که عضو مسجد هستند جذب شده‌اند در مدرسه اندیشه صفا ثبت نام می‌کنند و رسماً تحت عنوان یک گروه عضو مسجد می‌شوند.

از جهت مالی تأسیس مدرسه با دست‌های خالی صورت گرفت و حتی خرید ساختمان مدرسه به صورت چک و اخذ وام انجام شد. برای بازپرداخت وام، تا ۵ سال هیچ یک از کارکنان مدرسه حقوقی دریافت نکردند. تقریباً همین تجربه در مورد ساخت مسجد نیز انجام شد.

• بازسازی مسجد

برای تشکیل گروه‌های تربیتی نیاز به مکان و فضای باز تربیتی وجود دارد. تا دوره صفا ۵ و ۶ مسجد برای هر گروه اتاق داشت ولی از دوره صفا ۷ به دلیل کمبود فضا کار بازسازی مسجد آغاز شد. این کار تقریباً سال ۷۹ بود که شروع شد و هنوز تکمیل نشده. هر چند سالن‌های گروه‌ها آماده گردیده ولی شبستان مسجد همچنان ناتمام است. کار ساخت مسجد توسط خود متربیان و اعضاء مجموعه صورت گرفت. به این صورت که علاوه بر چهار طبقه‌ای که بنا شد، دو طبقه هم زیرزمین ساخته شد. ویژگی این بازسازی آن است که ساختمان شبستان مسجد تغییر نکرد و همان بافت سنتی خود را دارد. به عبارت دیگر ستون‌های خشتی را تخریب نمودند و به جای آن تیرآهن‌هایی با همان قطر قرار دادند. این در حالی بود که سقف‌های گنبدی شکل شبستان در طول مدت بنایی و حتی در زمانی که ستون‌ها را برداشتند و تعویض نمودند در جای خود باقی ماند.

در سال ۱۳۷۹ که کار ساخت مسجد شروع شد هزینه کار این‌گونه برآورد شده بود که به شرط اینکه در همان سال کار انجام شود ۴۰۰ میلیون تومان مورد نیاز باشد. البته هنوز کار به طور کامل پایان نیافته و بیش از یک میلیارد تومان خرج شده است. در زمان شروع ساخت مسجد تنها ۵۰۰ هزار تومان موجودی در مسجد وجود داشت ولی به هر حال کار توسط خود اعضاء مسجد آغاز شد. کارگری و معماری و دیگر کارهای مسجد توسط خود بچه‌ها انجام شد.

هدف مجموعه

هدف ابتدایی مجموعه، تربیت نوجوانان و جوانان بود که پس از یک مرحله اصلاح به تربیت مربی تغییر یافت. به عبارت دیگر در این مرحله هدف این بود که کسانی در مسجد تربیت شوند که بتوانند دیگران را تربیت کنند. سپس مرحله دوم پیشرفت در هدف صورت گرفت و تربیت کسانی که بتوانند مربی پروری کنند به عنوان هدف مجموعه معرفی شد. این روند پس از این ادامه می‌یابد و موجب تسلسل تشکیلاتی می‌شود. به این معنا که حاج آقا علوی نقطه مرکزی دوایر متحد‌المرکز تربیتی را تشکیل می‌دهند که هر کدام با هدف تربیت مربی در حال جذب و تربیت متربیان می‌باشند.

در این مجموعه همه چیز در راستای تربیت انسان تعریف شده و کارهایی نظیر «بسیج بازی» و «ورزش» و... وجود دارد اما باید همراه با رشد و تکامل باشد. به عبارت دیگر همه اهداف جزئی مجموعه مقدمه‌ای است برای رسیدن به این هدف غایی. در واقع همه برنامه‌های تربیتی مسجد این غایت را دنبال می‌کند که در این مسجد مربیانی تربیت یابند که بتوانند در جاهای دیگر به تربیت مربی بپردازند. برای این کار، هم باید تهذیب نفس و تزکیه اخلاقی صورت گیرد، هم مبانی تئوریک و کلاسیک تربیتی آموزشی داده شود و هم روش‌های کلاس‌داری و برخورد با متربی و ... تعلیم می‌گردد.

تجربه نگاری مسجد موسی بن جعفر اهواز^۱

فعالیت‌های تربیتی در مسجد موسی بن جعفر اهواز از اواخر سال ۷۱ و با حضور حجت الاسلام دسمی در این مسجد به صورت جدی آغاز شد. مدل کار تربیتی، مدل حلقه‌های تربیتی با محوریت سرگروه بود. جذب مخاطبین از طریق مدارس اطراف مسجد صورت می‌پذیرفت. مسئول هر گروه وظیفه انجام فعالیت‌های تربیتی اعضا و سایر برنامه‌های ایشان شامل برنامه‌های ورزشی، اردویی، درسی و ... را بر عهده داشت. بعد از گسترش فعالیتها مسجد و ایجاد ساختاری تشکیلاتی، مسئول گروه تنها وظیفه تربیتی را بر عهده داشته و سایر برنامه‌های گروه توسط معاونتهای دیگر مجموعه پیگیری میشود.

اهداف تشکل

• نیروسازی برای اسلام و انقلاب

هدف مجموعه تربیت نسل جوان و نوجوان است. برای رسیدن به این اهداف کلان و غایی، باید ما از یک مجموعه کوچکتري و مخاطب خاصی شروع کنیم. هدف کلی این حرکت نیروسازی کامل (به لحاظ معنوی، اخلاقی، مدیریتی، کاربردی، و...) برای اسلام و انقلاب است. سربازپروری برای امام زمان عجل الله فرجه الشریف. تمام اهداف مقدمه‌ای

۱. برگرفته از گزارش مسجد محوری فعالیت‌های فرهنگی، شهرداری مشهد، سید رضا حسینی زاده مظلومی

برای رسیدن به این هدف است. با توجه به این که یکی از معضلات نظام جمهوری اسلامی بحث تربیت مدیر و کادرسازی است، یکی از مبانی فعالیت این مجموعه کادر سازی برای انقلاب اسلامی است.

• افراد تربیت شده باید بر محیط و اطرافیان خود موثر باشند.

• تحقق یک مسجد نمونه

بعد از این که تربیت انسان ها انجام شد، هدف بعدی رسیدن به یک مجموعه و مسجد نمونه است. وقتی همه در این حلقه رشد قرار گرفتند، سازمان دهی می شوند و بعد از آن به کارگیری می شوند.

• جامعه سازی

در کنار این ها مجموعه ای این الگو را مشابه سازی می کند. این هم هدف بلندمدت نیست. بعد از این مدل این آدم ها، را باید فراتر از یک مسجد نگاه کرد. ساختن یک جامعه، شهر یا کشور مطلوب هدف بعدی است که از کنار هم قرار گرفتن این مجموعه های الگو و موفق به وجود می آید. در واقع هدف فردی، ساختن نیرو برای امام زمان و هدف اجتماعی ساختن جامعه نمونه است. مسجد ظرفی برای تربیت است و هدف نهایی نیست. یک مسجد نمونه ساخته می شود برای تولید افراد نمونه برای ایجاد یک جامعه نمونه.

مسجد امام حسین علیه السلام جهرم

مقدمه

مسجد امام حسین علیه السلام در شهرستان جهرم استان فارس، یکی از مساجد موفق سطح کشور است که تا کنون افتخارات زیادی در عرصه های مختلف به دست آورده است. پایگاه نمونه کشوری، برترین فعال مجازی استان فارس، مقام برتر صالحین کشور، مقام برتر در جشنواره خلاقیت ها و ابتکارات پایگاه های بسیج کشور، مقام اول جشنواره سراسری پایگاه های اسوه و...، از جمله افتخارات این مسجد و پایگاه بسیج زیرمجموعه آن می باشد.

یکی از فعالیت‌های شاخص این مسجد، در عرصه کارهای رسانه‌ای است؛ فعالیت‌هایی از قبیل ساخت مستندهایی که در جشنواره‌های مختلف اکران شده و جایزه گرفته است، گروه‌های سرود مختلفی متعدد و ساخت کلیپ‌های متنوع.

مسجد امام حسین علیه السلام، در واقع نماد یک مسجد دارای وحدت و انسجام زیاد است و هیچ رکنی در آن، به صورت مجزا، جزیره‌ای و یا مخالف سایر ارکان حرکت و فعالیت نمی‌کند. اما محوریت کار، با پایگاه بسیج مسجد است و سایر ارکان، به نوعی، زیرمجموعه این پایگاه هستند. امام جماعت هم با توجه به شناختی که از پایگاه و سابقه آن دارد، دست مسئولین پایگاه را باز گذاشته و محوریت کار را به ایشان سپرده است.

خود مسجد، قدمتی ۴۰ ساله دارد و علمای بزرگی عهده‌دار امامت جماعت این مسجد بوده‌اند.

پایگاه بسیج مسجد امام حسین علیه السلام، با ۱۵۰۰ عضو که بیش از نیمی از آن‌ها عضو فعال و کادر مسجد هستند، از موفق‌ترین پایگاه‌های بسیج سطح کشور به حساب می‌آید.

معرفی فرمانده پایگاه

مسعود گواهیان، فرمانده پایگاه بسیج امام حسین علیه السلام، متولد ۱۳۵۰ و جانباز جنگ تحمیلی است. او که از دوران کودکی وارد عرصه مسجد و بسیج شده، سال، ۱۳۶۹، بعد از اتمام دفاع مقدس، با چند نفر از همسنگران خود در جبهه، در پایگاه بسیج مشغول فعالیت فرهنگی شد. وی همزمان ادامه تحصیل هم داده و در رشته دبیری ادبیات فارسی، در دانشگاه شیراز، مدرک لیسانس گرفت و وارد آموزش و پرورش شد. هم‌اکنون، آقای گواهیان، مدیر دبیرستانی در شهرستان جهرم است.

اصول کار

• همه کارها ذیل مسجد

همه چیز در مسجد و دست بچه‌های بسیجی است. حتی امام جماعت و هیئت امنای هم عضو بسیج هستند. تقریباً جا افتاده است که همه چیز باید در پایگاه به تصمیم

برسد. بیشتر کارها نیز به بچه‌های جوان و نوجوان سپرده می‌شود.

• تربیت در تشکیلات

کار تربیتی در مسجد امام حسین علیه السلام، معطوف به حلقه‌های صالحین نیست؛ بلکه اصل تربیت در عرصه و با حضور در تشکیلات رقم می‌خورد:

«ما برنامه‌مان برای تربیت بچه‌ها، اینطوری نبوده که بخواهیم برایشان کلاس آموزشی بگذاریم. آوردیم در این عرصه که خودشان کار کنند در فضای معنوی مسجد و به یک رشدی برسند. حالا در کنارش برای اینکه مسیرشان را هدایت کنیم و این که یک وقت منحرف نشوند، یک سری حلقات هم داریم. برای این کار روی به تشکیلات آوردیم. با توجه به حجم کار و جمعیت و... گفتیم از نظر حضرت آقا کار تشکیلاتی است. کار با تشکیلات و حساب و کتاب پیش می‌رود».

• نماز جماعت، محور فعالیت‌ها

محور همه فعالیت‌های مسجد، نماز جماعت است و همه کارها، با نماز جماعت در مسجد تنظیم می‌شود. لذا مقدمه واجب فعالیت‌ها و برنامه‌ها، نماز جماعت خواهد بود:

«اصلاً ما هدفمان نماز جماعت است. می‌گوییم «بسیجیان مسجد امام حسین علیه السلام». می‌گوییم بچه‌ها اگر می‌خواهید ببینید چند تا نیرو در حلقه‌ها و گروه‌هایتان دارید، ببینید چند نفر نماز می‌آیند؛ نه اینکه چند نفر در کلاس‌ها شرکت می‌کنند. همان‌ها که نماز می‌آیند، همان‌ها عضو هستند. هدف ما همین است دیگر؛ یعنی بیشتر روی قضیه نماز اصرار داریم. وقتی آدم در نماز جماعت شرکت کند، خود به خود ساخته می‌شود. اما بچه‌ای که بیاید کلاس و بعد هم برود خانه، روی این خیلی نمی‌شود حساب کرد. محور ما همان مسجد و نماز جماعت است».

قانون جاذبه

فضای مسجد به‌گونه‌ای است که از همه نقاط شهر در آن حضور پیدا می‌کنند. شاید مثلاً ۲۰٪ نیروها بچه‌های دور و بر مسجد هستند. اکثراً از مناطق خیلی دور می‌آیند. حتی از

چند روستا که شاید ۴۵-۴۰ کیلومتر از جهرم دور است، به مسجد می‌آیند. به این ترتیب، جمعیت جوانان و نوجوانان مسجد، برای هر تازه‌واردی، جای تعجب و شگفتی دارد: این حجم از حضور نوجوانان، به خاطر چند کار است که در مسجد انجام می‌پذیرد:

• کار فرهنگی و تربیت نیرو

جذب مسجد، محدود به محله خود مسجد نیست؛ بلکه از تمام شهر حتی اطراف شهر، جذب وجود دارد و مسئولین مسجد، برای افرادی که راهشان دور است، سرویس هم گذاشته‌اند. دلیل این استقبال، تنوع کار فرهنگی و خروجی‌های نیروی انسانی مسجد است که تقریباً دیگر برای مردم جا افتاده:

«خانواده‌ها می‌بینند که مثلاً فلان شخص از بچه‌های مسجد فلان‌کاره شده و مسجد روی تحصیلات و اخلاق و پیشرفتش تأثیر گذاشته است. الان یک جوری شده که برای خانواده‌ها تقریباً یک اعتمادی به وجود آمده است الحمدلله. اولش اینطور نبود. همان اوایل که می‌خواستیم کار کنیم اصلاً نگاه خوبی روی بسیج نبود.

ما کارمان اصلاً نظامی نیست. از آن اول فقط جهت تنوع یا ضرورت بود که به کار نظامی می‌پرداختیم. از همان اول به کار فرهنگی رو آوردیم. بازرس از بسیج می‌آمد می‌گفت کارهایتان چیست؟ می‌گفتیم مثلاً سرود است و کارهای فرهنگی دیگر. می‌گفت: «نه این‌ها کار شما نیست. مثلاً چقدر گشت محله دارید؟» ولی ما نگاهمان از اول نگاه فرهنگی بود، که الحمدلله خوب هم جواب داد».

• جذب از دبستان

مسئولین مسجد، برای اینکه بتوانند از یک سو، کار تربیتی موفقیت آمیزی داشته باشند و از دیگر سو، روند کادرسازی را به خوبی پیش ببرند، سن جذب را دبستان قرار داده‌اند. البته این به معنای عدم جذب از سنین بالاتر نیست؛ بلکه محوریت جذب، با سنین دبستان است:

«ما از همان اول بنا را گذاشتیم به همین بچه‌های دبستانی. الان بچه‌های ماکه زن و بچه دارند و الحمدلله خیلی‌هایشان به جاهای خوب رسیده‌اند، همان بچه‌های دبستانی

هستند، که زیربنای فکری و اخلاقی‌شان در مسجد شکل گرفت. همان مسجد بستر رشد آن‌ها شد. نگاهمان این است که تمرکز جذبان بچه‌های دبیرستانی نباشد. اگر خودشان بیایند، که آمدند؛ وگرنه بنایمان بچه‌های کوچک است. این‌ها تأثیرپذیری بیشتری دارند و شخصیتشان شکل نگرفته است. بچه‌های راهنمایی شخصیتشان شکل گرفته، چشمشان باز شده و خیلی چیزها را می‌فهمند. ما نمی‌توانیم آن‌طور که باید اثر بگذاریم. ولی بچه‌های دبستانی آمادگی بیشتری دارند. چشم روی هم بگذاری بزرگ می‌شوند. در چند سال می‌بینی بزرگ شدند و شکل گرفتند. چند سال در بسیج، کار یاد گرفته است. حالا می‌تواند مدیریت کند، کار کند و نتیجه خوبی هم تا حالا ازشان گرفتیم. وقتی از دوران دبستان اینجا باشند دل بستگی‌شان هم بیشتر می‌شود».

• تبلیغ مسجد در مدارس

با توجه به اینکه فرمانده پایگاه بسیج، خود کارمند آموزش و پرورش و مدیر مدرسه است، یکی از روش‌هایی که برای جذب در این مسجد به‌کار گرفته شده، تبلیغ در مدارس سطح شهرستان است:

«جذب ما این است که سالی یک بار به مدارس خوب چهارم می‌رویم، کلاس به کلاس می‌گردیم، هدیه می‌بریم و راجع به کارهای مسجد برایشان توضیح می‌دهیم و دعوتنامه به دستشان می‌دهیم که شما بیایید حداقل یک شب که شده محیط مسجد را ببینید، یکی دو شب با خانواده بیایید و ببینید کارهای ما چیست و بچه‌های مسجد به کجاها رسیده‌اند و توانمندی‌ها و خروجی‌های مسجد را ببینید. این کار را می‌کنیم که بدانند در مسجد می‌توانند رشد کنند و مسجد مانع رشد و تحصیلشان نیست.

حول و حوش پاییز می‌رویم داخل مدرسه‌های شهر، یک فیلم‌هایی از فعالیت‌های مسجد که گروه رسانه‌ای مسجد درست کرده است، با یک بروشورهایی داخل مدرسه پخش می‌کنیم و کارهای مسجد را آن‌جا تبلیغ می‌کنیم. مثلاً اردوهای بچه‌ها، سالن فوتسال و شنا و یک سری چیزهایی که برای بچه‌ها جذاب است؛ مثل گیم نت، کتابخانه‌ای که داخل مسجد هست و.... کلیپ‌های جذابی تهیه و آن‌جا پخش می‌کنیم.

وقتی هم که بچه‌ها می‌آیند دیگر خودشان بین قوم و خویشان‌شان تبلیغ می‌کنند و دوستان خود را به مسجد می‌آورند».

• هر جذب، یک جایزه

علاوه بر روش‌های فوق، فرمانده پایگاه، یک راه دیگر هم پیش پای بچه‌های مسجد، برای جذب افراد گذاشته است و آن این است که هرکس نیرویی را به پایگاه جذب کند، یک هدیه، مثل کارت اعتباری ۴۰-۳۰ هزار تومانی می‌گیرد. این کار هم باعث شده که پایگاه همیشه جریان داشته باشد و نیروهای خوب به مسجد بیایند.

این نکته هم شایان ذکر است که برای جذب، فیلترهایی قرار داده شده است، تا هرکسی جذب پایگاه نشود:

«روز اول می‌آیند گزینش و مصاحبه مختصری می‌شوند. البته نه در این حد که بترسند. اینطوری که این بچه آمده قیافه‌اش، خانواده‌اش، گذشته‌اش در مدرسه و... چطور بوده است. اینطوری نیست که درش باز باشد و هر کس خواست هر کس را بیاورد، هر کس هم وارد شود».

• مسئولیت سپاری، رمز تثبیت نیرو

مسجد امام حسین علیه السلام، با شیوه‌های بالا، سالانه ۲۵۰-۲۰۰ نفر جذبی جدید دارد. البته کاملاً واضح است که همه این جذبی‌ها نمی‌مانند و ریزش خودبه‌خود پیش می‌آید؛ ولی تعداد زیادی از این افراد هم در مسجد ماندگار می‌شوند. رمز این ماندگاری هم مسئولیت دادن به بچه‌هاست:

«رمز ماندن بچه‌ها، دادن مسئولیت به‌شان است. بچه‌هایی که یک مسئولیتی دارند هر شب می‌آیند پیگیر هستند در مسجد. اگر اینطور باشد، اینها دیگر مجبور می‌شوند بیایند. احساس شخصیت و وظیفه می‌کنند، می‌آیند مسجد و تأثیر خوبی می‌گذارد. الان نیروهای کادر ما، ۵۰۰ و خرده‌ای نفر هستند. عمده آن‌ها هم نوجوانانند.

ما در کار به بچه‌ها اعتماد می‌کنیم؛ البته نه اینکه برویم جلو و ولشان کنیم. بچه‌ها می‌آیند می‌گویند ما می‌خواهیم فلان کار را بکنیم. ما می‌بینیم کار خوبی است، می‌گوییم

باشد. بالأخره بچه‌های جوان و نوجوانی که امروز دارند کار می‌کنند بروزترند و فکرشان بازتر است. کار فرمانده پایگاه پشتیبانی و حمایت است. ما به این‌ها اعتماد می‌کنیم و اگر چیزی لازم دارند، حمایت‌شان می‌کنیم و در اختیارشان می‌گذاریم. با همین اعتقاد، امروز بچه‌های گروه رسانه ما، در سطح بین‌المللی دارند کار می‌کنند. این، تأثیر اعتماد به بچه‌ها و کار دادن به آن‌ها و پشتیبانی‌شان است».

فعالیت‌ها

مسجد امام حسین علیه السلام، فعالیت‌های زیادی انجام می‌دهد، که به اختصار، به بعضی از فعالیت‌های شاخص آن می‌پردازیم:

• حلقه‌های تربیتی

عمده ساختار مسجد امام حسین علیه السلام، در قالب گروه‌های مسجد است. حدود ۲۰ گروه، از سنین متفاوت در مسجد حضور دارند. ۵ گروه بچه‌های دبستانی، ۶ گروه راهنمایی، ۵ گروه دبیرستانی و ۴ گروه دانشجویی. با توجه به اینکه جمعیت اعضای گروه‌ها زیاد است، داخل هر گروه، چند حلقه درست شده است؛ مثلاً یک گروه، به اسم گروه مالک، حدود ۹۰ عضو دارد. این ۹۰ نفر در قالب ۸ حلقه، تقسیم شده‌اند و هر حلقه هم برای خودش یک مسئول حلقه و یک معاون دارد.

حلقه‌های تربیتی مسجد، متناسب با سن بچه‌ها، برنامه‌ریزی و فعالیت مستمر دارند.

• گروه سرود

یکی از فعالیت‌های شاخص مسجد، که جمعیت زیادی را هم درگیر خود کرده، سرود است. در این مسجد، حدود ۱۸ گروه سرود، به‌صورت همزمان فعالیت و با هم رقابت می‌کنند. تعداد زیاد این گروه‌های سرود، باعث شده است که خود مسجد جشنواره‌ای برگزار کند و در قالب آن، طی چهارشب، گروه‌ها به مسابقه بپردازند. معمولاً اشعار سرودها را خود اعضای گروه‌ها می‌سرایند و آهنگ را هم خودشان درست می‌کنند.

• فعالیت‌های قرآنی

یکی دیگر از فعالیت‌های شاخص مسجد، فعالیت قرآنی است. هر حلقه، باید یک شب در هفته برنامه قرآنی برای خودش داشته باشد. این برنامه، شامل قرائت، ترتیل، روخوانی و روانخوانی قرآن کریم می‌شود. لازم به‌ذکر است که خود مسجد دارالقرآن دارد و این برنامه‌ها ذیل دارالقرآن برگزار می‌شود؛ اما چون در اطراف آن دارالقرآن‌های دیگری هم حضور داشته‌اند، که به‌صورت تخصصی‌تر روی قرآن کار می‌کرده‌اند، مسئولین ترجیح داده‌اند که برای حفظ قرآن، بچه‌ها را به همان دارالقرآن‌ها بفرستند:

«خودمان تاحالا در زمینه تربیت حافظ کاری نکرده‌ایم. خود مجموعه مسجد دارالقرآن دارد، ولی نتوانستیم حافظ تربیت کنیم. به همین خاطر، بچه‌هایمان به دارالقرآن‌های اطراف مسجد رفتند. الان هر سال چند تایشان حافظ قرآن می‌شوند، بدون اینکه بخواهیم هزینه کنیم».

• کتابخانه

در مجموعه مسجد، کتابخانه‌ای با حدود ۱۵ هزار جلد کتاب، فعالیت دارد. البته این کتابخانه، در اصل کافه کتاب است. یعنی مردم می‌توانند ببینند داخل آن، هم چیزی بخورند و بنوشند و هم کتاب بگیرند و مطالعه کنند.

خرید ۱۵۰۰ جلد از جدیدترین کتاب‌ها به‌طور میانگین در هر سال، صدور کارت برای حدود ۶۰۰ عضو، برپایی نمایشگاه بزرگ کتاب در فضای مسجد، با ارائه جدیدترین تألیفات، معرفی کتاب‌های برتر به‌صورت پوستر، تحت عنوان «من و کتاب»، گسترش فضای تالار مطالعه جهت ایجاد فرهنگ کتابخوانی، عضویت رایگان در کتابخانه، جهت ترغیب به کتابخوانی، مراقبت ویژه از کتاب‌ها برای جلوگیری از پارگی و پوسیدگی آن‌ها، ارائه خدمات ویژه، از جمله عضویت رایگان، اهدای کتاب و اهدای بن خرید کتاب به گروه‌های سنی نونهال و نوجوان برای ترغیب این دسته به کتابخوانی و برگزاری ماهانه جلسه نقد و بررسی وضعیت کتابخانه و تالار مطالعه، از جمله اقدامات مسئولین مسجد در قسمت کتابخانه می‌باشد.

غیر از این کتابخانه، یک سالن مطالعه مجهز و بزرگ هم در مسجد تعبیه شده است که افراد می‌توانند به آن مراجعه و در آرامش کامل، به مطالعه بپردازند.

• انجمن خیریه مهرورزان افلاکیان

خیریه افلاکیان، یکی دیگر از زیرمجموعه‌های فعال مسجد امام حسین علیه السلام است که برای کمک به نیازمندان راه‌اندازی شده است.

در این خیریه، ماهانه، کمک‌های نقدی و غیرنقدی، از افراد داوطلب گرفته و بین نیازمندان توزیع می‌شود.

تعداد خانواده‌های تحت پوشش خیریه افلاکیان، که به صورت فصلی مورد حمایت قرار می‌گیرند، ۷۰۰ نفر می‌باشند.

از جمله پوشش‌های حمایتی صورت گرفته در این طرح، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کمک‌های بلاعوض به خانواده‌های نیازمند، تأمین و ارسال بسته‌های خوراکی و لباس، اهدای بسته تحصیلی، ویژه دانش‌آموزان کم‌بضاعت، تأمین هزینه‌های درمانی بیماران نیازمند، تهیه جهیزیه زوج‌های جوان و....

خاطرنشان می‌شود کلیه اعضای همکار در این طرح، به جز دو تن از مدیران، از اسامی خانواده‌های تحت پوشش اطلاعی ندارند و همه کمک‌ها در نهایت رازداری صورت می‌گیرد.

اعضای فعال انجمن افلاکیان به صورت جهادی و بدون دریافت هزینه خدمت رسانی می‌کنند.

• گیم نت

باید به این نکته اشاره کرد، که مسجد غیر از فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی-اجتماعی، از تفریح و ورزش بچه‌ها هم غفلت نکرده و برنامه‌های مختلفی برای آنان دارد. یکی از این برنامه‌ها، ایجاد گیم نت، در یک فضای سالم مسجدی است که حدود ۵۰ سیستم ایکس باکس دارد و برای بچه‌ها هم جذابیت بالایی دارد. به علاوه، درآمدزایی خوبی هم دارد، که البته عمده آن خرج خودش می‌شود.

• ماح مدیا

شاید بتوان گفت شاخص‌ترین و بارزترین فعالیت مجموعه مسجد امام حسین علیه السلام، قسمت رسانه‌ای آن باشد، که تحت عنوان «ماح مدیا»، مطرح است. کار این گروه رسانه‌ای، در اواسط دهه ۸۰، با احساس تکلیف عده‌ای از نوجوانان مسجد شروع شد؛ با یک دوربین و یک سیستم کامپیوتری ساده از زیرزمین خود مسجد. در ابتدا، کارها خلاصه می‌شدند در ثبت خاطرات رزمندگان دفاع مقدس؛ اما به مرور زمان و با دیدن آموزش‌های گوناگون و کسب تجربه، تولیدات مجموعه، از سطح پخش در فضای مسجد و برای یک جمعیت چند صد نفری، رسیدند به پخش تلویزیونی در سطح ملی و بین‌المللی.

هم اکنون، اعضای گروه رسانه‌ای ماح مدیا، با صدا و سیما و مؤسسات «اوج»، «حقیقت» و «خانه طراحان انقلاب اسلامی» همکاری دارند و برای یمن، سوریه، عراق، لبنان، بحرین و...، مستند و موشن‌گرافی می‌سازند که به زبان‌های مختلف پخش می‌شود. حاصل این تلاش، تولید بیش از ۳۰۰ دقیقه موشن‌گرافیک در کمتر از چهار سال و همکاری با مراکز فیلم‌سازی معتبر انقلابی است. این کانون در زمینه تولید مستند، کانون برتر کشور شده و در جشنواره مجازیست، جشنواره فعالان فضای مجازی، چهره شاخص رسانه‌ای استان فارس لقب گرفته است.

مقام اول «سومین جشنواره تلویزیونی مستند» و راهیابی مداوم به جشنواره‌های مختلف نظیر حقیقت، عمار، حضور، ققنوس و رهاورد سرزمین نور، از دل بیش از ۳۰۰۰ دقیقه تولیدات کانون رسانه‌ای ماح در این سال‌ها بیرون آمده است.

اکنون به صورت تفصیلی، به توضیح روند شکل‌گیری و فعالیت‌های این کانون می‌پردازیم.

زمینه شکل‌گیری

یکی از برنامه‌های هرساله مسجد امام حسین علیه السلام، همایش دانشجویی مسجد است. دانشجویهایی که از جهرم رفته و در دانشگاه‌های خارج شهرستان، مشغول تحصیل شده‌اند، در هر تابستان، در مسجد دور هم جمع می‌شوند و تجدید دیدار و

خاطره می‌کنند. زمینه شکل‌گیری کار رسانه‌ای، همین همایش و اتفاقات درون آن بوده است، که از زبان آقای اسماعیل اکسیری فر، یکی از مسئولین این کانون به بیان آن می‌پردازیم:

«هر سال در تابستان، یک همایش دانشجویی در مسجد برگزار می‌شد و دانشجوی‌هایی که از مسجد رفته بودند و خارج از چهارم درس می‌خواندند، به مسجد می‌آمدند، یا به یکی از باغ‌های اطراف شهر می‌رفتند و دور هم جمع می‌شدند. یک سال تصمیم گرفتیم یک دوربین مخفی درست کنیم. یکی از بچه‌ها، یک دوربین هندی کم داشت. آن را آورد، که از بچه‌ها دوربین مخفی درست کنیم. دوربین مخفی را که درست کردیم و به نمایش گذاشتیم، خیلی از آن استقبال شد. همین باعث شد هر مراسم جشنی که باشد این کارها را بکنیم. دیگر در هر مراسمی، بچه‌ها منتظر یک دوربین مخفی یا کلیپ بودند. اردو که می‌رفتیم، دوربین می‌بردیم و از هر اتفاق جالبی که در اردو می‌افتاد فیلم می‌گرفتیم و در برنامه‌های مسجد پخش می‌کردیم. حتی بعضی‌هایش را صداگذاری هم می‌کردیم.

قبلاً اسم پایگاه بسیج ما، پایگاه آیت‌الله شفیعی بود که در خود مسجد هم دفن است. سال ۸۵، تصمیم گرفتیم که یک همایشی برای ایشان بگیریم و یک فیلم مستند هم برایشان درست کنیم. اولین کار جدیمان همان شد. کار را از زیرزمین مسجد، با دو سیستم کامپیوتر قدیمی شروع کردیم. با خانواده ایشان صحبت کردیم و مصاحبه گرفتیم. عکسهای قدیمی‌اش را پیدا کردیم و مثل روایت فتح یک فیلم درست کردیم.

بعدش طوری شده بود که وارد فاز کار شهدا شدیم. یادواره شهدا که برگزار می‌کردیم، یک کلیپ درباره شهدای مسجد درست می‌کردیم. فرمانده پایگاه، آقای گواهیان یک دوربین هندی کم برای مسجد خرید. به علاوه، روبروی مسجد یک ساختمان مسکونی بود. سال ۸۶، از این طرف و آن طرف پول جمع کردیم و این ساختمان را برای مسجد خریدیم. اسم این مجموعه را گذاشتیم «مؤسسه دوستان آسمانی». اتاق طبقه بالای ساختمان را برای گروه رسانه‌ای گرفتیم و اسمش را گذاشتیم «مؤسسه شهید عبدالرحمن رحمانیان». همان سال یک دوربین (DSLR سونی) و چند سیستم جدید

خریدیم و از همان جا وارد فاز مستندسازی درباره شهدا و مسائل ارزشی شدیم و دیگر کارهای دوربین مخفی و طنزی کم رنگ شد.

در شروع کار، ما چهار نفر بودیم و تصمیم گرفتیم برویم آموزش ببینیم. ابتدا سراغ چند نفر در رسانه شهرستان جهرم رفتیم که در زمینه فیلم برداری و میکس و مونتاژ کار می کردند. در مرحله بعد، از طریق یکی از آزادگان مسجد، با مؤسسه روایت فتح آشنا شدیم. ما به تهران رفتیم و در یک دوره سه- چهار روزه فیلمبرداری که مؤسسه برای ما گذاشت، شرکت کردیم. پولی هم از ما نگرفتند. بعد از آن، مرکز مستند حقیقت یک دوره برای نیروهای خودش گذاشته بود، که به ما هم پیشنهاد دادند در آن دوره شرکت کنیم. تقریباً دو هفته ای هم آن جا دوره دیدیم. این دوره ها برای ما رایگان برگزار شد؛ اما هزینه رفت و برگشت و اسکانمان را مسجد داد. بعد از این آموزش ها، دیگر هر روز تمرین می کردیم و آزمون و خطا می کردیم. به هر حال، این کار، باعث شد که در این کار رشد کنیم. کم کم افراد دیگری هم به جمعمان اضافه شدند و در یک سری دوره های دیگر شرکت کردیم و آموزشمان را تکمیل کردیم، که تا حدود سال ۸۷ ادامه داشت.

وقتی دوره آموزشی مان تمام شد و به جهرم برگشتیم، آقای گواهیان یکی دو تا سیستم تهیه کرد، که بچه ها با آن، کلیپ از فعالیت های مسجد می ساختند. همین طور پیش رفتیم تا اینکه ایشان پیشنهاد داد هفته ای یک بار، دوشنبه ها به خانواده شهدا سر بزنیم و از پدر و مادر شهدا فیلم تهیه کنیم. ما رفتیم در فاز تهیه فیلم برای شهدا. الان هم یک آرشیو خیلی خوب از پدر و مادر شهدا داریم، که الان اکثریت آنها فوت شده اند. یواش یواش کار گسترش پیدا کرد. مستندهای بلند ساختیم، مستند کوتاه ساختیم، فیلم کوتاه ساختیم و در جشنواره ها شرکت کردیم. دیگر الان بعضی مواقع، از طرف مؤسسه حقیقت، به ما سفارش کار می دهند. بعضاً از طرف مؤسسه حقیقت، برای فیلمبرداری در اربعین، به عراق می رویم. مثلاً اربعین سال ۱۳۹۷، رفتیم عراق و یک مجموعه ۱۴ قسمتی ساختیم به اسم «در حاشیه فرات»، که از تلویزیون پخش شد. از تلویزیون عراق و لبنان و سوریه هم پخش شد.

کانون ما الان نماینده «مرکز هنرهای رقومی بسیج» در جنوب کشور هم هست و برای سازمان بسیج کار می کنیم. مثلاً وقتی رهبر انقلاب سخنرانی دارند، از صحبت های

ایشان، یک موشن گرافیک تولید می‌کنیم و کارهایمان داخل تلویزیون پخش می‌شود. آخرین کاری که تولید کرده‌ایم، مستند «بچه‌های عباس» بود، مربوط به شهید عباس هنرور، که در شبکه یک سیما پخش شد. به تدریج این مرکز رشد کرد و با اسم «گروه رسانه‌ای ماح» کلیپ‌هایمان را در اینترنت پخش کردیم».

کسب درآمد

با توجه به اینکه گروه رسانه‌ای ماح، به سطح خوبی از تولید مستند و موشن گرافی رسیده است، باعث شده که کسب درآمدی هم برای مسجد و اعضای گروه رقم بخورد. البته با این کارها، فقط هزینه بچه‌ها در می‌آید؛ نه تجهیزات. با توجه به قیمت زیاد تجهیزات، بچه‌های مسجد برای خرید آن، به سراغ خیرین می‌روند.

اعضای گروه

در مجموع، حدود ۳۰ نفر از بچه‌های مسجد، با گروه رسانه‌ای ماح همکاری می‌کنند؛ البته ۱۲-۱۰ نفر به شکل مداوم و بقیه، به صورت مقطعی. کسانی که وارد گروه می‌شوند، هم آموزش می‌بینند و هم کار می‌کنند. همه این افراد هم اهالی مسجد هستند و اصلاً شرط ورود به گروه، همین است که فرد، مسجدی باشد. چون، مسئولین بعد از اینکه تعدادی از افراد غیرمسجدی را به گروه آوردند و دیدند که بعد از مدتی که این افراد آموزش دیدند، گروه و مسجد را ترک کردند، به این نتیجه رسیدند که فقط از مسجدی‌ها نیرو بگیرند، تا برای مسجد ماندگار باشند.

الان همان کادر اولیه‌ای که آموزش‌های مختلف فیلم‌سازی و مستندسازی را در نقاط مختلف کشور دیده و تجربه زیادی کسب کرده‌اند، آموزش‌های لازم را به اعضای جدید می‌دهند. این آموزش‌ها عبارتند از تصویربرداری، تدوین، فتوشاپ، افتر افکت و موشن گرافی. برای ارائه این آموزش‌ها، در تابستان یک دوره آموزشی در مسجد برگزار می‌شود و در آخر این دوره، به بچه‌هایی که استعداد و علاقه دارند، آموزش‌های بیشتری می‌دهند و از این طریق کسانی را که به درد مؤسسه می‌خورند، جذب می‌کنند.

بخش‌های مؤسسه

مجموعه ماح مدیا، از بخش‌های مستند، موشن گرافی، انیمیشن و قسمت آرشیو فیلم‌ها و مستندات تشکیل شده است. در این مجموعه، فیلم‌هایی از خانواده‌های بیش از ۳۰۰ شهید دفاع مقدس و ۶ شهید مدافع حرم، تهیه شده است، که از بین آن‌ها مستند تولید می‌کنند است:

«یک بخش آرشیو خیلی قوی هم داریم. آرشیو از شهیدان خود جهرم داریم. تقریباً شاید ۱۵ ساله هست که هر دوشنبه شب بچه‌های مسجد با هماهنگی به خانه یکی از شهدا می‌رفتیم. با خانواده و هم‌رزم‌هایشان هماهنگ می‌کردیم که بیایند، بعد دوربین می‌بردیم فیلم می‌گرفتیم و یک آرشیو قوی از پدر و مادرهای شهیدان شهرستان جهرم درست کردیم».

فیلم‌های ساخته شده، معمولاً در فضای مجازی انتشار می‌یابد و کارهای شاخص آن، در صدا و سیمای فارس پخش می‌شود.

تأمین تجهیزات

مسئولین مسجد، با درک اهمیت بالای کار رسانه‌ای، سعی کرده‌اند تا جای ممکن، تجهیزات لازم را در اختیار گروه ماح مدیا قرار دهند و به عبارتی، بیشتر از سایر گروه‌ها، به این گروه بها داده‌اند؛ به‌طوری که ارزش تجهیزاتی که گروه ماح مدیا دارد، بیش از یک میلیارد تومان است.

درآمد حاصل از تولیدات رسانه‌ای، بین مسجد و نیروها توزیع می‌شود؛ مسجد با این پول و البته کمک خیرین، به تأمین تجهیزات می‌پردازد، نیروها هم که امرار معاش می‌کنند:

«در کارهایی که گروه رسانه‌ای مان انجام می‌دهد، ۶۰ به ۴۰ کار می‌کنیم. هرچه کار می‌کنند، اگر برای بیرون کار بسازند ۶۰٪ درآمد برای آن‌ها است و ۴۰٪ برای مسجد و تأمین تجهیزانش هم با مسجد است. گاهی بچه‌ها کار می‌سازند و با قیمت حدود ۱۵،۲۰ میلیون تومان می‌فروشند. حالا این کار را ممکن است ما برویم بفروشیم؛ مثلاً مستند «بچه‌های عباس» را حدود ۲۰ میلیون تومان فروختیم. بعضی کارها را خودشان می‌سازند

ما بهشان گفتیم کار بسازید خودمان خریدارتان هستیم. فقط این کار جریان داشته باشد و بیکار نباشند. در رابطه با شهدا مستند و موشن گرافی بسازند. ما برایشان تجهیزات را تأمین می‌کنیم و آنها برنامه می‌سازند. این تجهیزات را هم از کمک‌های مردمی تهیه کرده‌ایم. البته نه اینکه مردم اختصاصاً برای این کار پول بدهند؛ کلاً برای کار فرهنگی پول می‌دهند و ما از این پول، برای گروه رسانه‌ای تجهیزات می‌خریم». «چشم به راه» هم مستند دیگری بود که بچه‌های ما ساختند و برگزیده شد.

وضعیت مالی

تأمین مالی

بیشتر تأمین مالی برنامه‌های مسجد، از کمک مردمی است. هرچند که الان به خاطر شرایط اقتصادی، همان کمک‌ها هم کم شده است. مثلاً بعضی از کارخانه‌دارها، که مسجد را می‌شناسند، کمک‌های زیادی به مسجد می‌کنند.

از طرف دیگر، رسم خوبی که بین بچه‌های مسجد هست، این است که خود بچه‌ها، به جایی که می‌رسند و به درآمدی می‌رسند، دست به خیر می‌شوند و به مسجد کمک مالی می‌کنند.

راه دیگر تأمین هزینه‌ها، درآمدزایی از بعضی از کارهایی است که در مسجد انجام می‌شود. گروه رسانه‌ای ماح، گیم نت و کافی شاپی که در محوطه مسجد راه‌اندازی شده، راه‌های درآمدزایی مسجد هستند.

گردش مالی مسجد

با توجه به فعالیت‌های گسترده‌ای که مسجد امام حسین علیه السلام دارد، گردش مالی آن مجموعه نیز رقم بالایی است؛ چیزی حدود یک تا دو میلیارد تومان در سال. البته بیشترین گردش مالی، شامل هزینه‌های ساخت و سازهای مجموعه می‌شود. ساخت سالن ورزشی، احداث یک ساختمان چهارطبقه، برای امور فرهنگی و آموزشی و.... بقیه هم صرف برنامه‌های فرهنگی- تربیتی مسجد می‌شود؛ مثل اردوهای درون و برون شهری، مراسمات و...

مسجد چهارده معصوم علیه السلام قم

مقدمه

مسجد چهارده معصوم علیه السلام در زنبیل آباد قم، یکی از مساجد فعال در عرصه تربیتی است که نسبت به مساجد قدیمی قم، تازه تأسیس به حساب می‌آید. این مسجد در دهه ۸۰ ساخته و محور فعالیت‌های فعالان محله، زیر نظر امام جماعت آن، حجت‌الاسلام حسینی، شده است.

محور فعالیت‌های مسجد، بیشتر حول محور امر تربیت می‌چرخد و سایر برنامه‌ها بر مبنای این رویکرد طراحی و اجرا می‌شود. شهرت مسجد چهارده معصوم علیه السلام، در فعالیت تربیتی، به قدری پیچیده است، که خانواده‌های مختلف، از گوشه و کنار شهر و حتی کشور، فرزندان خود را برای حضور در فضای تربیتی این مسجد، به آنجا می‌آورند.

نهادهای متولی امر تربیت در مسجد، کانون فرهنگی و پایگاه بسیج هستند که با هم‌افزایی یکدیگر، به فعالیت‌های مختلف می‌پردازند. کانون فرهنگی، در دو قسمت خواهران و برادران نونهال و نوجوان و پایگاه بسیج برای افراد بالای ۱۸ سال برنامه‌ریز و فعالیت دارند.

نکته حایز اهمیت این است که هیئت امنای این مسجد نیز، افرادی هستند که هم از حیث علمی و هم اجرایی، جایگاه قابل توجهی دارند و در عین این‌که سن خیلی‌هایشان از امام جماعت بالاتر است، تابع ایشان. این افراد را خود امام جماعت انتخاب و دعوت به همکاری کرده و محور همه ایشان امام جماعت است.

با توجه به اینکه عمده فعالیت مسجد، در حیطه برنامه‌های تربیتی و در کانون صورت گرفته است، ابتدا به صورت مختصر به معرفی نهادهای دیگر می‌پردازیم و بعد به طور تفصیلی، کانون فرهنگی- تربیتی مسجد را معرفی خواهیم نمود.

نهادهای فعال در مسجد

مجموعه فعالیت‌هایی که در مسجد چهارده معصوم علیه السلام انجام می‌گیرد، در چند بخش تعریف می‌شود. یکی فعالیت‌های شبستان است، که با محوریت خود امام جماعت اجرا می‌شود. برنامه فرهنگی مسجد هم خودش چند قسمت است؛ کانون خواهران و کانون برادران که برای نوجوانان است و پایگاه بسیج، که برای بزرگسالان است؛ افراد بالای ۱۸ یا ۱۷ سال. مجموعاً همه یک پارچه و همه ذیل همان محور امام جماعت هستند. علاوه بر این، کانون ازدواجی هم در مسجد راه افتاده است و اهالی محل، برای پیدا کردن گزینه‌های مطلوب و متدین، برای ازدواج، به آن مراجعه می‌کنند. علاوه بر آن، این کانون، برای دختران و پسران، کلاس‌های آموزشی و مشاوره هم برگزار می‌کند.

نهاد دیگر فعال در مسجد، کتابخانه بزرگی است که علاوه بر اینکه محل مراجعه عموم مردم است، تبدیل به محلی برای مطالعه دانش‌آموزان پشت کنکوری و استفاده ایشان از فضای مطالعه و کتب کمک درسی شده است.

علاوه بر این، مسجد در امر سازماندهی و کمک به فقرا، مخصوصاً فقرای منطقه نیز پیش‌تاز بوده است.

در این مسجد، هر سه وعده نماز، به امامت حجت‌الاسلام حسینی اقامه می‌شود. همچنین، بعد از نمازهای ظهر و شب، برنامه‌های محتوایی از قبیل تفسیر قرآن، شرح نهج البلاغه، شرح صحیفه سجادیه، شرح زیارت جامعه کبیره، سیر کتب شهید مطهری و بیان احکام مبتلابه توسط امام جماعت برقرار است. با این برنامه مستمر، تا کنون برخی از کتب تفسیری، از جمله تفسیر تسنیم، نمونه و نور، دو یا سه بار دور شده‌اند. هم‌چنین شیوه ارائه کتب شهید مطهری رحمه‌الله، جالب توجه است. خود حجت‌الاسلام حسینی، برای هر جلسه، که دو بار در هفته برگزار می‌شود، حدود ۳۰-۲۰ صفحه کتاب شهید مطهری را مطالعه می‌کند و در مدت زمانی حدوداً ۲۰ دقیقه‌ای، به ارائه آن به مردم می‌پردازد، که مورد استقبال واقع شده است.

معرفی امام جماعت مسجد

حجت الإسلام حسینی، امام مسجد، با حضور ۱۲-۱۰ ساله خود در مسجد، سطح فعالیت‌ها را، از حیث محتوا و فعالیت‌های انقلابی بالا برده است؛ به طوری که کم‌تر دیده می‌شود مناسبتی سیاسی پیش بیاید و امام جماعت ورود و صحبت نکند و موضع گرفته نشود. البته مباحث، در فضای کلان سیاسی است؛ نه مباحث حاشیه‌ای و دفاع از فلان حزب و موضع‌گیری علیه فلان حزب. به علاوه، سطح بالای سواد ایشان، در جذب نخبگان به مسجد تأثیر زیادی داشته است. ایشان شاگرد آیت‌الله محسن اراکی است و تاکنون دو یا سه کتاب تألیف کرده. همین امر سبب شده است که مسجد علاوه بر، مخاطب عمومی، مخاطب‌های خاص نیز داشته باشند و افرادی با سطوح علمی بالا، اعم از خطبای مشهور و اساتید حوزه علمیه، که تعریف مسجد و امام آن را شنیده‌اند، به آن رفت و آمد داشته و در نمازها و برنامه‌های مسجد شرکت کنند.

یکی از ویژگی‌های بارز حجت‌الإسلام حسینی، به عنوان امام مسجد، تعامل گسترده ایشان با اهالی مسجد است. با اینکه جمعیت زیادی در نمازهای جماعت مسجد شرکت می‌کنند، وی بیشتر افراد را می‌شناسد و با آن‌ها ارتباط می‌گیرد، جویای احوالشان می‌شود و برای رفع مشکلاتشان پیگیری می‌کند. این رفتار، تأثیر مستقیم بر جذب مردم به مسجد داشته است؛ به طوری که مسجد در نمازهای جماعت شب، به قدری شلوغ می‌شود که اگر کسی اندکی دیرتر برسد، جایی برای اقامه نماز پیدا نمی‌کند.

امام جماعت مسجد، علی‌رغم اینکه می‌توانسته به مناصب بالاتری مثل امامت جمعه و نمایندگی ولی فقیه در شهرهای مختلف برسد، اما ترجیح داده که خود را وقف مسجد کند و در کنار تدریس در حوزه علمیه، برای آبادانی مسجد نیز تلاش مستمر کند.

کانون فرهنگی مسجد چهارده معصوم علیه السلام

کانون برادران مسجد چهارده معصوم علیه السلام از سال ۹۲، با مسئولیت حجت‌الإسلام مشی، به صورت جدی شروع به کار کرده است. وی مسئول بسیج طلاب قم است و چندین سال است که مشغول فعالیت تربیتی و کادرسازی در سه استان قم، فارس و

کهکیلویه و بوییر احمد می‌باشد. این کانون در مسجد چهارده معصوم علیهم‌السلام، حدود ۱۲۰ متری پسر و ۱۲۰ متری دختر دارد.

تاریخچه شکل‌گیری

اعضای اصلی کانون، همه متولد شهرستان کازرون استان فارس هستند، که آن‌جا تحت نظر حجت‌الاسلام مشی، در روند تربیت نیرو قرار گرفته‌اند و بعد که برای تحصیل علوم حوزوی به قم آمده‌اند، مسجد چهارده معصوم علیهم‌السلام را به‌عنوان پایگاه فعالیت خود، ذیل مدیریت امام جماعت این مسجد، انتخاب کرده‌اند. آقای حمیدی‌پور، مسئول فعلی کانون، تاریخچه شکل‌گیری را اینگونه توضیح می‌دهد:

«من و هفت یا هشت نفر دیگر از دوستان، قبلاً در شهرستان کازرون، یک مسجد داشتیم به اسم مسجد زینبیه که حاج آقای مشی مسئول فرهنگی پایگاه آن‌جا بود. ایشان چند سال برای ما وقت گذاشتند و بعد ما را پراکنده کردند که برویم کار فرهنگی و تربیتی کنیم. اولین باری که این جریان تربیتی، رقم خورد حدود سال ۷۸ یا ۷۹ بود. مرحله بعدی، ما بودیم، که حدود سال ۸۱ یا ۸۲ به جمع اضافه شدیم. هم آن‌ها ماندند، هم ما و هم آن‌هایی که بعد از ما آمدند. همه هنوز هستیم و اکثراً مربی و مسئول قسمت‌های مختلف کانون هستیم. الان دوره پنجم یا ششم دارند مربی می‌شوند، که همه هم در سلسله هستند. آقای مشی هم اکنون در هر سه استان رفت و آمد دارد و به تربیت نیرو می‌پردازد. این نیروها، که بعد از مدتی خود مربی می‌شوند، با همدیگر ارتباط دارند. گاهی وقت‌ها کارها و هم فکری‌هایمان با هم دیگر است. الان هر سال همه کانون‌های ما در مشهد جمع می‌شوند و یک تجمع بزرگ شکل می‌گیرد».

برنامه‌های کانون

کانون مسجد، جزو برترین کانون‌های فرهنگی کشور است. این کانون از شنبه تا جمعه، هر روز برنامه دارد و اصلاً چیزی به اسم تعطیلی ندارد. برنامه‌های تربیتی کانون به سه قسمت تقسیم می‌شود. برنامه‌های مهارتی، برنامه‌های معرفتی و برنامه‌های تفریحی.

• برنامه‌های مهارتی

تنوع برنامه‌های مهارتی در کانون خیلی بالا است؛ از برنامه‌های مهارتی کامپیوتری مثل ICDL و فتوشاپ گرفته، تا برنامه‌هایی مثل معرّق‌کاری، برق‌کاری، مکانیکی، گچ‌کاری و.... کانون تلاش می‌کند بچه‌هایی که به کارهای فنی مختلف علاقه دارند، به علاقه خودشان برسند. مثلاً مربیان با پدر و مادر متربیان صحبت و آن‌ها را راضی به این کار می‌کنند. یک مغازه فنی مثل تعمیرگاه هم پیدا و با صاحب آن حرفه هماهنگی می‌کنند و بچه‌ها را یک تابستان، به آن‌جا می‌فرستند. مربی در طول روز، به حرفه مورد علاقه خودش می‌پردازد و شب به مسجد می‌آید. الان خیلی از کارهای مورد نیاز مسجد و محله را همین بچه‌ها انجام می‌دهند.

برنامه‌هایی مثل روخوانی و روانخوانی قرآن نیز در این کانون، ذیل مهارت تعریف می‌شود.

• برنامه‌های معرفتی

برنامه‌های معرفتی کانون، برنامه‌های حلقه‌های معرفت یا حلقه‌های رشد است که اسم‌های مختلفی دارد. سیر این برنامه‌ها، بر اساس سن متربیان، متفاوت است؛ برای دانش‌آموزان ابتدایی یک سیر و برای دوره متوسطه یک سیر دیگر طراحی شده است. کسی که وارد عرصه تربیت بشود، از روز اول تا آخر مشخص است که باید چه سیر محتوایی را طی کند. این سیر، شامل مباحث معرفتی، بصیرتی، اندیشه‌های اسلامی، احکام و... می‌شود. در این سیر محتوایی، از کتبی مثل هفت جلد کتاب‌های اعتقادی هفت روز در بهشت (چاپ مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی)، کتاب احکام آقای فلاح زاده، کتاب‌های علامه مصباح یزدی و... استفاده می‌شود.

• برنامه‌های اردویی

یکی از نقاط قوت برنامه‌های تربیتی کانون، برنامه‌های اردویی آن است. مثلاً برای یک اردوی مشهد، ۸-۷ طلبه بالای سر متربیان، حضور دارند و شب به شب، بچه‌ها را ارزیابی می‌کنند:

«ما قبل از هر اردویی معمولاً چند ده ساعت جلسه برنامه‌ریزی داریم. مثلاً برای بحث صبر چه برنامه‌هایی می‌شود ریخت و چه عامل‌هایی می‌شود ایجاد کرد که هم در جهت تقویت باشد و هم در جهت این که بفهمیم صبرشان چقدر است. خیلی از اتفاقاتی که در اردوها می‌افتد و بچه‌ها فکر می‌کنند اتفاق است، روی برنامه بوده است بوده است. مثلاً قاشق به آن‌ها نمی‌دهیم و مربی‌ها می‌ایستند یک گوشه نگاه می‌کنند که ببینند عکس‌العمل اینها نسبت به این که قاشق ندارند چیست. یا در اردوها، معمولاً روال این‌طور است که در هر وعده غذایی، یکی از گروه‌ها سفره‌ها را جمع می‌کند و می‌اندازد. مثلاً یک دفعه می‌شود که ما می‌نشینیم و نمی‌گوییم کسی جمع کند، که ببینیم چه کسانی خودجوش می‌آیند و جمع می‌کنند. و موارد مختلف این مدلی که چیزهای ساده‌ای است. اما در کنار این‌ها یک سری طرح‌های پیچیده هم داریم. مثل بازی «نبرد ماندگار»، که یک بازی اردویی است و چند صد ساعت رویش فکر شده است».

پرونده تربیتی

هر کدام از متریان مسجد، یک پرونده تربیتی دارند و از روز اولی که وارد چرخه تربیتی مسجد می‌شوند، علاوه بر تربیت و رشد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند؛ چه در بحث‌های فلسفی و علمی و چه در بحث‌های عملی. خود مربی‌های مسجد هم، با شرکت در دوره‌ها، کارگاه‌ها و همایش‌ها، آموزش می‌بینند:

«همه مربی‌ها پرونده تربیتی دارند و پیش ما مشخص می‌شود که الان روند رشدشان چگونه است و چه مشکلات تربیتی دارد؛ از مشکلات تربیتی ساده، که به چشم می‌آید گرفته، تا مشکلات تربیتی که واضح نیست و راحت به چشم نمی‌آید. مثلاً گاهی وقت‌ها جلسه می‌گذاریم و در مورد مربی، دو یا سه ساعت بحث و بررسی می‌کنیم، که الان این مشکل را دارد و چه کار کنیم. بعد چند راه‌کار پیشنهاد می‌شود و به بررسی راه‌کارها می‌پردازیم».

متریان بین المللی

شهرت مسجد زبان به زبان بین مردم چرخیده و آنان را به اینجا کشانده است. آن جنبه‌ای که مسجد چهارده معصوم علیه السلام را برجسته کرده، نگاه تربیتی خاصی است که نسبت به متربی‌ها دارد. قبلاً برنامه‌های مسجد فقط محله‌ای بود است؛ ولی الان از کل قم می‌آیند در مسجد ثبت نام می‌کنند. حتی چند متربی، از ایرانیان مقیم خارج کشورند. مثلاً در کانادا و آلمان زندگی می‌کنند. اینان، برنامه حضور خودشان در ایران را، با برنامه‌های مسجد تنظیم می‌کنند و طوری می‌آیند که در دو سه ماهی که ایران هستند، از اول تا آخر برنامه‌های مسجد شرکت داشته باشند. علاوه بر آن، یک سری از خانواده‌های غیر ایرانی هم که مقیم قم هستند، با توجه به شناختی که از مسجد پیدا کرده‌اند، فرزندان خود را برای تربیت، به این مسجد سپرده‌اند؛ از کشورهای افریقایی، عراق پاکستان و...

به‌علاوه، یک سری از خانواده‌های شهرهای دیگر، که با این مسجد آشنا شده‌اند، فرزندان خود را به قم می‌آورند تا در برنامه‌های اردویی مسجد شرکت کنند و بعد به شهر خودشان برگردند.

مبنای سیر تربیتی

مبنای سیر تربیتی مسجد چهارده معصوم علیه السلام، کتاب فلسفه تعلیم و تربیت آیت الله مصباح یزدی رحمه الله است. همه مربیان مسجد، باید این کتاب را بخوانند و شاکله تربیتی خود و متریان را بر اساس آن تنظیم کنند.

مربیان نخبه

یک جنبه قوت که مسجد دارد، این است که طلبه‌ها و دانشجویانی که در آن کار می‌کنند، همه قوت علمی بالایی دارند. این مسجد، شش مربی طلبه دارد، که سه یا چهار نفرشان، جزو استعدادهای برتر حوزه هستند. این مربیان متون دینی و مباحث تربیتی را با درک بالای خود، به هم تلفیق و به‌خوبی پیاده‌سازی می‌کنند. دانشجویانی هم که در اینجا فعالیت می‌کنند، وضعیت مشابهی دارند و در دانشگاه‌های معتبر کشور، مشغول تحصیل هستند.

همین امر، کار تربیت را در کانون مسجد راحت کرده است:

«در برنامه ریزی مان هم معمولاً این طوری عمل می کنیم که دانش آموزانی را که بنیه علمی قوی دارند، پیدا می کنیم و روحیه جهادی، پای کار بودن و دائم وقت گذاشتن ذیل مسجد را به آن ها انتقال می دهیم».

برنامه خانوادگی

یکی از کارهایی که در مسجد چهارده معصوم علیه السلام، پیگیری می شود، برنامه های متاهلی برای مربیان و مسئولین کانون است. مسجد حداقل سالی دو یا سه اردوی متاهلی بیرون از استان دارد. علاوه بر آن، همسران مسئولین و مربیان کانون مسجد نیز، در کار فرهنگی دخیل شده و یک جریان فرهنگی در مسجد راه اندازی کرده اند:

«همسران ما هم کار جهادی می کنند. این فاز را خود حاج آقای مشی به آن ها منتقل کرده است و هم برای ما خیلی کار راحت تر شده است و همراه تر شده اند و هم این که بالأخره یک جمعی از خواهران که این روحیه انقلابی و روحیه جهادی داشته باشند، خودش خیلی نعمت است. به خاطر همین، معمولاً دوستانی که متأهل می شوند، از کار خارج نمی شوند. تا الان کم داشته ایم مواردی که بعد از تأهل، از مجموعه جدا شوند».

اولویت برنامه های مسجد

بعضی از کلاسها مثل کلاس رزم آوران که داریم بیرون از مسجد است و کلاس فوتسال که برای بچه ها داریم بیرون از مسجد است و امسال همین تیم رزم آوران مسجد تیم رزم آور اول قم شدند و ۷ یا ۸ نفر از بچه ها رفتند و مسابقات اجرا کردند و همه مدال آوردند و مسابقه های کشوری هم مشهد برگزار می شد و چون تلاقی داشت با برنامه های اردو دیگر کشوری شرکت نکردند بچه ها

یکی از اصولی که برای بچه های مسجد نهادینه شده، این است که هر برنامه ای در تلاقی با برنامه های کانون، کنار گذاشته می شود؛ حتی اگر آن برنامه، برای آن افراد، منفعت شخصی بالایی داشته باشد. به عنوان مثال، یکی از گروه های فعال کانون، گروه رسانه ای آن است. اگر گروه رسانه ای پیشنهاد کاری، حتی با مبلغ زیادی داشته باشد و

از آن طرف، مسجد یک اردوی معمولی داشته باشد، اولویت با شرکت در آن اردو است. در مورد سایر قسمت‌ها هم این موضوع صدق می‌کند.

کادرسازی با مسئولیت‌سپاری

هر کس از روز اولی که وارد مسجد می‌شود، مورد استعدادیابی قرار می‌گیرد و بعد برایش کار تعریف می‌شود. با این توصیف، کمتر کسی را در مسجد پیدا می‌کنیم که متربی مسجد باشد و مخصوصاً به سن بلوغ هم رسیده باشد، ولی کار برایش تعریف نشده باشد؛ از کارهای ساده مثل چای ریزی در هیأت گرفته، تا کارها و مسئولیت‌های بزرگ‌تر. مثلاً اعضای تیم رسانه‌ای مسجد، که متربی کانون هستند، کار فیلم‌برداری و تدوین برنامه‌های بعضی از مدارس محل را برعهده گرفته‌اند.

«یک چارتی، هم کانون برادران دارد و هم کانون خواهران. ذیل همان چارت، تقریباً همه مسئولیت دارند. در مسجد چهارده معصوم علیهم‌السلام، وقتی کار سپرده می‌شود، بچه‌ها هم آموزش می‌بینند و هم ارزیابی می‌شوند. در آن ارزیابی، خیلی از نکات توسط مربی‌ها به آن‌ها منتقل می‌شود، که شما مثلاً این چهار یا پنج موردی را که به شما گفته شده بود، توانستید طی کنید یا نتوانستید و این جا را اشکال داشتید و این جا باید این کار را می‌کردید. خود مربی‌ها ناظر هستند و چون همه‌شان، هم از حیث اجرایی و هم از حیث علمی قوی هستند، ناظرهای خیلی خوبی هستند. در طول کار، مربی همراه بچه‌هاست؛ هم به آن‌ها آموزش می‌دهد و هم ارزیابی می‌کند. ما یک واحد نظارت داریم، که کارش چوب زدن است و بررسی می‌کند که ببیند کدام یک از این بچه‌هایی که مسئولیت دارند، کارهایشان را انجام می‌دهند یا نمی‌دهند و برای انجام ندادن، یک جلسه استیضاح، مثل مجلس، برگزار می‌شود و باید بیایند توضیح دهند که چرا کار را انجام ندادهای».

برای اینکه بچه‌ها در زمینه‌های مختلف توانمند شوند، در بازه‌های زمانی مختلف، مسئولیت‌های مختلف به آن‌ها واگذار می‌شود.

با این شیوه، هم متربیان توانمند می‌شوند و کار تشکیلاتی یاد می‌گیرند و هم حجم گسترده‌ای از کارهای متنوع در مسجد انجام می‌گیرد:

«هرکس حجم کارهای ما را می بیند، تعجب می کند که چطور این کارها با حضور پنج، شش مربی انجام می شود. ۹۰٪ کارهای ما را همین بچه ها انجام می دهند. ما چند سال پیش یک نمایشگاه با موضوع انقلاب برگزار کردیم که صدا و سیما هم نشان داد. به جز دو یا سه نفر مربی که بالای سر بچه ها بودند، کل نمایشگاه را بچه ها طراحی و اجرا کردند».

مبانی تربیتی

مبانی تربیتی مسجد چهارده معصوم علیهم السلام، برگرفته از اندیشه های تربیتی مرحوم صفایی حائری و البته مکمل آن است. این مسجد سه مبنای «حریت»، «شخصیت» و «تفکر» را از اندیشه های آقای صفایی حائری گرفته و یک مبنای دیگر هم به آن اضافه کرده است؛ «روحیه جهادی»:

«این ها را «مؤسسه استعدادهای برتر میثم تمار» پیاده می کرد. بحث حریت، شخصیت و تفکر را در آن مجموعه ارزیابی کردیم که ببینیم آن ها چه ندارند. یکی از نقاط ضعفی که خود آقای حجت الاسلام وافی، مسئول مجموعه میثم تمار، به آن اشاره کرده است، بحث حضور و پای کار بودن و ماندن نیروها است. خیلی از نیروها، بعد از مدتی از مجموعه می روند، یا بعضاً در روحیه جهادی یک خرده ضعف داشتند. خوب جلسه می گرفتند؛ ولی پای کار که می رسید، بعضاً کم می گذاشتند. ما روحیه جهادی را هم به آن سه مبنا اضافه کردیم، تا این نقص جبران شود. یک بار مسئولین مؤسسه میثم تمار به مجموعه ما آمدند تا از نزدیک بچه های ما را ببینند. وقتی کارها و روحیه بچه ها را دیدند، گفتند که ما خیلی سال تلاش کردیم که این طور بشود؛ ولی نشد».

کارهای ذیل این چهار مبنا

«در بحث تفکر، یکی از خصیصه هایی که مسجد دارد آن است که ما خیلی کم می شود محتوا به بچه ها منتقل کنیم، که مثلاً برایشان کلاس بگذاریم و درس بدهیم. معمولاً روی خود فکر کردن بچه ها کار می کنیم. قسمت قابل توجهی از یک حلقه صرف درگیر کردن ذهن بچه ها می شود و در مورد یک موضوع می نشینند هم فکری می کنند.

در بحث تفکری، بیشتر تمرکزمان روی اندیشه‌های شهید مطهری، علامه مصباح و مقام معظم رهبری است. این‌ها را هم چون آقا معرفی کرده‌اند و بارها و بارها در جمع‌های دانشجویی و غیردانشجویی تأکید دارند که حتماً نوجوان‌ها با اندیشه‌های شهید مطهری رشد کنند.

در بحث شخصیت، متناسب با استعداد بچه‌ها، به آن‌ها مسئولیت می‌دهیم. این کار خیلی به آن‌ها شخصیت می‌دهد.

در روحیه جهادی، معمولاً برنامه‌های اردویی ما سمت و سوی جهادی دارد. چند سال پیش ده یا دوازده روز برای بچه‌هایمان یک دوره آموزش نظامی گذاشتیم. یک روز گفتیم می‌خواهیم برویم اردو و حالا باید لباس نظامی بپوشید. یک صبح تا عصر رفتیم، با یک بطری آب. آن‌ها را ۱۵ کیلومتر در میان کوه و تپه‌ها راه بردیم. در بعد روحیه جهادی، خیلی برنامه‌ها گذاشته می‌شود و خیلی کار از بچه‌ها کشیده می‌شود. اول که به مسجد چهارده معصوم علیهم‌السلام آمده بودیم، می‌گفتند این‌جا بالا شهر است و بچه‌ها سوسول هستند و به درد کار کردن به آن شیوه‌ای که شما می‌خواهید، نمی‌خورند. همین بچه‌هایی که به اصطلاح سوسول بودند، الان به جایی رسیده‌اند که هرچه می‌دوند و کار می‌کنند و زحمت می‌کشند خسته نمی‌شوند. از این حیث، ما این بچه‌های بالا شهری را تبدیل کرده‌ایم به بچه‌های پایین شهری».

بازی نبرد ماندگار

یکی از برنامه‌های کانون مسجد چهارده معصوم علیهم‌السلام، طراحی بازی با اهداف تربیت سیاسی و اقتصادی و... است. «نبرد ماندگار»، یک بازی است که با همین هدف نوشته و پیاده‌سازی شده است:

«در نبرد ماندگار، بچه‌ها دو دسته می‌شوند. هر دسته ممکن است سه یا چهار گروه بشوند. با فرض دسته‌های سه‌گروهی، سه گروه مستکبر داریم و سه گروه انقلابی. این بازی، یک سری مؤلفه‌ها هم دارد که به هر کدام از آن‌ها، امتیازی تعلق می‌گیرد. مؤلفه‌هایی مثل نفت، موشک، خودکفایی در دارو و... گروه‌های انقلابی، باید تلاش کنند که به دوروش مذاکره یا جنگ، به موشک و دارو و... برسند. مثلاً کشورهای مستکبر در

دارو خودکفا هستند و کشورهای انقلابی باید بتوانند به این داروها دسترسی پیدا کنند. این بازی شش مرحله دارد و هر کشور انقلابی، پانزده سهمیه دارو دارد. هر مرحله از بازی که می‌گذرد، پنج تا از سهمیه دارویشان کم می‌شود؛ یعنی تا مرحله سوم، کلاً سهمیه دارویشان تمام می‌شود؛ مگر این که به خودکفایی برسند. یک سری کارها باید انجام بدهند تا به خودکفایی برسند؛ یا با مذاکره، یا با جنگ. مذاکرات این طور است که هر گروه یک فرمانده جنگ دارد، سه یا چهار سرباز و یک نفر هم مذاکره کننده. مذاکره کننده های هر شش گروه می آیند یک سری جنگ ها را پیشنهاد می دهند. مثلاً یک گروه می گوید ما می خواهیم با گروه الف مستکبر مبارزه کنیم و سه پیشنهاد برای این گروه داریم؛ پانتومیم، گل کوچک و پنالتی چشم بسته. مذاکره کننده می نشیند و بررسی می کند که ببیند به نفعش است یا چه کسی وارد جنگ شود. این دو گروه وارد جنگ می شوند که آن جنگ یک مسابقه است. بعد از این که جنگشان تمام شد، آن گروهی که برنده می شود، می تواند پانزده واحد تجهیزات از گروه شکست خورده بگیرد. یکی از چیزهایی که بازی را جذاب می کند، این است که این ها می توانند از موشک هایشان استفاده کنند. به این شیوه که مذاکره کننده یک گروه، می گوید ما می خواهیم نفر اول گروه رقیب را با موشک بزنیم. مسئول مسابقه، یک موشک و چهار تا نفت، به عنوان سوخت موشک، از آن گروه می گیرد، بعد به گروه رقیب اعلام می کند که بازیکن اولتان با موشک از مسابقه کنار رفت. گروه ها باید آقدر هوشیاری داشته باشند، که مثلاً بتوانند جاسوسی کنند و خیلی کارهای دیگر انجام دهند، تا بتوانند بفهمند که دشمن می خواهد با موشک بازیکن اول آن ها را بزند و بازیکن قوی در صدر گروهشان نگذارند. چون موشک که می خورد، باید جایگزین کنند و یک نفر دیگر بیاورند. حال اگر آن بازیکن قوی باشد، بازیکن قویشان می رود و مجبور هستند یک نفر ضعیف تر از او جایگزین کنند. ولی اگر ضعیف باشد، این ها خوشحال می شوند؛ چون نیروی ضعیفشان رفته است و به جای او، یک بازیکن قوی را می آورند. کشورهای انقلابی در دارو خودکفا نیستند و اگر ذخیره دارویشان تمام شد، باید بروند از مستکبرها بخرند. می آیند پیش آن کشور مستکبر و می گویند ما فلان مقدار نفت و موشک به شما می دهیم و شما یک واحد دارو به ما بدهید. اگر نتوانند دارو را از کشورهای مستکبر تأمین کنند، باید بروند از مسئول مسابقه با قیمت بالاتری تهیه کنند. یکی از قوانین بازی این است که کشورهای مستکبر می توانند به عهدشان

باقی نمانند. لذا کشورهای انقلابی باید یک کاری کنند که در مذاکره اطمینان حاصل شود و خیالشان راحت باشد که آن‌ها زیر عهدشان نمی‌زنند.

از طرفی دیگر، گروه‌های انقلابی باید برای خودکفایی تلاش کنند. راز خودکفایی، بین گروه‌های مستکبر تقسیم شده است. هر کشور مستکبر، دورنگ قرمز و آبی دارد. اگر یک کشور انقلابی، در مسابقه، یک کشور مستکبر را شکست دهد، می‌تواند بگوید ما به جای نفت و موشک، می‌خواهیم راز خودکفایی را به دست بیاوریم. در این جا باید بین آن دو رنگ حدس بزنند. اگر اشتباه حدس بزنند که هیچ؛ ولی اگر درست حدس بزنند، یک قسمت از راز خودکفایی به آن گروه می‌رسد. دو تای دیگر هم دست دو گروه مستکبر دیگر است.

یکی دیگر از قوانین بازی این است که کشورهای انقلابی، می‌توانند با هم متحد شوند و رازهای به دست آمده را با هم به اشتراک بگذارند.

یک قانون دیگر این است که در اثنای بازی، به ازای نفت و موشک، برای مسابقات مختلف مثل فوتبال و...، از یکدیگر بازیکن قرض بگیرند.

به هر حال، این بازی روحیات مختلف را به افراد منتقل می‌کند و در وسط میدان با خوی مستکبران آشنا می‌شوند و خودشان هم کار تشکیلاتی، اقتصادی و سیاسی را یاد می‌گیرند.

مباحث مالی

اصل مبحث تأمین مالی مسجد چهارده معصوم علیهم‌السلام، کمک‌های مردمی است. البته مسجد یک واحد تجاری دارد که آن را به نانوایی اجاره داده است. زیرزمین آن هم قرار است به آشپزخانه اجاره داده شود.

جمع‌بندی

مسجد چهارده معصوم علیهم‌السلام، در عرصه کادرسازی و نگه‌داشت نیرو خیلی خوب کار کرده است. این مسجد نیروهای خوب را جذب می‌کند، آن‌ها را پرورش می‌دهد و به کادر فعال و ثابت برای مسجد و اجتماع تبدیل می‌کند.

نکته برجسته دیگر مسجد، امام جماعت آن و تعامل خیلی خوب او با مردم است. امام جماعت، محور همه فعالیت‌های مسجد است. در این مسجد ۵۰ نفر کادر ثابت، همه تحت مدیریت امام مسجد مشغول به فعالیت هستند و توانسته‌اند در زمینه‌های مختلف، مخصوصاً امر تربیت، به موفقیت‌های خوبی دست پیدا کنند.

تجربه نگاری مدرسه مسجد محور صنعتگران

معرفی اجمالی

مدرسه و حوزه علمیه صنعتگران شامل دبستان شهید خلیلی، دبیرستان بنت الهدی و حوزه علمیه ریحانه النبی در قسمت خواهران و دبستان شهید خلیلی، دبیرستان سید حسن نصرالله و حوزه علمیه صنعتگران در بخش برادران است.

داستان این مسجد و دانش‌آموزانش داستان همان مکتب‌خانه‌های قدیم است که حالا به‌روز شده است. دوازده سالی این طرح به صورت پراکنده و آموزشی امتحان شده و تقریباً ده سالی است که این طرح در مسجد توسط «حجت الاسلام صرافیان» راه‌اندازی شده است. پدر و مادرهایی که دغدغه داشتند فرزندانشان در محیطی باشند که هم علم‌اندوزی کنند هم با مفاهیم مذهبی و مسجد مانوس شوند، مسجد صنعتگران را انتخاب کردند. این بچه‌ها دیگر مدرسه نمی‌روند؛ به این معنی که روی نیمکت بنشینند. به جای آن به مسجد می‌آیند و شبیه مکتب‌خانه‌های قدیم به صورت گردرو به‌روی هم می‌نشینند.

اکثر مربیان این کلاس‌های مکتبی، طلبه و ملبس هستند. تمام مدرس‌های این کلاس‌ها کسانی بودند که قبلاً شاگردان حجت الاسلام صرافیان بودند و علاوه بر آموزش‌های مذهبی و مکتبی، تحصیلات دانشگاهی هم دارند. کلاس‌ها هم حداکثر ده نفره هستند که در چهار طبقه فضای مسجد به صورت حلقه حلقه هر کدام در گوشه‌ای از مسجد می‌نشینند.

مسجد صنعتگران از پیش دبستانی تا دبیرستان دانش‌آموز می‌گیرد. بچه‌های این مدرسه - مسجد، همان دروسی را که در مدارس می‌خوانند، در قالب مسجد می‌خوانند و در

کنار آن یک سری مباحث مذهبی هم به آن‌ها آموزش داده می‌شود. البته تمام آموزش‌های داخل کلاس مثل درس علوم یا حتی ریاضی یک جهت مذهبی دارد. بچه‌های دبستانی و راهنمایی در شیفت صبح و دبیرستانی‌ها در شیفت بعد از ظهر مسجد، به کلاس می‌آیند.

آوازه این مسجد و آموزش مکتبی‌اش آنقدر پیچیده است که از راه دور و نزدیک برای تحصیل در آن به مشهد مهاجرت کرده‌اند. خیلی از خانواده‌هایی که فرزندان‌شان در این مسجد تحصیل می‌کنند، از راه‌های دور مثل کرمانشاه و قزوین به مشهد نقل مکان کرده‌اند؛ فقط به خاطر اینکه فرزندان‌شان در این مسجد آموزش ببینند. در میان دانش‌آموزان مدرسه مسجد، بچه‌هایی هستند که پدر و مادرشان معلم و یا استاد دانشگاه هستند. در برخی موارد، بچه‌هایی به چشم می‌خورند که از میان خانواده‌های فرهنگی و یا نخبه‌ترین اقشار جامعه هستند.

اکنون به معرفی فعالیت‌های مدرسه- مسجد صنعتگران، به روایت حجت‌الاسلام صرافیان، امام جماعت مسجد، می‌پردازیم.

تاریخچه شکل‌گیری کار تربیتی در مسجد صنعتگران

من ۱۷ یا ۱۸ سال است که وارد این مسجد شده‌ام. البته نخستین تجربه‌ام در زمینه کار مسجدی، برمی‌گردد به سال ۵۸ و زمانی‌که امام‌رحمه‌الله پیام دادند که مسجدها سنگر است. اولین مسجدی که فعالیت در آن را شروع کردم، مسجد حجت‌عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در خیابان امام رضا علیه‌السلام بود. با تعدادی از دوستان که از نظر افق فکری نزدیک بودیم و با همراهی امام جماعت و دیگران، مشغول کار شدیم. پس از آن در مسجد امام حسن مجتبی علیه‌السلام، مسجد جفایی و در نهایت مسجد صنعتگران، فعالیت خود را ادامه دادم؛ بنابراین فعالیت در اینجا مسبوق به تجربه‌ای قبلی بوده و آزمون و خطاها در مساجد دیگر انجام گرفته بود.

• جذب نوجوانان به مسجد

بعد از اینکه پذیرفتم امام جماعت مسجد صنعتگران باشم، اولین جرقه‌ای که زدم، در روز سوم یا چهارم حضورم بود. وقتی به مسجد آمدم، دیدم پسری ۱۰، ۱۲ ساله

با پدرش به مسجد آمده است. پس از اینکه نماز را خواندم، بلافاصله نزد آن‌ها رفتم و از پدر آن نوجوان پرسیدم که این آقا زاده چند سالش است؟ گفت فلان قدر. بلند گفتم: احسنت! برای سلامتی ایشان صلوات. همان، جرقه‌ای شد که بقیه هم کم‌کم بچه‌هایشان را به مسجد بیاورند. درواقع مردم خیالشان راحت شد. افراد مذهبی از خدا می‌خواهند که بچه‌هایشان به مسجد که محیطی امن است، رفت‌وآمد داشته باشند. آن‌ها می‌خواهند مسجد برای نوجوانان و جوانانشان مأمّن باشد. به این ترتیب در زمان کوتاهی که به یکی دو ماه هم نکشید، نوجوانان به مسجد روی آوردند. به دلیل این استقبال، از افرادی که سابقه کار تربیتی با نوجوانان داشتند، دعوت به کار کردیم تا برای آن‌ها برنامه در نظر بگیرند. من هم به عنوان امام جماعت، بیشتر با عموم ارتباط داشتم. همان ابتدا که چند نوجوان اینجا حضور پیدا کردند، تصمیم گرفتیم قرآن را آموزش دهیم. از هر سوره، جمله‌های کوتاهی انتخاب کردیم که در مجموع هزار و چندصد جمله شد. متوجه شدیم که مردم بسیار علاقه‌مند به قرآن هستند. به فکر رسیدن بود که يك راه برای اینکه بتوانیم قرآن را بین مردم فراگیر کنیم، این است که پیش از هر چیز از جمله‌های خاصی از قرآن که بیشتر با زندگی روزمره و حل مشکلاتمان گره خورده است، آغاز کنیم.

از آنجاکه «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مائده، ۱۶) تو بیا کنار قرآن، خدای متعال به تو راه را نشان می‌دهد، کم‌کم راه‌های بعدی باز و قدم‌های بعدی مشخص شد. چند سال قبل، در يك تابستان و طی ۳ ماه، جمله‌ها و مفاهیم خاص قرآنی را به يك جمع شش نفره از نوجوانان کلاس دوم و سوم راهنمایی و اول دبیرستان آموزش دادیم. نتیجه آن شد که خود این افراد علاقه‌مند شدند در ایام تحصیل، ترجمه کل قرآن را آموزش ببینند.

• تهیه طرح مدرسه - مسجد، با کمک طلبه‌های جوان مسجد صنعتگران

۲۰ و چند سال در مدارس به کار فرهنگی و پرورشی مشغول بودم. خیلی غصه می‌خوردم از اینکه جوان و نوجوانی که در سن اصلی خودسازی است، بخش اعظمی از وقتش را در غیر مسجد سپری می‌کند؛ در یک جایی که اسم آن را گذاشته‌اند «مدرسه».

مهمترین نیازمندی مردم، فرهنگ است، آموزش و پرورش است. از این مسیر است که تمام مشکلات مردم، یا حل می‌شود و یا پیچیده می‌شود. علت همه مشکلات جامعه ما این است که آموزش و پرورش خراب است. تمام مدیران جامعه ما، از این مسیر عبور می‌کنند. الان مشکلی که با آن مواجه هستیم، مشکل مدیریت است. آیا مدیران ما مدیریت بلد نیستند؟ اتفاقاً خوب بلدند؛ ولی خوب ساخته نشده‌اند؛ یعنی این مسیر، انسان‌سازی نکرده است. ما امروز تفکر اقتصادی در مدیرانمان کم نداریم؛ بلکه تعهد اقتصادی کم داریم. آموزش و پرورش، اولی را انجام داده؛ اما دومی انجام نشده است. ما نمی‌توانستیم به راحتی از کنار معضل آموزش و پرورش بگذریم.

اوایل دهه نود، چندسالی بود که به تربیت طلبه رو آورده بودم. با کمک و هم‌فکری همین طلبه‌های جوان، طرح ایجاد یک مدرسه را تهیه کردیم. اما نه یک مدرسه عادی؛ بلکه مدرسه‌ای در مسجد. بسیاری، حتی نزدیکان ما، در محقق شدن این فکر، تردیدهایی داشتند. اما وقتی حرف‌ها و ایده‌ها به مرحله اجرا رسید، آرام آرام، نقدها تبدیل به گلایه و گلایه‌ها تبدیل به تهدید شد.

من یک وقتی به این دوستانی که در مسیر ایجاد مدرسه موانع ایجاد می‌کردند، عرض کردم که من شما را دعا می‌کنم. یعنی می‌دانم که واقعاً دغدغه دارند و فکر می‌کنند این مسیر، مسیر ضدیت با نظام و انقلاب است. حتی بعضی از اینها را من صد در صد یقین دارم که از روی حسن نیت است و همین مخالفت‌ها هم عامل رشد ما بوده است و متوجه شده‌ایم که یک گوشه کار ما ابهامی دارد و باید ابهام‌زدایی کنیم.

• انتخاب مسجد؛ به عنوان بهترین محل برای انسان‌سازی

ما اعتقاد داشتیم که هرچند کار تربیتی در مکان‌های مختلف امکان‌پذیر است، اما در برخی مکان‌ها با کیفیت بهتری انجام می‌شود. با توجه به اینکه کیفیت کار در امور مختلف اهمیت بسیار دارد، در انتخاب مکانی که قرار بود تربیت در آن مکان انجام گیرد، بسیار دقت کردیم. به نظر ما، بهترین مکان برای تربیت، مسجد است. این برتری کیفی، به خاطر ویژگی‌های منحصر به فردی است که مسجد دارد.

مسجد دو کارکرد اصلی دارد؛ تحصیل علم و تحصیل تقوا. تقوا وقتی تقواست که مبتنی بر علم و معرفت و درک باشد: «الْمُتَعَبِدُ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَحِمَارِ الطَّاحُونِ يَدُورُ وَلَا يَبْرَحُ مِنْ مَكَانِهِ»

ما ادعا نمی‌کنیم که مسجد «تنها» محل تربیت است؛ اما مدعی هستیم که مسجد، «بهترین» محل انسان‌سازی است. به تعبیر قرآن «فِيهِ رَجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا» (توبه: ۱۰۸)؛ در مسجد کسانی هستند که دغدغه پاکیزگی دارند.

اگر آموزش را به یاد دادن آداب انجام کارها تعبیر کنیم، پرورش در اصل، تربیت و درونی‌کردن مفاهیمی است که در باطن این کارها نهفته؛ امری که به آن «خودسازی» می‌گوییم و مسجد، بهترین پایگاه اصلی خودسازی است. به نظر می‌رسد که بهترین طرح برای تحقق این هدف، همین کاری است که انجام شده؛ یعنی ما کار اصلی جوان و نوجوان را، که تحصیل است، در مسجد تعریف کنیم. وقتی که کار اصلی جوان و نوجوان را در مسجد تعریف کردیم، مسجد فضای خودسازی است. فضای تحصیل تقواست. فضای انس با خدای متعال است. کسی ممکن است بگوید که در مدرسه هم اول وقت نماز که می‌شود، همه کلاس‌ها تعطیل می‌شود و همه می‌روند نمازخانه. ما در جواب می‌گوییم که ما در مسجد، اول وقت کلاس تعطیل نمی‌کنیم؛ که برویم نماز؛ بلکه اصلاً این قطار آموزش و پرورش در مسجد، طوری تنظیم می‌شود که اول وقت خودش می‌رسد به نماز؛ نه اینکه اول وقت بگوییم بچه‌ها، کارها تعطیل، بروید نماز بخوانید!

اقامه نماز در جامعه، شاه‌کلید حل بسیاری از مشکلات و کاستی‌هاست و از این جهت، مسجد تنها مکان راستین اقامه نماز است؛ مکانی که محل گردآمدن حلقه عبادت و حلقه علم‌اندوزی در کنار یکدیگر است و به هیچ وجه، با مکان دیگری مثل نمازخانه، قابل قیاس نیست. عیبی ندارد که در مدارس نمازخانه وجود داشته باشد. اما اصلاً نمازخانه با مسجد قابل مقایسه نیست. هیچ نمازخانه‌ای احکام فقهی مسجد را ندارد. هیچ نمازخانه‌ای نماز تحیت ندارد. هیچ نمازخانه‌ای لازم نیست در مقابل در آن بایستی و بگویی «الهی ضیفک ببابک».

۱. . عبادت کننده بدون دانش، مانند الاغ آسیاب است که می‌گردد و از مکان خود خارج نمی‌شود. (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۷)

اصلاً مسجد پایگاه انسان‌سازی است. بر اساس معارف اهل بیت علیهم‌السلام، معتقدیم جایگاه اصلی تعلیم و تربیت، مسجد است و در همین راستا این مسجد در هردو قسمت خواهران و برادران به مدرسه نوجوانان و حوزه علمیه‌ای برای جوانان تبدیل شده است. در صدر اسلام، نه فقط تحصیل علوم دینی، بلکه هرگونه تعلیم و تعلمی در مسجد صورت می‌گرفت و همین، سبب تأمین امنیت اخلاقی و اعتقادی دانش‌آموزان می‌شد؛ چیزی که امروزه حتی در مدارس مذهبی وجود ندارد و باعث نگرانی خانواده‌ها شده است. به گفته شهید مطهری، جداکردن مدرسه از مسجد، تقلیدی بی‌پایه از غربی‌ها بوده است و تلاش ما این است که کارکردهای مسجد احیا شود.

• تشکیل حوزه علمیه در مسجد

یک نکته بسیار مهمی که در این طرح وجود دارد، این است که این حرکت یک ارتباط تنگاتنگی با حوزه علمیه در مسجد دارد؛ یعنی ما اول، حوزه علمیه در مسجد داریم، بعد مدرسه در مسجد، که عملاً خروجی‌های آن حوزه علمیه در مسجد، می‌شوند مدرسین و مربیان این مدرسه. بنابراین، حوزه علمیه در مسجد، می‌شود تربیت مدرس و تربیت مربی برای این مدرسه دانش‌آموزی. از آنجاکه مربی‌های ما حتماً باید طلبه باشند، فعالیت‌های مدرسه و حوزه علمیه کاملاً درهم‌تنیده هستند.

• دلایل تشکیل حوزه علمیه در مسجد

در فرایند کارهای تربیتی که در مسجد انجام می‌دادیم، متوجه شدیم که توان ما اولاً محدود است و ثانیاً رو به کاهش؛ بنابراین باید به دنبال افرادی باشیم که بتوانند هم کار را ادامه بدهند و هم گسترش. بعد به این نتیجه رسیدیم که تنها افرادی که می‌توانند این کار را ادامه بدهند، طلبه‌ها هستند. اکثر رفقای دانشجوی ما، فقط یکی دو سال می‌مانند. بعد کار را به دلایل مختلف مثل ادامه تحصیل در شهری دیگر، ازدواج، کار و شغل، خدمت سربازی و... رها می‌کنند؛ ولی طلبه‌ها اولاً مشکلاتی از قبیل خدمت سربازی ندارند؛ ثانیاً شغلشان تبلیغ است و به این ترتیب می‌توانند در همین زمینه فعالیت کنند. از سوی دیگر طلبه‌ها اغلب مشکل مالی ندارند؛ چون شهریه می‌گیرند؛ لذا می‌توانند مثلاً صبح تا ظهر درس بخوانند و بعد از ظهر یا شب وقتشان را برای مسجد

بگذارند؛ بنابراین تصمیم گرفتیم که از میان متریبانی که با آن‌ها کار تربیتی می‌کنیم، نخبه‌هایشان را انتخاب و به حوزه علمیه‌ی مسجد دعوت کنیم.

برنامه حوزه را مثل حوزه‌های معمولی طراحی نکردیم؛ بلکه تصمیم گرفتیم خودمان با این افراد کار کنیم. هم درس‌های حوزه را آموزش می‌دهیم، هم روش‌های تربیتی و تبلیغ مثل سخنرانی را؛ تا هم مبلّغ خوبی باشند و هم با شناخت اصول مدیریت، بتوانند یک تشکیلات تربیتی- فرهنگی را اداره کنند؛ به عبارتی انسان‌هایی چندبعدی باشند.

به‌علاوه، یکی از مشکلات ما در جامعه این است که علی‌رغم افزایش جمعیت و نیازهای متنوع جامعه و توقعات گسترده از روحانیت، تعداد مدارس علمیه کاهش پیدا کرده، که بخشی از آن به دلیل مسائل مالی و اجرایی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم مدرسه علمیه‌ای در مسجد راه‌اندازی کنیم.

اصول ناظر بر کار تربیتی در مسجد

• اصل اول: مربیان فعال

یکی از الزامات مساجد خلاق، وجود مربیان فعال در آن است. مربیان، دو گروه هستند؛ امامان جماعت و سایر مربیان. وظایف خاصی برای این دو دسته در نظر گرفته می‌شود که در بیشتر آن‌ها با هم مشترک هستند. اما امام جماعت، وظایف دیگری نیز دارد که خاص خود اوست. اینک به بررسی وظایف این دو گروه می‌پردازیم.

وظایف مشترک مربی و امام جماعت

به تدریج عمل کردن

در امر تربیت باید به تدریج عمل کرد و متناسب با شرایطی که در مسجد مهیاست، پیش رفت؛ این امر باعث رشد تدریجی می‌شود.

راضی نشدن به وضعیت فعلی

یکی از لوازم کار تربیتی در مسجد، این است که مربیان هیچ‌گاه از کار خود راضی نباشند. اگر در ارتباط با يك کار از جمله فعالیت در مسجد، از کار خودمان راضی باشیم،

توقف می‌کنیم. باید نارضایتی را در خودمان ایجاد کنیم؛ نارضایتی به این معنا که برنامه‌هایی بیشتر و بهتر از برنامه‌های قبل در ذهن ما باشد و دنبال فرصت مناسب باشیم تا برنامه‌های جدید را هم اجرا کنیم.

مربیان مسجد صنعتگران با داشتن همین روحیه، فضای مسجد را به محیطی همواره جدید و نو تبدیل کرده‌اند، که پیوسته برای جوان و نوجوان تازگی دارد. داشتن این ویژگی، به خصوص برای جذب نوجوانان و جوانان به مسجد، ضروری است. بهتر است حتی محیط ظاهری مسجد تکراری نباشد؛ البته منظور این نیست که به صورت فانتزی، هرروز وسیله‌ای به مسجد اضافه کنیم؛ بلکه متناسب با زمان و مکان و اقتضائاتی که پیش می‌آید، در فضای مسجد تغییراتی ایجاد کنیم.

خودسازی، با محوریت نماز

یکی از دلایلی که می‌گوییم مسجد، محیط خودسازی باشد، آن است که می‌توان با محوریت نماز خودسازی کرد. کتابخانه و کلاس‌های مختلف که در مسجد راه‌اندازی می‌شود، باید با محوریت نماز باشد. برای اینکه کتابخانه با محوریت نماز باشد، باید در صحن اصلی مسجد قرار گیرد. با این کار نیازی نیست که به دیگران دیکته کنیم موظف هستند اول وقت در نماز جماعت شرکت کنند و یا اطلاعیه بزنیم که کتابخانه از ۱۰ دقیقه به نماز، تا یک ساعت پس از آن تعطیل است و.... نیاز به هیچ سفارشی نیست. این کار به طور طبیعی انجام می‌شود. بدون اینکه لازم باشد اعلامیه‌ای بزنید و کسی را اندرز بدهید و بخواهید روشنگری کنید، کار انجام می‌شود. وقتی کتابخانه در اطراف مسجد قرار می‌گیرد، به این معنا خواهد بود که کتاب بر محور نماز است.

مسجد نیز وقتی پایگاه خودسازی می‌شود، به معنی خودسازی بر محور نماز خواهد بود. همچنین وقتی نوجوان را برای کلاس‌های مختلف به مسجد، یعنی مکانی که نماز در آن برگزار می‌شود، می‌آوریم، یعنی درس بر محور نماز؛ تهذیب و تحصیل بر محور نماز. نوجوان وقتی آموخته‌هایش را در عمل نیز می‌بیند، تأثیرگذاری اش بیشتر می‌شود؛ مثلاً قبل از نماز کلاس دارد. به محض اینکه وقت نماز می‌شود، مربی اعلام می‌کند که کلاس تمام شد و همراه مربی به نماز می‌رود. وقتی نماز تمام شد، باز سفره کلاس پهن

می‌شود. به این طریق، محور بودن نماز به‌طور طبیعی نهادینه می‌شود. اگر توانستیم به‌طور طبیعی و در عمل، نه فقط با گفتار، به این جوان و نوجوان بفهمانیم که عمود دین نماز است، به بسیاری از اهدافمان رسیده‌ایم. وقتی مسجد، مکان خودسازی و بصیرت‌آفرینی شد، بدون آنکه تبلیغ کنیم، عمود دین، نماز می‌شود و محوریت نماز برای همگان جا می‌افتد.

رساندن انسان‌ها به دوراهی انتخاب و فعال کردن عقل آن‌ها

کاری که مربی انجام می‌دهد، رساندن انسان‌ها به دوراهی انتخاب است. اما انتخاب کردن یا انتخاب نکردن، در حیطه مسئولیت مربی نیست. این نکته‌ی بسیار مهمی است که امام جماعت وظیفه اصلی‌اش را رساندن مطلب بداند نه رساندن افراد به مقصد. به تعبیری وظیفه اصلی خودش را «بلاغ» قرار دهد. نه فقط امام جماعت، بلکه همه کسانی که دغدغه کارهای فرهنگی دارند، باید این را مسئولیت اصلی خودشان بدانند که پیام دین را آن‌چنان که هست، بشناسند و برسانند. بی‌تردید در ساختار پیام دین به اندازه کافی از جانب پروردگار، جاذبه گذاشته شده است. اگر می‌بینیم برای بعضی ذائقه‌ها، پیام‌های دین با همان شکل اصلی خودش جاذبه ندارد، به این دلیل است که ذائقه آن‌ها دچار مشکل شده است؛ نه اینکه پیام مشکل داشته باشد. برای فرد بیمار ممکن است که بهترین غذاها مضر باشد؛ لذا او از خوردن آن غذا منع می‌شود.

باید نگاهمان به مباحث تربیتی، برگرفته از این آموزه‌های قرآنی باشد که «إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ»؛ بر عهده تو جز رسانیدن [پیام] نیست (شوری، ۴۸). «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»؛ درحقیقت تو هر که را دوست داری، نمی‌توانی راهنمایی کنی لیکن خداست که هر که را بخواهد، راهنمایی می‌کند (قصص، ۵۶)؛ «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ تا کسی که [باید] هلاک شود با دلیلی روشن هلاک گردد و کسی که [باید] زنده شود با دلیلی واضح زنده بماند (انفال، ۴۲). قرار بر این است که بصیرت‌آفرینی شود، چشم انسان‌ها باز شود. «ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أُنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»؛ من و هر کس پیروم کرد با بینایی به‌سوی خدا دعوت می‌کنیم (یوسف، ۱۰۸). بنابراین ما کارمان دعوت است؛ قرار نیست که الزاماً افراد جذب شوند.

به همین دلیل برای ایجاد جاذبه‌های مصنوعی فشار نمی‌آوریم و هزینه نمی‌کنیم. ایجاد جاذبه‌های مصنوعی برای کشاندن انسان‌ها به سوی مسائل فرهنگی، نوعی توهین به عقل انسان‌ها و اهانت به اصل انتخاب‌گری آدم‌هاست. انبیای الهی، موظف بودند که انتخاب‌گری و عزم و اراده را در انسان‌ها فعال کنند، نه اینکه از بعضی سازوکارهای تضعیف‌کننده و تحت‌الشعاع‌قراردهنده‌ی اراده استفاده کنند.

از دیدگاه قرآن، انسانی که اسلام می‌خواهد بسازد، انسانی است که اراده و عزمش را تقویت می‌کند و به او راه این کار را نشان می‌دهد. قرآن می‌گوید که تو می‌توانی. تو اگر خواهی، می‌شود. اگر نخواهی، حتی اگر پیامبر بخواهد، نمی‌شود. مگر پیامبر اکرم نمی‌توانست با روش‌هایی خاص و با ضعف‌کردن اختیار و تهییج بیشتر احساسات، بدون سلب اختیار آدم‌ها، کاری کند که آدم‌ها هدایت شوند؟ مگر خداوند متعال نمی‌توانست این کار را در قرآن انجام دهد؟ خداوند در قرآن، جهنم را کاملاً آن‌چنان که هست، مطرح نمی‌کند؛ بلکه گوشه‌ها و شعبه‌هایی از آن را نشان می‌دهد تا فرد تا اندازه‌ای از آینده‌اش بترسد؛ ولی در نهایت به انتخاب و اختیار خودش تصمیم بگیرد. بهشت را هم آن‌قدر جلوه نمی‌دهد که انسان با تشویق فوق‌العاده‌ای که از طریق بهشت می‌شود، از خود بی‌خود و اراده‌اش ضعیف شود و تحت تأثیر شدید زیبای‌های بهشت قرار بگیرد و آن را انتخاب کند.

بهشت و جهنم به میزان خاصی مطرح می‌شوند و در نهایت هدف قرآن، انسان را به انتخاب رساندن و عقل آدم‌ها را فعال کردن است. تأکید قرآن «بینه» است: «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ تا کسی که [باید] هلاک شود با دلیلی روشن هلاک گردد و کسی که [باید] زنده شود با دلیلی واضح زنده بماند» (انفال، ۴۲).

اگر نگاه ما برگرفته از این‌گونه آیات قرآن باشد، طبیعی است که تعداد جمعیت برای مان حرف اول را نمی‌زند و دنبال این نیستیم که تعداد زیادی را به مسجد بیاوریم؛ بلکه هدفمان این است که انسان‌ها را روشن کنیم. حتی اگر طرف را نشناسیم، پیام را برسانیم و روشن‌گری صورت بگیرد. بسیاری کسانی که از ما پیام‌هایی را دریافت می‌کنند؛ اما خودمان متوجه نیستیم.

روش کار در مسجد باید به گونه ای باشد که ما پیام را تولید کنیم؛ یعنی آن را از آیات و روایات استخراج و ابلاغ کنیم؛ ولو اینکه ندانیم کسانی که این پیام را می گیرند، چه کسانی و کجا هستند. نباید به دنبال این باشیم که برای خودمان گروه، حزب و تشکیلات خاص درست کرده و اطرافمان جمعیت گرد آوریم؛ چون کسی که وظیفه ی خود را «بلاغ» می داند، برایش اهمیت ندارد که ۱۰ نفر اطرافش باشند یا ۱۰۰ نفر. می خواهد وظیفه اش را انجام دهد.

یادمان باشد که خود پیام جاذبه دارد و تأثیر خود را در دل های آماده می گذارد. تأمل و تدبر در پیام به ما راهکار می دهد. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسرا، ۹). همین طور که قدم به قدم آیات را کار می کنیم، فرد از هر آیه ای، پیامی را دریافت می کند. پیام ها به ما آموزش می دهد که روش برخورد با مردم چگونه باشد یا چگونه نباشد. این چگونه بودن ها و چگونه نبودن ها در روش ها، معاشرت ها و... ما را ملزم می کند که اولین قدم را در عمل به دستورات، خودمان برداریم. این کار در بهبود روند کار تأثیر می گذارد و باعث جذب نیروهای بیشتر می شود؛ در نتیجه جمعیت بیشتری در مسجد جمع می شوند.

نداشتن چشم داشت مادی

نکته جالبی که در مسجد صنعتگران رعایت می شود و شاید راز موفقیت آن باشد، این است که مسجد ما به هیچ ارگانی، از جمله آموزش و پرورش یا حوزه علمیه وابسته نیست و امام جماعت و مربیان نباید حقوق دریافت کنند. می پرسند پس چگونه زندگی خود را بگذرانند؟ پاسخ را قرآن این گونه بیان می کند: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده، ۶۶). از هر طرفی برای آن ها منبع مالی ایجاد می شود و خداوند از هر طرف برای او روزی می رساند. بنده نه تنها در مسجد از کسی حقوق نمی گیرم، بلکه شهریه هم نمی گیرم ولی خداوند متعال لطف کرده و زندگی ام را با آقایی و عزتمندانه اداره می کنم. خانواده بنده هم به همین نکته و نتیجه رسیده اند و با علم به اینکه بنده منبع مالی ثابتی ندارم، خیالشان راحت است که زمانی که پول لازم داشته باشیم، خدا خواهد رساند.

در مسجد صنعتگران، برنامه اینطور نیست که با معلمی که اینجا می‌آید قرارداد ببندیم و هر ماهی فلان مبلغ به او پرداخت کنیم. البته ممکن است گهگاهی کمک هزینه خیلی کمی به آنها بدهیم، که حتی پول نان ماهیانه آنها هم نمی‌شود. عملاً حقوقی آنچنان پرداخت نمی‌شود. پس روی چه حسابی می‌آیند اینجا؟ یک وقتی خبرنگار یکی از رسانه‌ها، از یکی از مربیان ما پرسیده بود که شما که اینجا حقوق نمی‌گیرید. پس چگونه ارتزاق می‌کنید؟ ایشان در جواب، این آیه را خوانده بود: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۱ خیلی از معلمین ما، نیمه‌های شب، رزق بچه‌هایشان را از خداوند متعال می‌گیرند.

طبق آموزه‌های قرآنی پیامبران به امتشان می‌گویند: «إِنْ أُجِرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ». یکی از زوایای نگاه قرآنی به مخاطبان و مربیان، زیرمجموعه‌ی همین گزاره است؛ یعنی مربی توقعش از مربیان، از مردم و کسانی که با آنها سروکار دارد، این نیست که زندگی مادی او را تأمین کنند. سوالی که مطرح می‌شود این است که پس از کجا معیشت او تأمین می‌شود؟ جواب این است: همان کسی که وظیفه تبلیغ و ترویج دین را بر دوش او گذاشته است، یعنی خالق این هستی، به او وعده داده است که تو در راه من گام بردار؛ زندگی مادی و معیشت تو برعهده من است.

قرار نیست که از کنار سفره دین، زندگی دنیایی مربی تأمین شود. با این نگاه برای او فرقی نمی‌کند کسانی که به حرف او گوش می‌دهند از امکانات مادی خاصی برخوردارند یا نه، به خانواده‌های ثروتمند، وابسته هستند یا نه. برایش تفاوتی نمی‌کند نوجوانی که در برنامه‌های مسجد حضور پیدا کرده، وابسته به کدام مقام سیاسی و وابسته به کدام عامل قدرت یا ثروت است. مهم این است که «إِنْ أُجِرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ». من مربی نگاهم به این افراد باید نگاه انسانی باشد؛ زیرا هریک از آنها ظرفیت خلیفه‌بودن برای خداوند متعال را دارند. اینکه وابسته به چه جناح قدرت یا ثروت و چه طبقه اجتماعی هستند، در نمره‌دادن من مربی به افرادم نباید تأثیری داشته باشد. در نظر گرفتن این نکته، تأثیر بسیار مهمی دارد در اینکه استعدادهای الهی بچه‌ها و نیروها رشد پیدا کند؛ به‌جای اینکه وابستگی‌شان به آن طبقه یا قدرت و ثروت خاص، تبدیل به حجابی روی دل شده

۱. و هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند به او روزی می‌رساند. (طلاق/ ۲ و ۳)

و عملاً مانع از آن شود که بعد انسانی خود را پیدا کنند. مربی در این سبک برخورد، همه حجاب‌ها را کنار می‌زند و با برخورد و مناعت طبع خود، ماهیت و حقیقت انسان بودن افراد را نشان می‌دهد. منشأ آن مناعت طبع هم، اتصال و ارتباط مربی با خداست، که حاضر نیست آن را به هیچ قیمتی بفروشد.

نگریستن به تربیت، به عنوان کاری که فقط خدا می‌تواند اجر آن را

بدهد

وقتی نگاه مربی به کارش این‌گونه است که آدم‌سازی، شناسایی استعداد آدم‌ها و کمک به رشد این استعدادها، کاری است که نمی‌توان هیچ قیمتی برای آن معین کرد، از اینکه ۲ ماه، ۳ سال، ۱۰ سال، ۲۰ سال وقتش را صرف تربیت بچه‌های مردم کند، احساس بیگاری نمی‌کند. معتقد است که اگر همه پول‌های عالم را بدهند، نمی‌توانند یک لحظه دلسوزی او برای متربیان را جبران کنند. اجر معلم را فقط خدای متعال می‌تواند بدهد. مربی و معلمی در فضای مسجد موفق هستند که به این باور رسیده باشند که اجر معلم را آدم‌ها نمی‌توانند پرداخت کنند؛ یعنی به ارزش کار خودشان واقف شده باشند. اگر احساس کنیم کار ارزشمندی انجام می‌دهیم، هیچ‌گاه آن کار خسته‌کننده نیست. وقتی به شهیدرجایی گفته بودند: «خسته نباشید»، ایشان گفته بود: «اگر کسی، کاری را برای خدا انجام دهد، خسته نمی‌شود. به من بگویید خدا قوت».

هرچه کاری خداپسندانه‌تر باشد، آن را خدایی‌تر می‌توان انجام داد. نگاه من معلم و مربی به شغلم، انعکاسی درخشان در ارتباط با مربی‌ای دارد که با او کار می‌کنم. این نوع نگاه را مقایسه کنید با این تفکر که من شغلی نداشتم، در مسجد نیاز به مربی بوده و من هم گوشه‌ای از کار را گرفته‌ام. نگاه دوم در مقایسه با آن نگاه اول خیلی نازل است.

تمرکز بر «بلاغ مبین»

مربی باید تمام تلاشش را بر «بلاغ مبین» متمرکز کند، نه بر جذب. وقتی مربی تمام تلاشش بر این متمرکز شود که نیرو جذب کند، ناخودآگاه به این سمت سوق پیدا می‌کند که از گوشه و کنار اسلام بزند، تا باب میل مربی شود. اما دغدغه مربی باید بلاغ مبین باشد و زمانی این اتفاق می‌افتد که اعتقاد داشته باشد خداوند متعال،

که فرستنده نظام اسلام است، در این نظام به اندازه کافی ماده جذب در نظر گرفته و در معارف دینی، عامل جذب گذاشته و وظیفه ما این است که مطلب را بیان کنیم؛ «إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ». اگر بیان کردیم و طرف مقابل پذیرفت، به سود خود اوست و اگر نپذیرفت، به زیانش است. هرچند که اگر نپذیرد غصه می‌خوریم. پیامبر هم خیلی غصه می‌خورد؛ ولی قرآن می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ» این گونه نیست که هر که شما بخواهی، هدایت شود. اراده خداوند بر این است که انسان‌ها با اراده و اختیار خود هدایت شوند. اگر بلاغ مبین را به درستی انجام دهیم، براساس قانون الهی، جذب خودبه‌خود صورت می‌پذیرد.

مبارزه با منیت

مربی باید در راستای بلاغ مبین به جذب بیندیشد. بعضی وقت‌ها جذب کردن انسان‌ها منیت مربی را اشباع می‌کند. دین آن قدر روشن است که اگر ارائه شود و کسی نپذیرد، از روی عناد نپذیرفته است.

آشنایی با معارف قرآن و اهل بیت و آشنا کردن متربیان با این معارف

ویژگی مربیان آن است که با معارف قرآن و اهل بیت آشنایی داشته باشند. چون ما قرار است انسان را تربیت کنیم، باید ابتدا او را بشناسیم و انسان‌شناسی جز از طریق شناخت قرآن و معارف آن ممکن نیست؛ بنابراین مربی باید عمیقاً اعتقاد به این داشته باشد که تنها راه تعلیم و تربیت، این است که بچه‌ها را به قرآن و نهج البلاغه نزدیک کند؛ نه اینکه بخواهد روش‌ها و برنامه‌هایی را که از این و آن یا از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان شنیده است، روی بچه‌ها امتحان کند.

کاری که مربیان در مسجد صنعتگران انجام می‌دهند، همین است که بچه‌ها را با جمله‌های کوتاه قرآن آشنا می‌کنند. رهبر انقلاب تأکید دارند که مفاهیم قرآنی را در ذهن بچه‌هایمان حاك کنیم. ایشان در تاریخ ۷۳/۹/۱۴ این طور می‌فرمایند: «هدف‌تان انس عمومی مردم با قرآن به معنی صحیح و حقیقی کلمه باشد و ببینید که این مهم چگونه حاصل می‌شود. اگر فرض کنید کسانی قرآن را بخوانند ولی هیچ انسی با آن پیدا نکنند و قرآن خوانی، صرفاً به عنوان يك کار و شغل باشد، این، مقصود شما را چندان برآورده

نمی‌کند. آن کاری که در سطح عموم می‌کنید باید کاری باشد که دل‌ها با قرآن چفت شوند. دل‌ها با قرآن بیگانه نباشند. مثلاً ۱۰ سال دیگر باید این‌گونه شود که وقتی بین ۲ نوجوان در مدرسه راجع به مسئله‌ای صحبت می‌شود، از قرآن مثال بیاورند. فرض بفرمایید راجع به ارث صحبت می‌شود، «فَلِلَّذِكْرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ» (نساء، ۱۷۶) را شاهد بیاورند. اگر گفته شود مثلاً چرا مردم در بوسنی می‌جنگند، «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» (حج، ۳۹) شاهد قرآنی باشد. یعنی کاری کنید که مفاهیم قرآنی در ذهن مردم سرریز شود.»

ایشان در جای دیگری به تاریخ ۸۳/۱۲/۱۷ می‌فرمایند: «شما به مسئله قرآن و دل مردم و ذهن مردم و اعتقاد مردم يك نگاه بلندمدت بکنید. ببینید اگر ما بخواهیم کاری کنیم که تا ۲۰ سال دیگر جوان‌ها و کودکان و نوجوان‌هایی که رو به رشد هستند، دل‌هاشان با قرآن آشنا شوند، راهش چی است؟ اولاً مفاهیم قرآنی را درك کنند؛ ثانیاً اعتقاد و گرایش و شوق به قرآن در وجودشان پیدا شود. ممکن است این کار راه ویژه‌ای داشته باشد، چیزی غیر از رسیدگی به برخی از مباحث علمی را لازم داشته باشد. ضمن اینکه مباحث علمی لازم است و باید دنبال شود. در همین زمینه بحث حَك کردن مباحث قرآنی، به صورت خود آیه‌ها در ذهن‌ها مطرح می‌شود؛ مثلاً «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (بقره، ۲۸۶) یا «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر، ۳۸). کاری بکنیم که خود جمله‌های قرآنی در ذهن نوجوانان حَك شود.» بعد توضیح می‌دهند که چطور می‌توان این کار را کرد. مثال می‌زنند و می‌فرمایند: «خیلی از مردم ما در جاهایی به این نکته تمسك می‌کنند که «دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز است.» چی شده که به این تمسك می‌کنند؟ چون حَك شده است. پس اگر مفاهیم قرآن به این شکل در ذهن‌ها حَك شود، کاربردی هم می‌شود. کأنه آیه قرآن نازل شده که دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز است. حالا کاربردهای غلط و درست آن بحثی مجزاست. ولی چطوری يك ضرب‌المثل در ذهن مردم کاربردی می‌شود؟ اول حَك می‌شود. یا مثلاً «همنشین تو از تو بُه باید» لازم است که ما مثلاً ۲۰۰ یا ۵۰۰ هزار مفهوم قرآنی را که می‌تواند سرمشق زندگی و سرمشق ذهن مردم باشد و آن‌ها را به استنتاجی برساند، جدا کنیم تا برای آن‌ها کاربردی شود.»

تجربه این مسجد دقیقاً همین را می‌گوید و ما از همین موضوع شروع کردیم. عین همین کار را در نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و خطبه فدکیه و متون دیگر دینی می‌توان انجام داد. به نظر ما، انسانی که خودش را برای ظهور آماده می‌کند، حداقل کاری که باید در باب شناخت و معرفت انجام دهد، آشنایی با این متون است.

اگر در برنامه تربیتی و تعلیمی در مسجد، قرآن را به معنی واقعی و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را به طور جدی محور کار قرار دهیم، بعد از آن احساس خواهیم کرد که مطالعه کتاب‌های علامه بزرگوار شهید مطهری و کتاب‌های دیگر مؤلفان گران قدر، در واقع تکمیل همان مطالعات و اطلاعاتی است که زیر بنا و چکیده و عصاره و اساسش را از قرآن گرفتیم. تازه آنجا می‌فهمیم که شهید مطهری یا مرحوم صفایی در کتاب‌هایشان چه می‌گویند و گاهی حتی می‌توانیم آن‌ها را نقد کنیم. در واقع نگاهمان به نوشته‌های این بزرگان، نگاه دقیق‌تری می‌شود و پی می‌بریم که این مطالب را دقیق نوشته‌اند. اگر کسی بخواهد کتاب جهان‌بینی شهید مطهری را توضیح بدهد، شاید ده‌بیست برابر حجم کتاب، توضیح لازم داشته باشد. این جهان‌بینی کلمه به کلمه و جمله به جمله‌اش با دقت نوشته شده است؛ بنابراین پرداختن به مطالعه آثار اندیشمندان بزرگواری همچون شهید مطهری و دیگران، تکمیل و در واقع راه تقویت همان اطلاعات و معلوماتی است که از طریق آیات قرآن و روایات دریافت کرده‌ایم.

توجه به تحصیل، تهذیب و ورزش متربیان

رهبر معظم انقلاب، در توصیه‌ای درباره تمرکز برنامه‌های جوان‌ها و نوجوان‌ها، سه نکته را سفارش می‌کنند: «تحصیل، تهذیب و ورزش یا تفریح مناسب». این سه محور همیشه مورد توجه کامل و تام مربیان مسجد صنعتگران بوده است. این نیاز احساس شده است که این سه ویژگی باید وجود داشته باشد تا کار پیش رود. اگر می‌خواهیم در تهذیب موفق باشیم، باید به تحصیل و تفریح بچه‌ها نیز برسیم؛ یعنی اگر هدف را تهذیب گذاشتیم، که باید چنین کرد، سازوکارهای تهذیب را نیز باید فراهم کنیم. یکی از سازوکارهای تهذیب، این است که بچه‌ها از جسم سالم و قوی برخوردار باشند. به تغذیه بچه‌ها توجه کنیم. حداقل به خانواده‌هایشان در این زمینه سفارش کنیم. اگر دغدغه داریم که بچه‌ها عمل صالح انجام بدهند، باید متوجه باشیم که همچنان‌که

برای عمل صالح اعتقادات لازم است، غذای پاک هم نیاز است. «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا» (مومنون، ۵۱). پس تغذیه سالم، تحرك لازم و بعد تحصیل بچه‌ها از اولویت‌های ماست.

قرار است در مسجد چه کسانی را تربیت کنیم؟ می‌خواهیم انسان‌هایی تربیت کنیم که در آینده مدیران جامعه اسلامی باشند. مدیران جامعه اسلامی، نباید فقط اهل نماز شب خواندن باشند و کافی نیست که ظواهر اسلامی را رعایت کنند. باید از اعتقادات قوی برخوردار باشند که لازمه آن، تعهد به اجتماعاتشان است. اگر به جامعه تعهد داریم، نباید از کنار نیازمندی‌هایی که در جامعه وجود دارد، بی‌تفاوت رد شویم. این نوجوان قرار است در آینده در جامعه مسئولیتی برعهده بگیرد. او باید بتواند در هر موقعیت و جایگاه و پستی که قرار می‌گیرد، کارآمد باشد. لازمه کارآمدی این است که خوب درس بخواند و مطالعات علمی‌اش قوی باشد.

طبق برنامه‌ریزی مربیان ما، بیشتر متربیانی که در اینجا هستند، باید در زمینه تحصیل، جزء بهترین‌ها باشند؛ نه اینکه درس‌هایشان را «هم» بخوانند؛ بلکه خوب درس بخوانند و همیشه بهترین باشند.

در اردوها مربیان مسجد حضور دارند تا اردوها توأم باشد با آموزش عملی آداب و سنن دینی به متربیان در حالات مختلف زندگی.

یکی از نکته‌های بسیار مهم که ما به آن اعتقاد داریم، این است که برنامه‌ریزی برای تقویت قدرت بدنی متربیان و بچه‌های مسجد، يك کار فانتزی صرفاً تفریحی و فقط برای جذب جوان‌ها به مسجد نباشد؛ بلکه جزء برنامه ماست؛ «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» (بقره، ۶۳) فرمود آنچه را که ما به شما دادیم، با قوت بگیرید. از معصوم سؤال کردند آیا منظور قوت قلوب است، فرمودند نه، قوت قلوب و ابدان هر دو با همدیگر.

مربی وقتی می‌تواند نیرویی موفق باشد و نیروی موفق تربیت کند، که ضمن اینکه از قوت قلبی برخوردار است و معرفت و بصیرت عمیقی دارد، به لحاظ بدنی هم انسانی ورزیده و قوی باشد. فردی که از لحاظ اعتقادی بسیار قوی است، به سلامت بدنش توجه می‌کند؛ بدنی که در دعا‌های امام معصوم علیه السلام سلامت آن، در ردیف سلامت

نفس («و السلامه فی نفسی و بدنی») و سلامت دین («و السلامه فی دینی و بدنی») یاد می‌شود. سلامت بدن چنین اهمیتی دارد.

حال که سلامت بدن این قدر اهمیت دارد، باید سازوکارهای آن را متناسب با زمان و مکان و سنین مختلف فراهم کرد. بی‌شک یکی از سازوکارها در زمان ما ارتباط با محیط‌های بیرون است؛ به‌ویژه آموزه‌های قرآن ما را به نگاه به طبیعت و انس با کوه سفارش کرده است. خداوند متعال در ده‌ها آیه قرآن، مستقیم یا غیرمستقیم، توجه ما را به کوه جلب می‌کند و از ما می‌خواهد که به کوه نگاه کنیم. نگاه به کوه همیشه این نیست که به عکس کوه نگاه کنیم؛ بلکه باید به خود کوه نگاه بیندازیم. مقدمه نگاه به کوه هم این است که به کوه برویم. منتها رفتن ما صرفاً تفریحی و برای سپری کردن اوقات نباشد؛ بلکه باید رفتن تعلیمی و تربیتی باشد. این کار زمانی میسر است که برنامه ورزشی و انس با طبیعت، زیر نظر مربیانی با ویژگی‌هایی که ذکر شد، انجام بگیرد.

نهادینه کردن کارکرد واقعی مسجد برای خانواده‌ها

برخی نگاهشان این است که مسجد، مکانی است که نماز در آن خوانده می‌شود و عده‌ای جوان هم در تابستان در آن جمع می‌شوند و برای نوجوانان کلاس قرآن می‌گذارند، اردوهای برگزار می‌شود و تفریح هم می‌کنند. فکر می‌کنند که خیلی از مکان‌های دیگر سالم‌تر و قابل اعتمادتر است. این نگاه از سابقه‌ی ۳۰،۲۰ ساله‌ای که از کارکرد مساجد در ذهن مردم هست، ناشی می‌شود. اگر بتوانیم کارکرد واقعی مسجد را با عملمان برای خانواده‌ها نهادینه کنیم و به آن‌ها القا کنیم که قرار نیست مسجد فقط اوقات فراغت نوجوان را پر بکند، بلکه می‌خواهد به جوان مسیر و راه را نشان دهد، به او بیاموزد که به چه دلیل و انگیزه‌ای درس بخواند و درس خواندن با کدام انگیزه به پوچی می‌انجامد، خانواده‌ها از این نگرش، استقبال می‌کنند و می‌پذیرند که بچه‌هایشان برای تحصیل، به مسجد رفت‌وآمد داشته باشند و در برنامه‌های آن شرکت کنند. موضوع این است که جوان نیاز به انگیزه تحصیل دارد، نباید از روی ترس و عادت درس بخواند؛ بلکه باید برای انگیزه بلندتر و مهم‌تری درس بخواند. در این‌گونه مساجد چنین انگیزه‌هایی به‌مرور شکل می‌گیرد.

بسیاری از مربیانی که برای کارهای تربیتی در مسجد حضور پیدا می‌کنند، با این انگیزه نمی‌آیند که چون بیکارند، در مسجد کار تربیتی بکنند. خود مربیان با انگیزه‌های مهمی اینجا می‌آیند؛ یعنی به این نتیجه رسیده‌اند که تربیت بهترین شغلی است انسان می‌تواند انتخاب کند؛ چون خداوند بهترین بندگان خود یعنی انبیا را بر آن گماشته است: «يُعَلِّمُهُمُ يُزَكِّيهِمْ».

اهتمام به ارتباط متربیان با پدر و مادر

وقتی انسان بر محور قرآن کار کند، ضلالت و گمراهی ندارد. در این زمینه هم قرآن به راحتی ما را هدایت می‌کند. از اولین روزهایی که نیروها وارد مسجد می‌شوند، خانواده‌ها احساس می‌کنند که فرزندانشان پدر و مادر داری‌تر شده‌اند و اطاعتشان از والدین بیشتر شده است؛ زیرا مربی براساس آموزه‌های قرآنی با متربیانش کار تربیتی انجام می‌دهد و به هیچ وجه خودش را جایگزین پدر و مادر نمی‌کند. وی معتقد است قوی‌ترین ارتباط عاطفی نیروهایش، همان ارتباطی است که آن‌ها با پدر و مادر دارند و چنانچه این ارتباط طبیعی و عاطفی فطری تقویت شود، او در رساندن پیام‌های دینی به بچه‌ها موفق‌تر است. بنابراین به جای اینکه بچه‌ها را به خود علاقه‌مند کند، سعی می‌کند با بهره‌گیری از جمله‌های خاص قرآن و روایات درمورد انس و احترام به پدر و مادر، ارتباط بین بچه‌ها را با پدر و مادرشان تقویت کند. خیلی از پدر و مادرها بعد از اینکه بچه‌هایشان به مسجد می‌آیند، به دلیل دیدن تغییر محسوس رفتار فرزند با خانواده، خود نیز جذب مسجد می‌شوند.

تربیت نیروی متخصص در زمینه پاسخ‌گویی به مباحث معرفتی

در راستای قرارگرفتن مسجد در جایگاه شایسته و شأن اصلی‌اش، که ذکر و روشنگری و بصیرت است، بعد از راه‌اندازی کتابخانه و قراردادن کتاب در موضوعات مختلف در دسترس، تربیت نیروی زبده و نسبتاً متخصص، در زمینه پاسخ‌گویی به مباحث معرفتی ضروری است. اگر در مسجد کتابخانه داشته، ولی دغدغه نداشته باشیم که به صورت مشخص برای نیروهای خاص برنامه‌ریزی کرده و آن‌ها را برای تبلیغ دین تربیت کنیم، عملاً از ظرفیت و استعدادی که این مسجد دارد، یعنی کتابخانه آن، استفاده نکرده‌ایم؛ مثل کارخانه‌ای که با ۱۰ درصد ظرفیت کار می‌کند. وقتی قرار شده که

مسجد محیط نشر معارف باشد، با کتابخانه عظیمی که از طریق هدایای مردمی تشکیل شده است، خیلی راحت می‌توان نیروهای متخصص اسلام‌شناس و مبلغ دین تربیت کرد؛ یعنی مسجد بشود محل تربیت کسانی که آشنایی عمیقی با منابع اولیه شناخت دین، یعنی قرآن و حدیث دارند.

از روزی که وارد این مسجد شدم، دنبال این بودم که بین نوجوانان و جوانانی که به اینجا مراجعه می‌کنند، با آن‌هایی که به نظرم استعداد بیشتری دارند، بیشتر کار شود. این روش را از آموزه‌های دینی گرفته‌ایم. خداوند متعال در قرآن ۱۱۴ بار می‌فرماید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». چرا رحمت در این جمله تکرار می‌شود؟ پاسخ داده‌اند که یکی رحمت خاص و دیگری رحمت عام. اگر یک مربی بخواهد از این آیه پیام بگیرد، باید بگوید که من ضمن اینکه رحمتی عمومی به همه دارم، یعنی خودم را آماده کرده‌ام که به عموم استفاده برسانم، اگر در بین جمعیت، احساس کنم بعضی افراد استعدادی بیشتر و آمادگی این را دارند که با معارف اسلامی آشنایی بیشتری پیدا کنند، نباید از کنار این استعداد آماده، بی‌تفاوت رد شوم. باید برای آن برنامه بریزم. این، یعنی به وجود آمدن مجموعه‌ای آشناتر به مباحث دین که اسم آن‌ها را «طلبه» می‌گذاریم و آن بخشی از مسجد را که این گروه را تربیت می‌کند، حوزه علمیه می‌نامیم.

در چنین فضایی تربیت شدن افرادی که در فهم و درک معارف دینی جلوتر از بقیه هستند، امری است که ناگزیر اتفاق می‌افتد. اگر مدیر این جریان عمومی مسجد، مسئول و متعهد باشد، این کار انجام می‌شود. به این ترتیب، برکاتی نصیب این مسجد می‌شود؛ چون هر نفر از این نیروهای زبده می‌تواند نیازهای معرفتی یک جمع را پاسخ‌گو بوده و برای جوانان و نوجوانان راهگشا باشد. با این روش، عملاً این مسجد، مکان تربیت مدیر می‌شود. نیروهای فراوانی داریم که اینجا تربیت شده‌اند و اکنون جای دیگری مشغول هستند. طلبه‌هایی که در حال حاضر با جوانان و نوجوانان کار می‌کنند، می‌توانند مساجد دیگر را نیز مدیریت کنند و با توجه به شرایط هر مکان، کارهای تربیتی در آن انجام دهند.

یکی از نکات مهم در مسجد محوری در باب تربیت، این است که بچه‌ها مدیر بار می‌آیند که این موضوع، برکات متعدد برای کشور خواهد داشت. اگر مساجد، محل

تربیت مدیران آینده جامعه، چه مدیر فرهنگی، چه اقتصادی و... شوند، روش تعامل با دیگران را نیز یاد می‌گیرند و می‌آموزند که در کار جمعی، نظرشان را می‌دهند؛ ولی در نهایت باید نظری اعمال شود که اکثریت جمع می‌پذیرد، نه نظر من. وقتی نظر اکثریت اعمال شد، من باید با نظر اکثریت، همراهی کنم؛ نه اینکه کنار بکشم. فرد ناگزیر در فعالیت‌های جمعی این را یاد می‌گیرد. بچه‌ها در این فضا به تدریج یاد می‌گیرند که با اعتماد به نفس، بدون اضطراب، نظرات خود را در جمع مطرح کنند. از طرفی، از همین سنین، می‌آموزند که می‌شود درباره بسیاری از موضوعات، به تبادل نظر و همفکری پرداخت.

اصول ناظر بر تربیت مربی

براساس تجربه فعالیت در مساجد دیگر و همچنین آسیب‌شناسی مربیانی که در مراکز گوناگون فعالیت کرده و دچار اشکالاتی بودند، الزامات، آموزش‌ها و شرایطی را برای مربی در نظر گرفته‌ایم.

رشد پیوسته

موضوعی که به‌وضوح مشاهده می‌کردیم آن بود که در پایگاهی که آفت و مشکل داشت، خود فرمانده پایگاه اهل مطالعه نبود؛ لذا یکی از شرایطی که برای مربی در نظر گرفته‌ایم، این است که وی از لحاظ علمی در حال رشد بوده و مطالعه روزانه داشته باشد. همان‌گونه که مربی را رشد می‌دهد، خودش هم باید رشد کند.

مربی نمی‌تواند به اطلاعات خود بسنده کند؛ چون زمانی خواهد رسید که مربی به سطح مربی می‌رسد. هنگامی که مربی احساس کند مربی نمی‌تواند نیازهایش را پاسخ دهد، او را رها می‌کند. پس لازمه کار تربیتی آن است که مربی نیز همواره رشد و پیشرفت کند.

خودسازی

گاه برخی مسئولان پایگاه‌ها دچار انحرافات اخلاقی هستند. همچنین در بعضی هیئت‌ها، چون مداح اشکالات اخلاقی دارد، کل هیئت با مشکل روبه‌رو می‌شود، یا در جلسه قرآن چون قاری قرآن مشکل دارد، بدآموزی رخ می‌دهد؛ لذا مقرر کردیم مربیان

حتماً به خودسازی بپردازند تا بتوانند جامعه‌سازی هم داشته باشند؛ زیرا در غیر این صورت منشأ فساد خواهند شد. مربی وقتی الگو می‌شود، طبیعتاً باید پیش از همه، خودش اصول اخلاقی را رعایت کند.

تقدم خودسازی بر جامعه‌سازی و کار تربیتی، به معنای محکم کردن پایه‌ها و زیرساخت‌هاست. اگر پایه‌ها سست باشد، شاید بنا تا مقدار زیادی هم بالا رود؛ ولی با تکان‌هایی نه‌چندان شدید فرومی‌ریزد و هرچه بالاتر رفته باشد، آسیب و ضررش بیشتر خواهد بود. فرایند کار تربیتی به این ترتیب است: خودشناسی، خودسازی، انسان‌شناسی، تربیت.

کار تربیتی ظرافت‌های فراوانی دارد که بی‌توجهی به آن‌ها باعث می‌شود مربی در مسیر حرکت دچار آفات و آسیب‌هایی شود؛ لذا ضروری است که مربی از لحاظ اخلاقی آن‌قدر خودش را ساخته باشد که در کار تربیتی به انحراف کشیده نشده و دچار آفت نشود. در مسجد صنعتگران نیز هر جا در کارها مشکلی پیدا می‌کردیم، با ریشه‌یابی متوجه می‌شدیم که از ضعف اخلاقی مربی ناشی شده است. هرچه مربی قوی‌تر باشد، رشد کار هم بیشتر و سریع‌تر می‌شود.

تا مربی قوی و خودساخته نباشد، نمی‌تواند تأثیر خوب و ماندگاری بر متربیان بگذارد. خود مربی باید در مسیر رشد باشد. هرچه مربیان بیشتر رشد کنند، طبیعتاً تأثیرگذاری آن‌ها هم از حیث کمی و هم کیفی بهتر و بیشتر می‌شود. یکی از شاخص‌هایی که برای مربی تعیین کرده‌ایم، این است که مربی خودش باید در ابعاد مختلف درسی، اخلاقی و... در حال تربیت بوده و مربی داشته باشد.

شیوه خودسازی مربیان

مناجات با خدا

مربی باید نگران باشد که اشتباه نکند؛ لذا باید نیمه‌شب با حالت گریان و زاری از خداوند بخواهد که او را یاری کند که اشتباه تصمیم نگیرد.

رعایت این نکته که اولویت با رشد و تعالی خود مربی است

هدف اصلی پیش از هر چیز رشد و تعالی خود مربی است. تربیت نیروها هدف بعدی است. باید ۸۰ درصد وقت مربی برای خودش صرف شود و حداکثر ۲۰ درصد، زمان برای بچه‌ها و متربیان بگذارد.

براین اساس خیلی وقت‌ها توان آن را داشته‌ایم که برای کارهای فرهنگی و تربیتی مسجد، وقت بیشتری بگذاریم؛ ولی به خاطر اینکه به رشد خودمان ضربه نخورد، این کار را انجام نداده‌ایم؛ مثلاً می‌گفتیم که شمای مربی حداکثر زمانی که می‌توانی برای فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی متربیان بگذاری، این قدر است؛ بیشتر از این مقدار نشود.

نظارت مربیان بر کار یکدیگر

مربیان از ابتدا با برگزاری جلسات مشترک، بر کار یکدیگر کنترل و نظارت دارند؛ حتی بر درس همدیگر نظارت می‌کنند که افت نکند. خیلی وقت‌ها جلسات مربیان صرفاً حالت تذکر دارد؛ یعنی بسیاری از مسائلی را که می‌دانیم، به یکدیگر متذکر می‌شویم و به بازخوانی اهداف و روند انجام کار می‌پردازیم.

مباحثه چهار حدیث امام خمینی رحمة الله علیه

برای رشد اخلاقی مربیان، کتاب چهار حدیث حضرت امام را مبنای کار قرار داده‌ایم. به این شکل که بخش‌بخش خوانده و بررسی می‌شود تا مربیان بتوانند آن‌ها را عملی کنند.

آموزش پیوسته

از آنجاکه انسان‌ها دائم در حال حرکت و تغییر هستند، شیوه‌های برخورد با مربی نیز در طول زمان تغییر پیدا خواهد کرد؛ بنابراین لازم است مربی در این زمینه نیز پیوسته آموزش ببیند.

ضرورت ایجاد نیاز در مربی برای آموزش

فرد تا احساس ضرورت و نیاز نکند، آنچه به او ارائه شود، خوب درک نکرده و به آن عمل نمی‌کند. ولی اگر به ضرورت و تشنگی رسید، خودش به دنبال آن می‌رود. مثلاً ما به طلبه‌ها (مربیان) گفتیم که احکام را بخوانید. چندروز خواندند بعد گفتند آقا حوصله‌اش را نداریم. تا اینکه به عنوان روحانی کاروان راهیان نور، به مناطق جنگی رفتند. آن قدر از

آن‌ها سؤال احکام پرسیده بودند که وقتی برگشتند، خودشان اصرار می‌کردند که باید بیشتر احکام بخوانند.

شیوه‌ی آموزش مربیان

آموزش تجربی مربیان

بخشی از فرایند آموزشی مربی، تجربی انجام می‌شود. مثلاً کلاس دراختیارش قرار می‌گیرد، ایرادات کارش را می‌گوییم و.... بخشی از آموزش آن‌ها نیز تئوری است.

جلسه رفع مشکل

ما جلسات مستمری داریم که مربیان در آن، مشکلاتشان را مطرح می‌کنند؛ اعم از مشکلاتی که در ارتباط و هماهنگی با یکدیگر داشته‌اند، که نسبتاً هم زیاد است، و مشکلاتی که در گروه و در رابطه با مربیان‌شان با آن مواجه شده‌اند. سعی می‌کنیم برای این اشکالات راه حل ارائه کنیم.

آموزش سبک تدریس

برای آموزش سبک تدریس، که شاید بعضی از این طلبه‌ها آشنایی نداشته باشند، عده‌ای از معلم‌های آموزش و پرورش، ماهی یک بار، یا هر سه هفته یک بار، با مربیان ما جلسه دارند و مربیان ما، در نحوه آموزش با این معلمان مشورت می‌کنند.

• اصل دوم: تحصیل

همانطور که قبلاً توضیح داده شد، محتوای آموزش‌های ما، براساس فرمایش مقام معظم رهبری، به سه دسته تقسیم شده است. این سه دسته عبارتند از: تحصیل، تهذیب و ورزش. برای هریک از این سه دسته، برنامه‌های مفصلی داریم که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

دروس آموزش و پرورش

بخشی از دروسی که بچه‌ها در این مدرسه می‌خوانند، در اصل همان محتوایی است که در کتاب‌های آموزش و پرورش آمده؛ به‌طوری‌که این بچه‌ها می‌توانند

به صورت متفرقه در آزمون‌های نهایی هر مقطع شرکت کرده، مدرک تحصیلی دریافت کنند. دانش‌آموزان این مسجد، تمام دروس را در حلقه‌های درسی که در مسجد شکل می‌گیرد، فرا می‌گیرند.

کلاس‌های علوم این بچه‌ها در طبیعت برگزار می‌شود و هر هفته حداقل یک بار اردو دارند.

دروس حوزوی

برای آنکه افراد بتوانند معارف اسلامی را از قرآن و احادیث استنباط کنند، به دروس حوزوی هم نیاز دارند. ما در اینجا از صرف شروع می‌کنیم؛ به این صورت که بخش‌هایی از موضوع صرف، برگزیده و انتخاب می‌شود و هر مربی، بنا بر روش و سلیقه خودش، آن را به بچه‌ها آموزش می‌دهد، سپس آن مبحث را در قرآن عملی می‌کنند. مربیان در شیوه تدریس این بخش آزاد هستند. اواسط مباحث صرف، آموزش نحو هم شروع می‌شود. ابتدا نحو مقدماتی، سپس «الهدایه فی النحو» آموزش داده می‌شود و پس از آن بلاغت، منطق، فقه و اصول. متربیان پس از گذراندن این دروس، این توانمندی را هم پیدا می‌کنند که اگر تمایل داشتند در آزمون‌های رسمی حوزه شرکت کنند. در این روش، علاوه بر آشنایی با کتاب‌های حوزه، با قرآن هم مأنوس هستند.

صرف و نحو

همان‌طور که گفته شد، اولین دروس حوزوی که به متربیان آموزش داد می‌شود، صرف و نحو عربی است. در این کلاس، قرآن، نهج البلاغه و خطبه فدکیه خوانده می‌شود. اهداف مختلفی از این آموزش‌ها دنبال می‌شود که در ادامه به تبیین این اهداف می‌پردازیم.

الف) دلایل آموزش صرف و نحو کسب توان انس و فهم قرآن و حدیث

افراد برای رجوع به قرآن و حدیث، نیاز ضروری به فهم زبان عربی دارند؛ به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی مثل اقتصاد، مدیریت و... فهم و استفاده از منابع غنی، نیازمند

آموختن زبان عربی است؛ بنابراین بچه‌ها از يك سو برای انس با قرآن و حدیث و استفاده از آن‌ها در زندگی، نیاز به آموختن عربی دارند و از سوی دیگر در صورت ادامه تحصیل باید توانمندی رجوع به منابع اصلی دینی را داشته باشند.

تقویت وضعیت تحصیلی دانش‌آموز

آموزش عربی در گروه‌ها به يك معنا، دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ هم تقویت درس عربی بچه‌ها در مدرسه و هم آموزش دروس حوزوی (یعنی صرف و نحو).

ب) شیوه‌ی تدریس صرف و نحو

۱. روش کلاسیک

روش کلاسیک در آموزش عربی، آن است که يك کتاب را به عنوان مبنا انتخاب کنند؛ مثلاً کتاب «صرف ساده» برای مبحث صرف و «الهدایه فی النحو» برای نحو، سپس درس به درس پیش روند. البته کتاب را به بچه‌ها نمی‌دهند؛ بلکه مربی بر طبق کتاب درس به درس آموزش می‌دهد. سپس سعی می‌شود مباحث آموزش داده شده در قرآن، به ویژه در مبحث آیات کلیدی، کاربردی شود؛ مثلاً پس از آموزش فعل ماضی، از بچه‌ها خواسته می‌شود که چند فعل ماضی از صفحه‌ای مشخص از قرآن استخراج کنند.

۲. آموزش با محوریت آیات کلیدی

روش دیگر صرف و نحو آن است که در قالب آیات کلیدی قرآن، سعی کنیم صرف و نحو را هم آموزش دهیم. در هر جلسه، یکی از قواعد به صورت کاربردی با بچه‌ها کار می‌شود. این شیوه به صورت درس به درس نیست؛ بلکه متناسب با آیه انتخابی، نکته و قاعده خاصی انتخاب و آموزش داده می‌شود. حتی در آموزش تجوید و روان خوانی هم می‌توان از روش دوم بهره برد. وقتی بچه‌ها با زبان عربی آشنا می‌شوند، از خواندن قرآن لذت بیشتری می‌برند؛ چون احساس می‌کنند که آن را می‌فهمند و با لغات آن آشنایی دارند.

• اصل سوم: تهذیب

اما بن‌مایه اصلی ایجاد این فضا، پیش از امر مهم آموزش، مسأله پرورش است. یعنی اصل کار تربیتی، تهذیب است. برنامه‌های آموزشی، ورزشی و... همگی برای تهذیب

است. ما برای دانش‌آموزانمان، برنامه‌ای جداگانه که صرفاً در راستای تهذیب بچه‌ها باشد، نداریم. از آنجاکه آن‌ها به اقتضای سنشان با این امور چندان میانه‌ای ندارند، سعی می‌کنیم غیرمستقیم و در قالب برنامه‌های مختلف به آن‌ها تهذیب را القا کنیم؛ لذا کار تربیتی در همه کارها و برنامه‌ها انجام می‌گیرد؛ برای مثال چنانچه در کلاس ریاضی، یکی از بچه‌ها از کسی غیبت کرد، مربی خودش را مسئول می‌داند که واکنش نشان بدهد؛ این‌طور نیست که بگوید الان، زمان درس ریاضی است، اخلاق در ساعت دیگری بیان می‌شود.

ما در همه کارها و برنامه‌ها، از ساده‌ترین کارها (مثل پذیرایی) تا مهم‌ترین فعالیت‌ها نگاه تربیتی داریم؛ از همین‌رو برای آموزش ریاضی به بچه‌ها، معلم ریاضی استخدام نمی‌کنیم؛ بلکه مربی خودشان است که ریاضی آموزش می‌دهد. برای قرآن هم از یک قاری یا معلم قرآن کمک نمی‌گیریم؛ بلکه مربی خودشان آموزش می‌دهد. کلاس برای ما، وسیله‌ای برای تربیت افراد است. کلاس یک بهانه است. ما می‌خواهیم بچه‌ها رشد معنوی و اخلاقی پیدا کنند؛ از طریق کلاس، کوهنوردی، حضور در هیئت و...

این فعالیت‌ها باعث می‌شود که بچه‌ها با مربی آشنا و همراه شوند و از او تأثیر بپذیرند. هر چند کارها گروهی اجرا می‌شود، مربی برای هر یک از اعضای گروهش، برنامه مشخصی دارد؛ زیرا شخصیت هر کدام از افراد فرق می‌کند و هر یک ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند. مربی همواره ذهنش درگیر است که با فلانی چگونه برخورد کند؟ به فلانی چه بگوید؟ بهترین روش حل مشکل فلانی چیست؟ و.... بارها پیش آمده که مثلاً مربیان ما در مورد مشکل یا مسئله یکی از بچه‌ها دو هفته فکر می‌کنند، مشورت می‌گیرند که از چه جملات و لغاتی استفاده کنند، چه مثال‌هایی را به کار ببرند و... و در نهایت حدود ۱۰ دقیقه با او صحبت می‌کنند. تک‌تک افراد برای مربی مهم هستند. این رویکرد با رویکردی که معلم سر کلاس می‌رود، درسش را می‌دهد و از کلاس بیرون می‌آید و به موضوعات دیگر کار ندارد، متفاوت است.

از برنامه‌های در نظر گرفته شده برای تهذیب، می‌توان به حضور در هیئت و نماز جمعه، آشنایی با سیره شهدا و... اشاره کرد. مهم‌ترین نتایجی که ما در این زمینه کسب می‌کنیم، ناشی از روش غیرمستقیم است.

سعی می‌شود بیش از آنکه با زبان گفته شود، با عمل به متریان نشان داده شود؛ مثل ایثارهایی که مربی انجام می‌دهد، تلاش و هزینه‌هایی که مربی می‌کند و... به‌طور کلی اخلاق و رفتار مربی است که موجب تهذیب و الگوگیری مربی می‌شود. لازمه اینکه مربی بتواند با عمل خود، مربی را تربیت کند، آن است که خودش قبلاً خودسازی کرده و اکنون نیز در مسیر رشد و تربیت باشد. همچنین اولویت‌های اخلاقی را رعایت کند. به این ترتیب، مربی نه تنها از عمل مربی می‌آموزد، بلکه عامل بودن مربی باعث می‌شود که سخنش نیز بر جان مربی بنشیند و در او اثر کند.

هیئت

دلایل برگزاری هیئت

الف) ایجاد تقویت روحیه توسل به اهل بیت (علیهم السلام)

از جمله اهداف مهم تشکیل هیئت، ایجاد و تقویت روحیه توسل به اهل بیت (علیهم السلام) در متریان است.

ب) جذابیت داشتن برنامه برای متریان

یکی از ویژگی‌هایی که برنامه‌های کوهنوردی و حضور در هیئت را برای بچه‌ها جذاب می‌کند، این است که همه بچه‌ها با هم در این برنامه‌ها حضور دارند. همین که تعداد بچه‌ها در یک برنامه زیاد باشد، برای خودشان هم جذابیت دارد.

ج) جلوگیری از حضور متریان در هیئت‌های آسیب‌زا

باتوجه به اینکه برخی هیئت‌های عزاداری دچار آسیب‌ها و آفت‌هایی شده‌اند، برگزاری هیئت در مسجد و حضور متریان در آن باعث می‌شود بچه‌ها در برنامه‌های هر هیئتی شرکت نکنند. طبیعی است که بچه‌های مذهبی، به‌ویژه در ایامی خاص، در مراسم هیئت شرکت می‌کنند. اگر برنامه‌های هیئت در مسجد و به شکل صحیح برگزار نشود، آن‌ها در جلسات دیگری شرکت خواهند کرد. به‌طور کلی اینکه بچه‌ها از جاهای مختلفی تأثیرپذیری داشته باشند، کار مربیان را سخت می‌کند.

د) ارائه مباحث ضروری برای عموم متریان در هیئت

برخی مباحث کلی که ضروری است برای همه بچه‌ها مطرح شود، در جلسات هیئت ارائه می‌شود. مربیان نمی‌توانند برخی مسائل را سر کلاس عنوان کنند؛ به دلیل اینکه شرایط گروه، اقتضای بیان آن موضوع را ندارد، یا اینکه اساساً جزو برنامه آموزشی نیست. ازطرفی ممکن است لازم باشد که آن موضوع برای بچه‌ها بیان شود؛ لذا از برنامه سخنرانی هیئت برای بیان این نوع موضوعات استفاده می‌شود.

از سوی دیگر باتوجه به اینکه همه اعضای گروه‌ها با هم در جلسه هیئت شرکت می‌کنند، فرصتی دست می‌دهد که مسئول کانون در آن حضور یابد و در جمع همه بچه‌ها تذکرات و موضوعاتی از مباحث اجرایی و تشکیلاتی و انضباطی گرفته تا مباحث اخلاقی و عقیدتی بیان کند.

شیوه‌ی برگزاری هیئت

معمولاً يك روز مشخص در هفته، که فعلاً پنجشنبه‌ها بعدازظهر است، بچه‌ها در هیئت حاضر می‌شوند. در آن روز درس‌هایی که در گروه تدریس می‌شود، تعطیل می‌شود و به جای آن بچه‌ها در برنامه هیئت شرکت می‌کنند. برنامه هیئت اول با دعا شروع می‌شود. نوع دعا هم به مناسبت‌های ایام بستگی دارد؛ مثلاً در محرم و صفر زیارت عاشورا خوانده می‌شود، ماه بعد زیارت آل یاسین و...

بعد از اتمام دعا، برنامه سخنرانی داریم که برای آن هم متناسب با مناسبت‌های ایام از افراد مختلف دعوت می‌کنیم؛ مثلاً در هفته دفاع مقدس از رزمندگان جانباز دعوت می‌کنیم. یا یکی از روحانیون حاضر در مسجد سخنرانی می‌کند. معمولاً سخنرانی‌هایی که در هیئت اجرا می‌شود، مباحثی کلی را دربرمی‌گیرد. البته گاهی، قبل از سخنرانی برنامه‌هایی مانند پخش کلیپ درباره دفاع مقدس و... هم داریم.

بعد از سخنرانی، مراسم نوحه خوانی و سینه زنی انجام می‌شود و از بین بچه‌ها اگر کسی اعلام آمادگی کند، برای مداحی، او را دعوت می‌کنیم. آخر جلسه هم پذیرایی است، که معمولاً خانواده‌های بچه‌ها بانی آن هستند. البته هیئت در مناسبت‌های خاص، برنامه ویژه هم دارد؛ مثلاً مراسم احیای شب‌های قدر را در کوه برگزار کردیم یا در جبل النور مراسم داشته‌ایم و...

هیئت، محملی است که روحیه همکاری را در بچه‌ها ایجاد می‌کند؛ چون برگزاری مراسم هیئت برعهده خود بچه‌هاست. ما فقط مسئولیت را بین بچه‌ها تقسیم می‌کنیم؛ مثلاً مسئول توزیع کتاب دعا، مسئول پذیرایی، صوت و... به افرادی مسئولیت می‌سپاریم که بین بچه‌ها وجهه اخلاقی و مثبت‌تری دارند؛ چون طبیعتاً بچه‌ها به این افراد جذب می‌شوند.

در ولادت‌ها به جای روضه‌خوانی، مولودی‌خوانی اجرا می‌شود. به‌طورکلی روضه چندان مفصل و طولانی خوانده نمی‌شود؛ چون سن بچه‌ها به‌گونه‌ای است که برخلاف بزرگ‌سالان، چندان با روضه مأنوس نیستند. بیشتر می‌کوشیم بر ابعاد معرفتی ائمه تأکید شود. البته مراسم سینه‌زنی همیشگی است. سعی می‌کنیم علاوه بر اشعاری که درباره اهل بیت خوانده می‌شود، اشعاری نیز درباره شهدا خوانده شود. به‌طورمثال شعر ثابت هیئت «یاد امام و شهدا» است که تقریباً همه بچه‌ها آن را حفظ هستند و در پایان مراسم خوانده می‌شود.

برنامه هیئت، برنامه ثابت مسجد است؛ یعنی حتی اگر دیگر برنامه‌ها به دلایلی مثلاً فرارسیدن ایام امتحانات یا تعطیلات نوروز، تعطیل شود، برنامه هیئت تعطیل نمی‌شود، تا رابطه‌ای حداقلی بین بچه‌ها و حضور در مسجد فراهم شود.

سعی می‌کنیم در برنامه‌های هیئت، خانواده‌ها را نیز مشارکت دهیم؛ مثلاً بعضی پدرها و مادرها هم در برنامه هیئت شرکت می‌کنند. دعوت از والدین و حضور آن‌ها در هیئت باعث می‌شود که مسجد را از خودشان بدانند و برای بهتر برگزار شدن مراسم هیئت و سایر برنامه‌ها کمک کنند.

نماز جمعه

بچه‌ها یک هفته در میان دسته‌جمعی در نماز جمعه شرکت می‌کنند. هفته‌های اول با مربیان می‌رفتند، پس از آنکه با مسیر آشنا شدند، در مکانی قرار می‌گذاشتیم و بچه‌ها می‌آمدند و از آنجا دسته‌جمعی در نماز جمعه شرکت می‌کردیم.

شرکت در راهپیمایی‌ها

متریان در راهپیمایی‌ها نیز به‌صورت دسته‌جمعی و بالباس بسیجی شرکت می‌کنند.

سیره شهدا

دلایل ارائه سیره شهدا

الف) تقویت ابعاد اخلاقی متربیان از طریق ارائه الگوهای ملموس

یکی از کارهایی که برای تقویت ابعاد اخلاقی متربیان انجام می‌گیرد، استفاده از سیره شهداست؛ زیرا فقط با آموزش نمی‌توان به اصلاح اخلاق پرداخت. در تربیت اخلاقی، توصیه بزرگان این است که تا جایی که می‌توانید به متربیان، الگو نشان بدهید. وقتی به مربی می‌گویید فلان جور باشد یا فلان روحیه را داشته باشد، فلان کار را انجام بدهد، طبیعتاً برای او سؤال مطرح می‌شود که آیا واقعاً کسی هست که این‌گونه باشد؟ برخی بزرگان اخلاقی گفته‌اند باید به مربی، الگو نشان داد تا راه خودش را بیابد. در این زمینه سیره شهدا می‌تواند کمک کند تا به بچه‌ها الگو معرفی کنیم.

مسائل اخلاقی را می‌توان از طریق قرآن، کتاب‌های اخلاقی یا حتی داستان‌های علما بیان کرد؛ اما نکته‌ای که در سیره شهدا وجود دارد، این است که زندگی آن‌ها برای بچه‌ها ملموس است. شهدا جزء افراد معمولی بوده‌اند؛ شهید برونسی بٔا بود. بسیاری از شهدا دانش‌آموز بوده و از مدرسه به جبهه رفته‌اند. حتی کسانی داشته‌ایم که سابقه اخلاقی و رفتاری چندان خوبی هم نداشتند ولی متحول شده و به جبهه رفته و به شهادت رسیده‌اند. این افراد توانسته‌اند سجایای اخلاقی را در خود پرورش دهند؛ در عین حال که مثل خود ما زندگی می‌کردند؛ بنابراین می‌توانیم به بچه‌ها بگوییم که اگر کسی بخواهد به خدا برسد، خیلی سخت نیست؛ لازم نیست که گوشه‌ای بنشیند و منزوی شود؛ مثلاً مطالعه کند یا... تا به خدا برسد. بچه‌ها باید درک کنند که در همان حال که مدرسه می‌روند، درس می‌خوانند و... راه رسیدن به خدا و کمال را می‌توانند طی کنند. این مهم‌ترین دلیلی است که ما سیره شهدا را انتخاب کردیم. حضرت امام فرمودند که جبهه دانشگاه است؛ لذا اتفاقاتی که در جبهه افتاده، نحوه عملیات‌ها، رفتار رزمندگان، حتی رفتار شهدا در پشت جبهه با خانواده، با دوستان و... تقریباً همه حاوی نکات مثبت اخلاقی است.

ب) سیره شهدا از حیث ابعاد تربیتی جامع و کامل است

سیره شهدا نسبت به موارد دیگر از هر نظر، مثلاً ابعاد اخلاقی، دینی، اجتماعی، سیاسی و... کامل است و برای دشمن‌شناسی، خودکفایی، همت و پشتکار، الگوی مناسبی است.

ج) عمل به تأکیدات امام و رهبری

حضرت امام و مقام معظم رهبری همواره بر استفاده از وصیت‌نامه‌های شهدا و خاطرات دفاع مقدس تأکید کرده‌اند.

د) تجربه‌اندوزی برای آینده

هدف دیگر از بیان سیره شهدا، تاریخی است. اگر ما تاریخمان را بشناسیم، می‌توانیم از تاریخ برای آینده تجربه کسب کنیم؛ بنابراین حتی آشنایی با تاریخچه دفاع مقدس و جزئیات آن، اینکه چه شد در فلان عملیات پیروز شدیم؟ چرا در فلان عملیات به اهداف نرسیدیم؟ و... می‌تواند به متریان کمک کند که برای آینده تصمیم درستی بگیرند.

ه) تقویت ایمان به غیب در متریان

درباره صفات متقین گفته می‌شود که «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (سوره بقره، ۳). بخشی از غیب، امدادهای الهی است. اگر در زندگی به امدادهای غیبی ایمان نداشته باشیم، بسیاری از کارهایمان لنگ می‌ماند. در نظر گرفتن کمک خدا باعث می‌شود که خیلی جاها امیدوار باشیم. در بحث تاریخ دفاع مقدس و سیره شهدا، موضوع امدادهای غیبی نسبتاً پررنگ است و راحت می‌توان آن را به بچه‌ها انتقال داد. باید توجه داشت که ایمان در انسان به‌مرور شکل می‌گیرد؛ بنابراین به‌طور مداوم امدادهای غیبی را در قالب مثال‌های مختلف و خاطرات گوناگون بیان کردن، باعث می‌شود که افراد کم‌کم به امدادهای الهی ایمان بیاورند و وقتی گفته می‌شود «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، واقعاً معتقد باشند که متکی به خدایی هستند که قدرتش از همه بیشتر است. آنچه ما را در دفاع مقدس پیروز کرد، همین پشتوانه بود؛ به تعبیر امام خمینی رحمة الله علیه «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

و) جهت صحیح دادن به علایق متربیان

بچه‌ها در سنین نوجوانی از کارهای هیجان‌انگیز خیلی استقبال می‌کنند و به آن‌ها علاقه دارند. این خاطرات می‌تواند به بخشی از این علاقه و هیجانات، جهتی سالم و مفید ببخشد.

ی) ترویج روحیه تکلیف‌مداری

یکی از تفاوت‌هایی که سیره شهدا با مباحثی همچون زندگی‌نامه و سیره علما دارد، روحیه جهادی نیروهای بسیجی و رزمنده است. همچنین بینشی سیاسی داشتند؛ مثلاً در اکثر وصیت‌نامه‌های شهدا مسئله حمایت از ولایت فقیه مطرح است. ترویج روحیه تکلیف‌مداری و انجام وظیفه، از طریق آشنایی با سیره شهدا ممکن است.

شیوه‌ی ارائه‌ی سیره شهدا

ابتدا یک کتاب خاطرات شهدا انتخاب می‌شود. انتخاب کتاب مبتنی است بر مطالعات قبلی مربیان که با استفاده از نظرات همدیگر به یک انتخاب واحد می‌رسند. از آنجاکه لزوماً همه داستان‌ها و خاطرات یک کتاب بیان نمی‌شوند، از میان آن‌ها تعدادی گزینش می‌شوند. در این مرحله باید کوشید که هم خاطرات جذاب انتخاب شوند و هم نحوه بیان جذاب باشد.

مربیان با اینکه قبلاً این کتاب‌ها را خوانده‌اند، قبل از کلاس مجدداً آن را مطالعه می‌کنند و با فن بیان مناسب در جلسات گروه خودشان، برای متربیان بیان می‌کنند. پس از مدتی که مربی دید شوق و اشتیاق به این موضوعات در بچه‌ها ایجاد شده است، مطالعه آزاد آغاز می‌شود. به این صورت که مربی، بچه‌ها را به قفسه کتب سیره شهدا و دفاع مقدس راهنمایی می‌کند و بچه‌ها کتاب‌هایی را انتخاب و مطالعه می‌کنند، بعد خودشان داستان‌ها و خاطرات را سر کلاس مطرح کرده یا آن را خلاصه می‌کنند. تعدادی از بچه‌ها پس از مطالعه‌ی تعدادی از کتاب‌ها، جزوه‌ای از خاطرات دفاع مقدس به صورت موضوع‌بندی ارائه کردند.

ارائه داستان و سخن‌گفتن از سیره شهدا برای بچه‌ها خیلی جذاب است. البته باید سعی کنیم که حماسه‌ها را بیان کنیم؛ مثلاً رزمندگان در والفجر با این سختی‌ها

مواجه بودند و برای غلبه بر مشکلات، کارهایی انجام دادند. اگر مربی بتواند تعجب را در ذهن متربیان در این زمینه‌ها برانگیزد، موجب می‌شود که خود دانش‌آموز علاقه‌مند به این مباحث شود و به دنبال این‌گونه کتاب‌ها برود. به‌جز حماسه‌آفرینی‌ها، پرداختن به اخلاقیات شهدا نیز اهمیت دارد؛ مثلاً بگوییم فلان شهید هم‌سن تو ۱۳ ساله بود و چنین اخلاقی داشت و چنان کارهایی انجام داد. این کار می‌تواند باعث الگوگیری متربیان شود.

در بیان سیره شهدا فقط به بیان داستان و خاطره اکتفا نمی‌شود که بچه‌ها در جزئیات خاطره و ابعاد خارق‌العاده آن متوقف شوند؛ بلکه سعی می‌کنیم مربی را در پیام‌گرفتن از خاطرات ترغیب کنیم؛ مثلاً مربی درباره پیام‌هایی که از یک خاطره می‌توان گرفت، سخن می‌گوید و نظرات بچه‌ها را در این موضوع می‌پرسد، یا این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه می‌توان امروز این پیام خاص را در زندگی خودمان عملی کرد.

برنامه‌های جانبی

برخی برنامه‌های جانبی دیگر هم به‌صورت مشترک و عمومی برگزار می‌شود؛ مثل بازدید از آسایشگاه جانبازان، مجتمع آیه‌ها و... این برنامه‌ها نظم خاصی ندارد.

• اصل چهارم: ورزش و تفریح

سومین دسته از برنامه‌های تربیتی ما در مسجد، اهتمام به ورزش است. ورزش اصلی که در دستور کار ما قرار دارد، کوهنوردی است اما درکنار آن، به ورزش‌های دیگر مثل برنامه فوتبال و کلاس رزمی نیز می‌پردازیم.

زنگ ورزش

زنگ ورزش، در اصل بهانه‌ای است که پدرها و پسرها، در خارج از خانه، کمی با هم خوش بگذرانند. در این ساعت، دانش‌آموزان را با وسیله‌های نقلیه پدرها، به زمین فوتبال می‌بریم. پدرها خودشان به‌عنوان مربی ورزش در کنار بچه‌ها هستند و با آنان ورزش می‌کنند.

کوهنوردی

کوهنوردی ورزشی قرآنی است. «أَفَلَا يَنْظُرُونَ... وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ» (غاشیه، ۱۷-۱۹). قرآن بر موضوع کوه خیلی تأکید کرده است. سعی کرده توجه ما را به پدیده‌ای به نام کوه جلب کند. وقتی می‌خواهیم با رویکرد قرآنی برای بچه‌های مسجد تفریح بگذاریم، می‌بینیم که اولویت با کوه است؛ لذا این برنامه را در دستورکار خود قرار می‌دهیم و مربیان هم در طول هفته که با مربیان کلاس دارند، بر برنامه کوه که جمعه برگزار می‌شود، تأکید می‌کنند؛ یعنی دانش‌آموزان را آماده و به شرکت در برنامه کوه ترغیب می‌کنند. از آنجاکه برنامه در روز تعطیل برگزار می‌شود، بیشتر بچه‌ها دوست دارند که بخوابند؛ لذا لازم است که به آن‌ها انگیزه بدهیم که نه تنها از خوابشان بزنند، بلکه از کوه هم بالا بروند! آن مربی‌ای موفق است که بتواند در طول هفته دانش‌آموز را توجیه کند که برای چه به کوه می‌رویم، هدفمان چیست و چه فایده‌ای دارد. مربیان علاوه بر اینکه در طول هفته به آن‌ها انگیزه می‌دهند، بروسایلی که لازم است بیاورند نیز تأکید می‌کنند.

فواید کوهنوردی

تقویت قوای جسمانی

کوهنوردی ورزش است و باعث تقویت جسم می‌شود.

تقویت اراده مربیان

یکی از مسائلی که خیلی در کوهنوردی مهم است، تقویت اراده انسان است که نتیجه آن را، هم در درس و هم در زندگی می‌توان دید.

تقویت اخلاق مربیان

یکی از اهداف مهم کار تربیتی، ارتقای اخلاقی مربیان است. کوهنوردی در ظاهر یک ورزش جسمی دیده می‌شود؛ درحالی‌که در باطن، بر روح افراد و اخلاق آن‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث اعتماد به نفس و خودباوری، روحیه اطاعت‌پذیری، نشاط و زنده‌دلی می‌شود. وقتی که انسان به دامن طبیعت می‌رود و نعمت‌های خداوندی را از نزدیک مشاهده می‌کند، روحیه و نشاط کسب می‌کند. انسان در کوه، عظمت خدا را می‌بیند و کوچکی خودش را احساس می‌کند؛ در نتیجه دنیا برایش کوچک می‌شود.

برخی دانش‌آموزان می‌گفتند قبل از شرکت در برنامه کوهنوردی، آدم ترسویی بوده‌اند اما از وقتی که به کوه می‌روند ترسشان ریخته است. برای مثال قبلاً از تاریکی و بلندی می‌ترسیده‌اند؛ ولی بعد از چندین برنامه کوهنوردی، ترس آن‌ها از بین رفته است؛ یعنی یک ردیله اخلاقی به وسیله کوهنوردی از بین رفته و تبدیل به شجاعت شده بود. یکی از بچه‌ها نامه‌ای نوشته بود که «چون در خانه خیلی به من می‌رسیدند، بچه لوسی بودم ولی از وقتی به کوه می‌رویم، به طور کلی روحیاتم عوض شده است.»

امروزه حدود ۶۰،۷۰٪ پسران جامعه به آفت اخلاق دخترانه مبتلا هستند، چون بیشترشان در منزل با مادران سروکار دارند. با برنامه ۶ ماه تا یک ساله کوهنوردی، این اخلاق برطرف می‌شود. کوهنوردی بچه‌ها را از سن ۱۲،۱۳ سالگی مرد بار می‌آورد.

مادر اخلاق به صورت تئوری می‌خوانیم که ایثار کنید، انفاق کنید و.... کوهنوردی، مجال و فرصت عملی کردن این آموزه‌ها را فراهم می‌کند. برای مثال در فضای بالای کوه که آب در دسترس نیست، بچه‌ها آبی را که همراه خودشان آورده‌اند، به دیگران تعارف می‌کنند. از طرف دیگر کوهنوردی، بچه‌ها را متواضع و خاکی تربیت می‌کند؛ برای مثال مجبورند روی زمین خاکی بنشینند و صبحانه بخورند یا مثلاً شب‌ها برای خوابیدن باید حفره روباه بکنند و درون آن بخوابند.

تقویت رابطه‌ی مربی و متربی

کوهنوردی، رابطه‌ی میان مربی و متربی را خیلی تقویت می‌کند؛ به گونه‌ای که در کلاس‌هایی که در طول هفته برگزار می‌شود، این رابطه خودش را نشان می‌دهد. یعنی صمیمیت بین مربی و متربی را افزایش می‌دهد.

کامل شدن شناخت مربی از ویژگی‌های متربی

خیلی از نقاط قوت و ضعف بچه‌ها که در فعالیت‌های دیگر شناخته نمی‌شود، در کوهنوردی بروز می‌یابد و شناخته می‌شود؛ لذا مربیان شناخت کامل‌تری از متربیان کسب می‌کنند؛ مثلاً معلوم می‌شود که فلان دانش‌آموز خیلی لوس است. روحیات متربیان آنجا به خوبی مشخص می‌شود؛ درحالی‌که این اطلاعات را با روش‌های دیگر با این دقت

نمی‌توان کسب کرد. گرچه قبل از ثبت‌نام قطعی مربیان، با آن‌ها مصاحبه می‌کنیم، شناختی که از دانش‌آموز در برنامه‌ای مثل کوهنوردی حاصل می‌شود، خیلی عینی‌تر و دقیق‌تر است؛ چون ممکن است که فرد در مصاحبه اطلاعات نادرست بدهد و....

خیلی از نکات ریز اخلاقی مربیان در کوهنوردی شناخته می‌شود. وقتی اخلاق و منش مربی شناخته شد، خیلی راحت می‌توان به دنبال اصلاح اخلاقی بود؛ مثلاً به دانش‌آموز تذکر داد که مشکل شما این است، حسادت می‌کنی و.... حتی می‌شود موضوع را بدون آنکه آشکارا به یک نفر تذکر بدهیم، در جمع به عنوان یک تذکر عمومی مطرح کنیم.

تقویت مدیریت بر خویشتن

شرکت در کوهنوردی باعث می‌شود فرد، توان مدیریت خود و امکاناتش را به دست آورد؛ به طور مثال مدیریت جیره غذایی که همراه خود می‌بریم. مطرح نبودن برد و باخت در کوهنوردی و....

تنها در ورزش کوهنوردی است که در آن برد و باخت مطرح نیست و همه تلاش می‌کنند تا به یک برد دسته‌جمعی برسند. این‌گونه نیست که یک تیم ببرد و یک تیم ببازد؛ لذا صحنه‌های خیلی زیبایی در آن رخ می‌دهد؛ مثلاً یکی به دیگری در صعود کمک می‌کند یا به کسی که آب یا جیره غذایی کم آورده کمک می‌کنند.

در مسابقات ورزشی عمدتاً یک طرف برنده است و یک طرف بازنده. طرف برنده، مغرور و طرف بازنده دچار سرشکستگی می‌شود؛ ولی در کوه همه با هم برنده هستند و در عین حال مشخص می‌شود که چه کسی قوی‌تر است و چه کسی ضعیف‌تر. آن که توانایی دارد، تندتر و بیشتر برود و یا توانایی تحمل تشنگی را بیشتر دارد، هوای کسانی را هم که ضعیف‌تر هستند، دارد. از آنجاکه کوهنوردی، ورزشی جمعی است، اگر پیروزی باشد، پیروزی همه است و اگر شکست باشد، شکست همه است.

تقویت روحیه خودباوری

تکرار کوهنوردی باعث می‌شود که بچه‌ها در این رشته ورزشی، حرفه‌ای شوند و در نتیجه فوق‌العاده به خودباوری می‌رسند؛ به گونه‌ای که می‌توانند با حداقل امکانات تا

ارتفاعات ۳۰۰۰ متر نیز صعود کنند. درحالی که بسیاری از کوهنوردان حرفه‌ای نیز تعجب می‌کنند که این دانش‌آموزان چگونه در این زمینه این قدر توانمند هستند.

تقویت اطاعت‌پذیری

یکی از فواید کوهنوردی، تقویت بُعد اطاعت‌پذیری است؛ به این گونه که در کوهنوردی اعضا، حتی از مسئولی که سنش از آن‌ها کمتر هست، در زمینه‌ای که مسئولیت دارد، تبعیت می‌کنند. سلسله‌مراتب را هم رعایت می‌کنند.

جامعیت

کوهنوردی اکثر نقاط قوت و مثبت ورزش‌های دیگر را در خودش جمع کرده است و ویژگی جامعیت را دارد.

نیاز اندک به امکانات و بودجه مالی

در دسترس بودن کوهنوردی و کم‌هزینه بودن آن از نکات مثبت این ورزش است. همراه بچه‌ها با اتوبوس‌های شرکت اتوبوس‌رانی تا پای کوه می‌رویم و با همان اتوبوس‌ها هم برمی‌گردیم. جیره غذایی (صبحانه، ناهار و...) را خود بچه‌ها از منزل می‌آورند؛ لذا تنها هزینه ما، همان بلیت اتوبوس است.

استفاده از هوای پاک

هوای پاکیزه طبیعت در روحیه افراد تأثیر مثبت می‌گذارد. افراد هوای سالم تنفس می‌کنند، درحالی که اگر در محیط بسته یا شهر ورزش کنند، خیلی وقت‌ها به علت آلودگی هوا آسیب هم می‌بینند.

کم‌خطر بودن کوهنوردی

کوهنوردی نسبت به ورزش‌های دیگر، خسارت‌های کمتری دارد و کمتر باعث آسیب دیدگی می‌شود.

تمرین کار تشکیلاتی و جمعی

در حال حاضر تشکیلاتی کار کردن خیلی مهم است. در کوهنوردی، بچه‌ها تشکیلاتی

و گروهی عمل کردن را با هم تمرین می‌کنند؛ مثلاً یاد می‌گیرند گروه مدیری دارد، معاونی هست و... تقسیم اعضا به گروه‌های مختلف تحت عنوان گردان و... باعث می‌شود که تشکیلاتی کارکردن برای متربیان ملموس شود.

اردو

ما تقریباً هفته‌ای یک اردو برگزار می‌کنیم. اولین کاری که ما در هر اردویی در بیرون شهر انجام می‌دهیم، این است که یک مسجد آن روستا یا شهرستان را انتخاب و شروع به تمیز کردن آن مسجد می‌کنیم. اگر یک مقداری هم کارهای تعمیراتی مختصری داشته باشد، پدرانی که همراهان هستند، آن کارها را انجام می‌دهند. یعنی معمولاً وقتی ما یک اردویی می‌رویم، وقتی از آن اردو بر می‌گردیم، آن مسجد تقریباً یک غبارروبی خیلی اساسی شده و بعضی از جاهای آن، تقریباً نیمه‌بازسازی شده است.

• اصل پنجم: ارتباط با خانواده متربیان

پدر و مادر، مربیان اصلی و معلمان ما به عنوان پشتیبان والدین هستند به همین دلیل تمام سعی ما ورود دادن والدین دانش‌آموزان به مسجد و شرکت آن‌ها در فرایند آموزش فرزندشان است. ارتباط ما با خانواده‌های متربیان، جزء برنامه‌های اصلی مسجد است. این ارتباط‌گیری، اهداف و شیوه‌هایی دارد.

اهداف ارتباط با خانواده‌ها

متصل کردن متربی به خانواده خود

در کار تربیتی باید مبنا را بر ارتباط دانش‌آموز با والدینش بگذاریم؛ چون اصل تربیت با پدر و مادر است. مربی، وکیل پدر و مادر است. در اینجا متربیان را به خانواده‌هایشان متصل می‌کنیم، برخلاف بسیاری از مساجد که بچه‌هایی که در آنجا فعال هستند، از خانواده‌شان دور می‌شوند. پذیرفتن این دیدگاه مستلزم ارتباط منظم مربی با پدر و مادر متربی است. نحوه کار ما پدر و مادر محور است؛ نه مربی محور. برای همین دانش‌آموزان ما شنبه و یکشنبه به مسجد می‌آیند و دوشنبه تعطیل هستند؛ به این معنا که در این روز مدرسه در منزل است و به قول بچه‌ها

در این روز خادم‌الخانه هستند. در این روز اغلب کارهای خانه به عهده دانش‌آموز است.

از نگاه قرآن و روایان، مربی اصلی انسان، والدین هستند. ما نباید به دلیل اینکه می‌خواهیم بچه‌مان را بگذاریم در مدرسه درس بخواند، خودمان را از این سهمی که خداوند متعال برای تعلیم و تربیت، برای ما قرار داده است، محروم کنیم. اولاً این حق پدر و مادر است که در تعلیم و تربیت فرزندشان نقش داشته باشند. ثانیاً وظیفه آنان است.

حضور پدرها و مادرها در مدرسه مسجد صنعتگران، نه اختیاری، که در روزهای خاصی از هفته کاملاً الزامی است؛ حضوری که البته خالی از معنا نیست. این والدین، در بسیاری از امور جاری مدرسه، نقش فعالی دارند؛ از حفظ نظم و آرام نگاه داشتن این فضا گرفته، تا نقل و انتقال بچه‌ها به زمین ورزش و اردوهایی که به طور مستمر در ماه، برپاست. علاوه بر این، والدین، در بسیاری از کلاس‌های دینی و تربیتی، پایه‌پای فرزندانشان، در حال یادگیری هستند.

ما در تلاشیم تا از مسجد، در جهت تقویت هرچه بیشتر بنیان خانواده استفاده کنیم: «ما نباید اجازه دهیم، که حرف‌شنوی دانش‌آموز از مربی، بیش از والدینش باشد. نظام تربیتی‌ای، نظام تربیتی ولایی و اهل بیتی است که در آن نظام تربیتی، مربی کاری کند که حرف‌شنوی دانش‌آموز از والدینش بیش از مربی مسجد باشد. یکی از راهکارهای اجرایی این اصل، آن است که ما روز اول به پدر و مادرها بگوییم که نظام تربیتی ما اینگونه است. اینکه در آموزش و پرورش، شما اول سال بچه را تحویل می‌دهید و آخر سال، بچه را تحویل می‌گیرید، این همان نظام آموزش غربی است، که بچه‌ها را از همان اول، از خانواده تفکیک می‌کند و فرزندان را دولت تربیت می‌کند. ما در نظام تربیتی اسلامی، تربیت دولتی نداریم. کار دولت فقط نظارت است.

اطلاع خانواده‌ها از برنامه‌های مدرسه-مسجد

برای اینکه خانواده‌ها با فضای کاری مدرسه-مسجد مأنوس شده و از برنامه‌های بچه‌ها در مسجد مطلع شوند، لازم است با آن‌ها در ارتباط باشیم.

آگاهی مربیان از رفتار و ویژگی‌های متربی در محیط خانواده

یکی از منابعی که مشکلات متربی را روشن می‌کند، خانواده است. خانواده‌ها به مرور زمان، معمولاً بعد از يك سال که به مربی و مجموعه اعتماد می‌کنند، رفتار و خصوصیت اخلاقی فرزندشان را به آن‌ها می‌گویند. متربی برخی مشکلات رفتاری و اخلاقی خود را در حضور مربیان بروز نمی‌دهد، بلکه در محیط خانواده آن‌ها را آشکار می‌کند و برعکس. ارتباط منسجم بین خانواده و مربیان باعث حل مشکلات متربی می‌شود.

هم‌افزایی در امر تربیت

وقتی ارتباط بین خانواده‌ها و مربیان پیوسته و کارآمد باشد، از يك طرف مربی به بچه‌ها تأکید می‌کند که حرف خانواده را گوش کنند و از طرف دیگر خانواده، متربی را به شرکت در برنامه‌ها و گوش کردن حرف مربی ترغیب می‌کند؛ این رفتار باعث هم‌افزایی در فعالیت تربیتی می‌شود.

شیوه‌ی ارتباط با خانواده‌ها

الزام به حضور خانواده متربی هنگام ثبت نام

هر کس بخواهد عضو مدرسه شود، برای ثبت نام حتماً باید با والدین خود مراجعه کند تا پیش از هرچیز پدر و مادر را درباره کارهای مدرسه توجیه کنیم.

جلسات منظم ماهیانه

اساس کار تربیتی بر ارتباط با خانواده‌هاست. هر ماه با خانواده‌های مربیان جلسه‌ای برگزار می‌شود که در آن، مربیان گزارشی از برنامه‌های اجرا شده و آتی به والدین ارائه می‌کنند؛ همچنین عملکرد هر متربی را به خانواده‌اش گزارش می‌دهند (غیبت، تأخیر، وضعیت درسی، میزان همکاری و...). در این جلسه مربیان همچنین از وضعیت متربی در منزل آگاه می‌شوند که آیا مشکلی دارد یا خیر؛ مشکلی هست که مربی بتواند آن را حل کند یا خیر و....

در هر جلسه ابتدا صحبت‌های عمومی توسط مسئولین و مربیان مدرسه بیان می‌شود و در پایان جلسه، پدر و مادرها به صورت خصوصی سراغ مربی فرزند خود می‌روند.

کلاس آموزشی برای اولیا

دانش آموزان پس از مدتی که آموزش می بینند، در برخی زمینه ها از پدر و مادرشان جلو می افتند و بین آنان تنش و تناقض پیش می آید؛ تلاش می کنیم این تناقض را در کلاس هایی که برای پدر و مادرها برگزار می کنیم، رفع کنیم. این کلاس های آموزشی برای خانواده ها به ویژه مادران که ارتباطشان با مربیان بیشتر است، برگزار می شود. هفته ای یک یا دو جلسه برای مادرها کلاس برگزار می کنیم که موضوع آن، اغلب همان بحث آیات کلیدی است. این کلاس ها به ایجاد دیدگاه های مشترک بین اعضای خانواده بسیار کمک می کند.

جلسات خصوصی با خانواده هریک از مربیان

علاوه بر جلسات عمومی، در شرایط خاص یا در فواصل زمانی منظم، جلساتی خصوصی با خانواده هریک از مربیان برگزار می کنیم. همچنین در موارد خاص مثلاً درمورد مشکلی فوری یا سؤالی خاص و... به صورت تلفنی با خانواده ها صحبت می کنیم.

الزام به حضور پدر و مادر در کلاس درس

نکته مهمی که ما خیلی بر آن تاکید می کنیم، حضور خود پدر و مادرها در مسجد است. حداقل یک نفر از پدر و مادرها باید هر روز کنار دانش آموزش در کلاس حضور داشته باشد و این جزو شرایط اجباری ماست. یکی از مبانی که ما روی آن خیلی تأکید می کنیم، این است که مربی در حاشیه است و آموزش اصلی را باید پدر و مادر به فرزند خود بدهد. یعنی مربی فقط خط می دهد و پدر و مادر در خانه امور تربیتی فرزندان خود را پیگیری می کنند. به خاطر همین، در کلاس ها حضور دارند و به ما کمک می کنند. در تمام اردوها هم پدرهای این دانش آموزان حضور دارند.

سطح علمی دانش آموزان

در سال ۱۳۹۴، که بنای آموزش و پرورش، بر پلمپ کردن این مسجد بود، مدیر کل آموزش و پرورش استان خراسان رضوی، به شورای تأمین استان شکایت کرده بود. ایشان در متن شکایت نامه نوشته بود، اینها بچه های با استعداد این شهر را جمع کرده اند و پیش بینی می کنیم که امنیت اجتماعی شهر را به هم بریزند. برای ما سؤال

است که ایشان از کجا فهمید که ما بچه‌ها با استعداد را جمع کرده‌ایم؟! درحالی‌که ما اصلاً فیلتر علمی نداریم. اینها نمره‌ها را نگاه کرده بودند، دیده بودند که این بچه‌ها علی‌رغم پیش‌بینی آنها، که فکر می‌کردند از لحاظ علمی سطح پایینی دارند، برعکس دیده بودند که این بچه‌ها در این درس‌ها چقدر نمره‌های خوبی دارند! روی این حساب، فکر می‌کردند که ما برای این بچه‌ها فیلتر گذاشته‌ایم. ما اصلاً سوابق درسی بچه‌ها را نگاه نمی‌کنیم. همین که می‌بینیم کسی می‌آید به اینجا، که خودش و پدر و مادرش علاقه دارند که در اینجا درس بخواند و از این فض اخوششان بیاید، برای ما کافی است و قبولشان می‌کنیم.

دانش‌آموزان ما از لحاظ درسی و استعداد، خیلی با هم متفاوتند؛ ولی میانگینشان، همان چیزی است که آقای مدیر کل گفته است؛ دانش‌آموزان با استعداد. رمز این کار چیست؟ ما مهندسين و معلمين زيادی از همين آموزش و پرورش داریم، که وقتی وارد این فضا می‌شوند و مطلع می‌شوند که چنین فضایی در این مساجد هست، به ما مراجعه می‌کنند که ما حاضریم در خدمت شما باشیم. هر وقت کار داشتید، به ما خبر بدهید که ما فلان درس‌ها را بلدیم تدریس کنیم. لذا خیلی راحت و به رایگان، می‌آیند به بچه‌های ما درس می‌دهند.

خروجی مدرسه

گاهی از ما سؤال می‌کنند که این بچه‌ها در آینده چه کاره می‌شوند؟ دکتر، مهندس، آیت الله، ...؟ جواب ما این است که هیچ کدام از اینها برای ما ارزش نیست. چیزی که برای ما ارزش اصلی است و اگر این بچه‌ها آن شدند، ما می‌فهمیم که موفق شده‌ایم، «انسان شدن» است. اگر کسی انسان شد، بعد وظیفه خودش را انجام می‌دهد. اگر وظیفه‌اش این شد که مهندس شود، در یک زمان کوتاه، مهندس می‌شود؛ مهندسی که به حقوق نجومی فکر نمی‌کند. مهندسی که به سودرسانی فکر می‌کند؛ نه سودجویی. چطور می‌شود که انسان‌ها انسان می‌شوند؟ به برکت انس با انسان‌های عالی. وقتی با خوبان انس و الفت داشته باشیم، به تدریج از خوبان رنگ می‌گیریم.

آسیب‌شناسی فعالیت‌های تربیتی در مسجد

این سنخ کار تربیتی، همان‌گونه که رشدش زیاد است، انحرافاتش هم جدی است. این انحرافات ممکن است به مراحل حاد جنسی کشیده شود که ما در فعالیت‌های نهادهای فرهنگی دیگر شاهد آن بوده‌ایم. آسیب‌ها را از دو نظر می‌توان بررسی کرد؛ آسیب‌ها و آفات مربوط به مربی و آسیب‌ها و آفات مربوط به مربی.

• گفتار اول: آسیب‌ها و آفات مربی

غفلت مربی از خودسازی

معمولاً مربیان و فعالان کارهای تربیتی و فرهنگی در کار گم می‌شوند. بعد از مدتی مربی متوجه می‌شود که تمام وقت را صرف مربیان کرده و حالا به پوچی رسیده است؛ چون همیشه از کارش نتیجه گرفته است و زمانی به خود می‌آید و می‌بیند که دیگر حرفی برای گفتن ندارد.

دل بسته شدن مربی به مربی

از جمله مهم‌ترین و شایع‌ترین آفت‌هایی که گریبان‌گیر مربیان می‌شود، دل بسته شدن آن‌ها به مربیانشان است. هرچند در پسرها بیشتر شایع است، میان دختران نیز دیده می‌شود. در پسران مشکل این است که احتمال اینکه موضوع به مسائل جنسی کشیده شود، زیاد است.

این آفت به‌ویژه در مربیانی که مجرد هستند، خیلی بروز و ظهور دارد. برخی افراد می‌خواهند جای خالی خانواده را با دانش‌آموزان پر کنند؛ مثلاً در مواردی گروه را از يك مربی می‌گرفتیم، می‌دیدیم که تا يك هفته، مربی از خواب و خوراک می‌افتد و وضعیت آشفته‌ای پیدا می‌کند و به‌طور کلی زندگی‌اش مختل می‌شود؛ درحالی که همان مربی قبل از آن شکایت می‌کرد که همه وقتش را برای گروه می‌گذارد و از دیگر کارهایش باز می‌ماند و درخواست داشت که گروه را از او بگیریم تا مسئولیت از دوشش برداشته شود.

راه حل

مراقبت بر انگیزه مربی از ارتباط با مربی

ارتباط مربی با مربی باید براساس ضرورت باشد؛ اگر مربی بر خودش کنترل نداشته باشد و خودسازی نکند، ممکن است که این ارتباط بر مبنای خواسته دلش ادامه یابد که این، آغاز انحراف است. مربی باید مدام از خود بپرسد که ارتباط بین او و مربی برای چیست؟ برای تربیت و رشد مربی است یا به خاطر ایجاد دل بستگی و وابستگی روحی بین او و مربی؟ آیا حاضر است گروه را به مربی دیگری بسپارد؟

توصیه همیشگی ما به مربیان آن بوده است که نیرو را به خودشان جذب نکنند؛ بلکه به مسجد جذب کنند. مربی همچنین باید بر خودش کنترل داشته باشد.

متأهل بودن مربی

یکی از راه حل های مهم این است که مربی مجرد نباشد؛ چون این آسیب عمده تدر مجردها خود را نشان می دهد.

• گفتار دوم: آسیب ها و آفات مربوط به مربیان

تشکیل گروه سایه

یکی از شیوه های حفظ نیرو در مسجد، آن است که مربی دانش آموز را ترغیب کند که با بچه های مسجدی و هم گروهش رفیق شود. اگر مربی کنترل و نظارت کافی نداشته باشد، پس از مدتی مشاهده خواهیم کرد که این افراد با هم یک تیم شده اند و با مدیریت یکی از بچه ها، به اصطلاح گروه سایه تشکیل می شود و خودشان برای خودشان برنامه می گذارند. این موضوع گاه تا آنجا پیش می رود که مربی از مربی قوی تر می شود و گروه را او هدایت می کند. مربی می گوید فلان کار را بکنید، او می گوید نه؛ البته ممکن است این مخالفت جلوی مربی نباشد. گاه بچه ها به خانواده می گویند که می رویم مسجد ولی سراغ برنامه های خودشان می روند. مربی افرادی را که قبلاً با هم آشنایی نداشته اند، با هم آشنا کرده است؛ ولی آن افراد از مدیریت مربی خارج شده اند. گاهی تشکیل گروه های سایه بسیار آسیب زا می شود؛ مثلاً بچه ها با هم قرار

می‌گذارند به کلوپ بروند و حتی ممکن است بین اعضا، به‌ویژه در دروه دبیرستان رابطه‌های غیراخلاقی پیش بیاید.

در سال اول به دلیل اینکه عمده‌تاً بچه‌ها چندان همدیگر را نمی‌شناسند، کنترل مربی بر گروه بیشتر است اما ممکن است بعد از يك سال ارتباطات عاطفی بین بچه‌ها خیلی زیاد شود و هرکاری را انجام دهند. ارتباطات وقتی خیلی گسترده شد، به مشکلات جنسی کشیده می‌شود؛ حتی بین بچه‌هایی که درون يك گروه هستند.

راه حل

مدیریت قوی مربی بر گروه و کنترل روابط اعضا

مربی باید آن قدر قدرت داشته باشد که همواره محوریت گروه را برعهده داشته باشد. او باید بتواند رابطه‌ها و صمیمیت اعضا را کنترل کند. اگر ارتباطات میان اعضای گروه کنترل نشود، گروه از دست مربی خارج می‌شود. اگر یکی از اعضای گروه، نظم گروه را برهم زند یا در مدیریت و محوریت مربی در گروه اختلال ایجاد کند، باید تذکر داد یا فرد را به گروه دیگری منتقل کرده و در اقدام نهایی از مجموعه اخراج کرد.

ارتباط با والدین

یکی از شیوه‌های ما برای رفع این موضوع، ارتباط با اولیای متربیان است. به این ترتیب که برنامه خودمان را به آن‌ها اعلام می‌کنیم و از آن‌ها می‌خواهیم که به غیر از ساعات اعلام شده، به بچه‌ها اجازه حضور در مسجد ندهند. ارتباط مستقیم خانواده با مربی بسیاری از آفات را حل می‌کند.

تشکیل گروه‌های تربیتی از دانش‌آموزان هم‌سن

یکی از دلایل اصرار ما بر گروه‌بندی سنی، جلوگیری از همین آسیب‌هاست. وقتی فاصله سنی اعضای گروه کمی با هم تفاوت می‌کند، در برخی موارد حتی فاصله سنی یک‌سال، امکان بروز چنین مشکلاتی بین اعضای گروه پیش می‌آید.

ضربه خوردن به ارتباط متربی با خانواده

یکی از مشکلاتی که از اول انقلاب تاکنون در مساجد با آن روبه‌رو هستیم، این است که مسئولان و فعالان مسجد برای آنکه جوانان را جذب مسجد کنند، آن‌ها را از خانه و خانواده جدا می‌کنند؛ یعنی ناخواسته روابط والدین و فرزندان را تخریب می‌کنند تا آن‌ها را جذب مسجد کنند. این کار ضربه بزرگی به متربیان وارد می‌کند.

راه‌حل

در مسجد صنعتگران، نظام تربیتی متربیان مبتنی بر تقویت روابط فرزندان با والدین است. قرآن بارها بر موضوع «نیکی به پدر و مادر» تأکید کرده است. یکی از کارهایی که ما بچه‌ها را به آن ترغیب می‌کنیم، آن است که حتماً دست مادرت را ببوس، حتماً کارهای خانه را انجام بده، سعی کن در نیکی به پدر و مادر از همه اعضای خانواده جلوتر باشی. قرآن می‌فرماید: «أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ» (لقمان، ۱۴) از من خدا و والدینت تشکر کن. معلوم می‌شود که این یک اقیانوس فوق‌العاده است و اتفاقاتی می‌افتد که نمی‌توان آن را محاسبه کرد.

نقد طرح

این قسمت، حاصل مصاحبه از کسانی است که انتقاداتی به طرح مدرسه- مسجد صنعتگران داشته‌اند. لذا بدون دخل و تصرف، به بیان آن می‌پردازیم.

• نداشتن طرح مدون و مکتوب

این نقصان باعث شده است که نتوان به راحتی طرح مدرسه- مسجد صنعتگران را در ورطه ارزیابی قرار داد. البته این مدون نبودن، پیامد دیگری هم دارد و آن اینکه این طرح، مدل مدرسه داری نیست و به اقتضای افراد و شرایط تغییر می‌کند. این تغییرات باعث شده است که مسجد در ادوار مختلف، نتایج متفاوتی از کارش بگیرد و دارای فراز و نشیب باشد. بهترین گواه آن هم این است که افرادی که از این مسجد جدا شده‌اند و در جای دیگری مدرسه- مسجد راه انداخته‌اند، هر کدام، یک مدل متفاوت را اجرا کرده‌اند؛ گرچه یک سری مشترکات با هم دارند.

• هم سطح نبودن مربیان

بعضی از مربیان، افراد توانمند و پخته‌ای هستند؛ اما در مقابل، بعضی دیگر، طلبه‌های تازه‌کاری هستند که تجربه‌چندانی در کار تربیتی ندارند؛ لذا باتوجه به اینکه تقریباً همه‌کاره گروه تربیتی، مربی است، خروجی‌ها یکدست نیستند.

• مدل این مدرسه - مسجد، انضمامی است

یعنی این شیوه مدرسه‌داری، با وجود حجت‌الاسلام صرافیان قابل اجراست و جواب می‌دهد. اگر همین طرح در جای دیگری اجرا شود، موفقیتش تضمین شده نیست. به تعبیر یکی از منتقدین، چون این شیوه کار، مبتنی بر رهیافت‌های مسئول آن است، خیلی مهم است که آن مسئول، چه کسی باشد. حالا چون حجت‌الاسلام صرافیان دارای نفس زکیه و سالمی دارد، این مدل، درست درآمده است؛ امام اگر کسی بیاید که دچار انحرافات باشد، مدل به قهقرا خواهد رفت.

• ریزش نیرو

ورودی نیرو به این مسجد قابل توجه است و معمولاً این قسمت کار خیلی به چشم می‌آید. به همین خاطر، ریزش نیروهایی که در مسجد اتفاق افتاده و کم هم نبوده است، چندان به چشم نمی‌آید؛ درحالی‌که این نیروها، بعضاً افرادی قوی بوده‌اند، که به خاطر اختلاف مبنا، از مسجد جدا شده‌اند. به عبارتی، حجت‌الاسلام صرافیان نتوانسته است نیروهای قوی را نگه دارد؛ چون معتقد است: «من ژنرال نمی‌خواهم. من سرباز می‌خواهم». لذا تقریباً بیشتر مربیان قوی مسجد، در عین ارادت که به ایشان دارند، اما از مسجد جدا شده‌اند.

این اتفاق، در میان متریبان هم افتاده است. باتوجه به اینکه مسجد یک هدف نانوشته دارد و آن، تربیت طلبه است، وقتی دانش‌آموز وارد فضای پیش‌دانشگاهی و ورود به دانشگاه می‌شود، تعارضات جدی به وجود می‌آید. بعضی از خانواده‌ها، به زعم اینکه فرزند خود را به یک فضای تحصیلی مذهبی بفرستند، در این برهه، دچار تعارض می‌شوند و فرزندشان از مسجد جدا می‌شود.

• قطع ارتباط با مدارس اطراف

در گذشته مسجد با مدارس اطراف ارتباطات زیادی داشت؛ به طوریکه مربیان مسجد، امام جماعت مدارس اطراف خود بودند. اما اکنون مربیان خودشان را در مسجد محدود کرده و ارتباط زیادی با مدارس اطراف ندارند. مسئولین مدرسه- مسجد صنعتگران، فقط طرح خودشان را قبول دارند.

• عدم شفافیت کامل طرح برای والدین

مواجهه با والدین دانش آموزان و اقناع آنها به خوبی صورت نمی گیرد. به همین خاطر بعضاً توقعاتی ایجاد و موجب بروز نارضایتی در ایشان می شود.

